

# سیاست نامه جمهوریت

ویژه نامه سالگرد ابلاغ سیاست های کلی انتخابات ♦ آذر ۱۴۰۰ ♦ شماره ۱

## در این ویژه نامه بخوانید:

- ظرفیت های سیاست کلی انتخابات و راهکارهایی در جهت تحقق آن
- بایسته های وزارت امور خارجه در تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات
- نگاهی به بند ۱۳ سیاست های کلی انتخابات و برگزاری انتخابات الکترونیک

## سیاست‌های کلی انتخابات

به‌موقع آنها.  
 ۱۰.۴. اتخاذ ترتیبات لازم برای به حداقل رساندن ممنوعیت حضور داوطلبان شاغل.  
 ۱۰.۵. تعریف و اعلام معیارها و شرایط لازم برای تشخیص رجل سیاسی، مذهبی و مدیر و مدبر بودن نامزدهای ریاست جمهوری توسط شورای نگهبان.

نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان با:

۱۱.۱. تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آنها در تمام مراحل.

۱۱.۲. پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان.

بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت حداکثرسازی شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ و شمارش آراء و اعلام نتایج.

تعیین سازوکار لازم برای حسن اجرای وظایف نمایندگی، رعایت قسم‌نامه، جلوگیری از سوءاستفاده مالی، اقتصادی و اخلاقی و انجام اقدامات لازم در صورت زوال یا کشف فقدان شرایط نمایندگی مجلس در منتخبان.

ثبات نسبی قوانین انتخابات در چارچوب سیاست‌های کلی و تغییر ندادن آن برای مدت معتدله، مگر به ضرورت و با تصویب تغییرات با رأی حداقل دوسوم نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آراء مردم به‌عنوان حق‌الناس در قانون‌گذاری، نظارت و اجرا و نیز رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان.

ممنوعیت ورود نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های تابعه آنها، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانب‌داری از داوطلبان.

اجرای انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا توسط وزارت کشور و زیرنظر هیأت اجرایی مرکزی انتخابات به ریاست وزیر کشور، که ترکیب این هیأت و وظایف آن و همچنین ترکیب و وظایف هیأت‌های اجرایی استانی و شهرستانی را قانون مشخص می‌کند.

تنظیم تاریخ و همزمانی برگزاری انتخابات‌های عمومی به‌گونه‌ای که فاصله برگزاری آنها حدود دو سال باشد و مراحل و سازوکار اجرایی آن تا حد امکان یکسان و متحد صورت پذیرد.

۱. تعیین حوزه‌های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر به‌گونه‌ای که حداکثر عدالت انتخاباتی و همچنین شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد.

۲. برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی به صورت دو مرحله‌ای در صورت عدم کسب نصاب قانونی در مرحله اول.

۳. بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صدا و سیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور.

۴. تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکل‌های سیاسی و اعلام به مراجع ذی‌صلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی.

۵. ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی.

۶. ممنوعیت استفاده از حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی توسط نامزدها و احزاب و برخورد به‌موقع دستگاه‌های ذی‌ربط.

۷. پیشگیری از جرایم و تخلفات انتخاباتی و هرگونه اقدام مغایر قانون، منافع ملی، وحدت ملی و امنیت ملی و رسیدگی سریع و خارج از نوبت حسب مورد به آنها به‌ویژه جرایم امنیتی، مالی و تبلیغاتی و اقدامات تخریبی ضد داوطلبان.

۸. ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و با نشاط مردم و کمک به انتخاب اصلاح.

۹. تعیین چارچوب‌ها و قواعد لازم برای فعالیت قانونمند و مسؤولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات مبتنی بر اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران به نحوی که رقابت‌های انتخاباتی منجر به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام شود.

۱۰. ارتقاء شایسته‌گزینی - همراه با زمینه‌سازی مناسب - در انتخاب داوطلبان تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌هایی متناسب با جایگاه مربوط از طریق:

۱۰.۱. تعیین دقیق معیارها و شاخص‌ها و شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان در چارچوب قانون اساسی با تأکید بر کارآمدی علمی، جسمی و شایستگی متناسب با مسؤولیت‌های مربوط و تعهد به اسلام، انقلاب و نظام اسلامی و قانون اساسی به‌ویژه التزام به ولایت فقیه و سلامت اخلاقی - اقتصادی.

۱۰.۲. شناسایی اولیه توانایی و شایستگی داوطلبان در مرحله ثبت‌نام به شیوه‌های مناسب قانونی و متناسب با هر انتخابات.

۱۰.۳. بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها با پیش‌بینی زمان کافی در چارچوب قانون هر انتخابات از طریق استعلام از مراجع ذی‌صلاح و پاسخگویی مسؤولانه و





پژوهشکده شورای نگهبان

## فهرست

ایده‌هایی روشن برای تحقق سیاست‌های کلی انتخابات

۵

بایسته‌های وزارت امور خارجه در تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات

۸

نگاهی به بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات و برگزاری انتخابات الکترونیک

۱۰

تأثیر ارتباط با کشورهای بیگانه بر صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری

۱۳

تأثیر ارتباط با کشورهای بیگانه بر صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری

۱۷

استنباط صحیح از بند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات، تأملی بر فروض مختلف آن

۲۰

هنجارهای انتخاباتی و نقش آن در برگزاری انتخابات شایسته

۲۳

تأملی بر ضرورت تقنین مناسب با بند ۵ سیاست‌های کلی انتخابات

۲۵

تعیین هزینه‌ها و منابع مالی انتخاباتی مهم‌ترین بند سیاست‌های کلی انتخابات

۲۷

بررسی تکالیف و وظایف مراجع چهارگانه استعلام در تحقق سیاست‌های کلی انتخابات

۲۹

تأملی در عدالت انتخاباتی و شایسته‌گزینی

۳۱

نقدی بر جای خالی نقش فعال احزاب سیاسی در سیاست‌های کلی انتخابات

۳۳

نقد و تحلیل حقوقی بندهای سیاست‌های کلی انتخابات

۳۵

محمد رضا زاده نجف

موانع اجرایی سیاست‌های کلی انتخابات

۳۷

تکالیف و وظایف دستگاه‌ها در تحقق بندهای ۳ و ۸ سیاست‌های کلی انتخابات

۳۹

تکوین سیاست‌های کلی انتخابات بر بنیان حق

۴۱

بررسی و تحلیل سیاست‌های کلی انتخابات

۴۶

تحلیل بندهای سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری

۴۸

موانع و چالش‌های سیاست‌های کلی انتخابات مسعود شکوهی

۵۱

نقد و تحلیل حقوقی بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات

۵۲

نقد و بررسی بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات امید سلطانی

۵۴

# سیاست نامه جمهوریت

(ویژه نامه سالگرد ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات)

شماره: نخست

تاریخ: آذرماه ۱۴۰۰

مدیر مسئول: علی فتاحی

سردبیر: محمد سلیمانی

مدیر محتوایی: محمد صادق فراهانی

مدیر هنری: سید علی مخملباف

مدیر اجرایی: ابراهیم سعادت

روابط عمومی: طه یوسفی

امور رایانه: مهدی تاجیک

امور چاپ: هادی ابراهیم پور

شبکه‌های اجتماعی: @LawClubIR



## محمد سلیمانی

سردبیر ویژه نامه سیاست نامه جمهوری

باسمه تعالی

سیاست‌های کلی نظام حاوی چارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور در همه عرصه‌های حکومتی و یکی از هنجارهای حقوقی مهم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است که طبق بند ۱ اصل یکصد و دهم قانون اساسی تعیین آن به عهده مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام است. این هنجار قانونی همچون حلقه پیوندی بین اصول و اهداف نظام با وظایف دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی است و هدف اصلی آن ایجاد انضباط در کشور معرفی شده که مشخص‌کننده هندسه کلی نظام نیز خواهند بود.

تحقق و اجرای این سیاست‌ها آنقدر اهمیت دارد که در قانون اساسی برای نظارت بر حسن اجرای آن نیز تأکید و تصریح شده و بند دوم اصل یکصد و دهم قانون اساسی این صلاحیت را برای مقام رهبری در نظر گرفته است. این وظیفه که مشخص سازنده ماهیت الزامی سیاست‌هاست و اهمیت اجرایی شدن سیاست‌ها را از منظر تدوین‌کنندگان قانون اساسی روشن می‌سازد، مطابق ذیل اصل یکصد و دهم به مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذار شده است و مسئولیت تحقق آن بر عهده همه دستگاه‌ها و نهادهای حاکمیتی است.

بر این اساس توجه همه اقشار مختلف مردم خصوصاً جامعه محترم حقوقی کشور به سیاست‌های کلی نظام و مطالبه اجرای آن از سوی قوای سه‌گانه و سایر دستگاه‌ها یک ضرورت است و می‌تواند ضمانتی برای اجرای آن و ایجاد یک ثبات سیاسی و اجرایی در کشور و هم‌آهنگ شدن نهادها با یکدیگر باشد.

باشگاه حقوق اساسی به مناسبت سالروز تصویب سیاست‌های کلی انتخابات سه محور را برای یادداشت نویسی پیرامون این سیاست‌ها به اعضای این باشگاه علمی اعلام کرد و طی یک فراخوان علمی آنان را به مشارکت در این رویداد علمی فراخواند. نقد و تحلیل حقوقی بندهای سیاست‌های کلی انتخابات، موانع و چالش‌های تحقق سیاست‌های کلی انتخابات و تکالیف و وظایف دستگاه‌ها در تحقق سیاست‌های کلی انتخابات سه محور اصلی این رویداد علمی بود که از میان آثار ارسالی به دبیرخانه این رویداد، مجموعاً بیش از ۲۰ اثر پذیرفته شد.

آنچه پیش روی شما در ویژه نامه «سیاست نامه جمهوری» قرار گرفته است، مجموعه آثار پذیرفته شده در دبیرخانه این رویداد علمی است که جهت استفاده جامعه علمی و حقوقی ارائه می‌شود و امید است نقدها و پیشنهادات اعضای محترم باشگاه حقوق اساسی مورد استفاده و بهره‌برداری مخاطبان و مسئولان اجرای سیاست‌های کلی انتخابات در تمامی دستگاه‌ها قرار گیرد. انشاء...

# سخن سردبیر



### اعلام نتایج فراخوان یادداشت پیرامون سیاست‌های کلی انتخابات

نتایج فراخوان یادداشت نویسی پیرامون سیاست‌های کلی انتخابات که در تاریخ ۱۴ الی ۲۴ مهرماه و به مناسبت سالروز ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات توسط مقام معظم رهبری (مدظله العالی) برگزار شده بود، اعلام شد.



### برگزاری دور سوم رقابت شبیه سازی شورای نگهبان

مرحله سوم از رقابت شبیه سازی شورای نگهبان با محوریت تفسیر قانون اساسی، صبح روز چهارشنبه ۱۹ آبان با مشارکت ۲۵ تیم به صورت مجازی برگزار شد.



### کدخدایی: نقش آفرینی حقوقدانان در جهاد تبیین ضروری است

صبح روز شنبه ۲۴ مهرماه نشست هم‌اندیشی با موضوع "بررسی نقش حقوقدانان انقلابی در جهاد تبیین" با حضور دکتر عباسعلی کدخدایی رئیس پژوهشکده شورای نگهبان و جمعی از کارشناسان و پژوهشگران این پژوهشکده برگزار شد.



### نیکونهاد: تشخیص اولیه شرایط اضطراری توسط هیئت وزیران در قالب لایحه باید به مجلس ارائه شود/ طحان نظیف: مجلس برای تصمیم‌گیری درباره شرایط اضطراری صلاحیت دارد/ محبی: وضع مجازات در صلاحیت ستاد کرونا نیست

در دومین کرسی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره دکتر حامد نیکونهاد عضو هیئت علمی دانشگاه قم به ارائه نظریه‌های تحلیل و سازگار تصمیم‌گیری در شرایط اضطراری پرداخته و دکتر هادی طحان نظیف عضو حقوقدان شورای نگهبان و همچنین دکتر داوود محبی عضو هیئت علمی دانشگاه قم به عنوان ناقدان نظریات خود ارائه کردند.



### انتشار ۴ گزارش استدلالی نظرات شورای نگهبان

مجموعه جدید گزارش‌های علمی پژوهشکده شورای نگهبان با موضوع استدلال‌های اعضای شورای نگهبان درباره مصوبات مجلس شورای اسلامی و اساسنامه‌های دولتی منتشر شد. به گزارش روابط عمومی پژوهشکده شورای نگهبان، تازه‌ترین گزارش از این مجموعه شامل استدلال‌های مطرح شده در جلسات شورای نگهبان پیرامون ۴ مصوبه "لایحه نحوه کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی به سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور"، "لایحه واگذاری مالکیت مربوط به تاسیسات آب و فاضلاب"، "طرح جهش تولید مسکن"، "طرح تمدید مهلت جذب اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی سال ۱۳۹۹ کل کشور" منتشر شد.



### بررسی دو مصوبه مجلس در پژوهشکده شورای نگهبان

"طرح نحوه انتصاب اشخاص در مشاغل حساس" و "طرح دو فوریتی الحاق یک تبصره به ماده (۶۳) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران" در مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان مورد بررسی قرار گرفت.



### تخفیف ویژه آثار پژوهشکده شورای نگهبان به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی

به مناسبت هفته کتاب و کتابخوانی، محصولات انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان با تخفیف ۲۰ درصد به اهالی علم و کتاب عرضه می‌شود.



### انتشار مجموعه دو جلدی «مجموعه نظریات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری»

کتاب «مجموعه نظریات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری» به همت انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان در قطع وزیری به چاپ رسید.



### بررسی طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار در پژوهشکده شورای نگهبان

در این جلسه که عصر امروز یکشنبه ۲۵ مهرماه در پژوهشکده شورای نگهبان برگزار شد، ابعاد حقوقی "طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب و کار" و "لایحه درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها" با حضور دکتر عباسعلی کدخدایی عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده شورای نگهبان، دکتر هادی طحان نظیف و جمعی از کارشناسان پژوهشکده شورای نگهبان و حقوقدانان مورد بررسی قرار گرفت.



### مرحله دوم از رقابت شبیه سازی شورای نگهبان از صبح امروز با مشارکت ۳۶ تیم به صورت مجازی برگزار شد.

در این مرحله از رقابت‌ها که با موضوع بررسی مصوبات مجلس برگزار شده است، تیم‌های دانشجویی حاضر در رقابت، مصوبات مجلس را از جایگاه وظایف و اختیارات شورای نگهبان، مورد بررسی قرار دادند و داورانی از اساتید دانشگاه و نخبگان حقوقی کشور، ارزیابی کردند.



### انتشار مجموعه دو جلدی کتاب «محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»

کتاب «محشای قانون اساسی» به همت انتشارات پژوهشکده شورای نگهبان در ۱۵۷ صفحه و قطع وزیری به چاپ رسید.

# نگارخانه



بازدید آیت‌الله حسینی خراسانی از پژوهشکده شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۲۶



نخستین جلسه هیات امنای پژوهشکده شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۱۹



رقابت شبیه سازی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۱۵



رقابت شبیه سازی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۱۹



جلسه آموزشی دبیران کمیسیون‌های تخصصی مجلس با موضوع ایرادات حقوقی پرتکرار طرح‌ها و لوایح  
۱۴۰۰/۷/۲۷



رقابت شبیه سازی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۱۹



مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۲۳



مجمع مشورتی حقوقی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۹



رقابت شبیه سازی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۱۹



نشست هم اندیشی بررسی نقش حقوقدانان انقلابی در جهاد تبیین  
۱۴۰۰/۷/۲۴



بازدید آیت‌الله حسینی خراسانی از پژوهشکده شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۲۶



رقابت شبیه سازی شورای نگهبان  
۱۴۰۰/۸/۱۹



## وحید حسن پور

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران  
عضو باشگاه حقوق اساسی پژوهشکده شورای نگهبان

## یادداشت ۱

### ایده‌هایی روشن برای تحقق سیاست‌های کلی انتخابات

حیث حدود صلاحیت و اختیارات ریاست جمهوری، شورای شهر و سایر انتخابات، تبلیغات را اعتبارسنجی کند.

و پس از اینکه شورا تبلیغات را اعتبارسنجی نمود، اگر اصلاحاتی از سوی شورای محترم مدنظر بود به نامزدها اطلاع داده شده که در جهت ویرایش برآیند و چنانچه نامزدی آن را اصلاح ننمود شورا آن تبلیغ را قهراً حذف خواهد نمود. پس از بررسی تبلیغات توسط شورای محترم و صدور مجوز نامزدها موظف‌اند در همان حیطة تعیین‌شده، تبلیغ نمایند و چنانچه هر تبلیغی خارج از حوزه مورد تأیید شورای نگهبان، ارائه شود یا در ستادهای انتخاباتی مطرح شود، نامزد مرتکب تخلف شده است.

البته این مورد نیز در نظر گرفته شده است که شورای محترم نگهبان بنا بر مشغله و مصلحت نخواهد پیش از شروع تبلیغات آن‌ها را مورد بررسی قرار دهد که در این صورت همین سازوکار پس از شروع تبلیغات اجرا خواهد شد یعنی اینکه شورای محترم پس از شروع تبلیغات آن‌ها را بازبینی می‌کند و چنانچه آن‌ها خارج از حدود صلاحیت‌ها و اختیارات قانونی

اشاره: این طرح از قبل جهت ارائه در رقابت انتخابات و کرونا که توسط شورای محترم نگهبان برگزار شد، بوده و با توجه به اصلاحات صورت گرفته توسط نویسنده موارد مربوط به کرونا از آن حذف شده است و با توجه به فراخوان یادداشت پیرامون سیاست‌های کلی انتخابات توسط شورای محترم بر آن شده که چالش‌هایی که به ذهن اینجانب خطور کرده را بیان و چند موردی متذکر گردد و مواردی را به وظایف و تکالیف شورای محترم در جهت رفع این چالش‌ها اضافه نماید.

#### ۱- چالش تبلیغات

الف: با استناد به بندهای ۵، ۶، ۷ و ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات که بیان می‌دارد: «ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی.»

شورای نگهبان با توجه به عبارت «وعده‌های خارج از اختیارات قانونی» بند فوق‌الذکر از هر نامزد بخواهد که تبلیغات رسمی خود را تسلیم شورا نموده و شورای محترم نگهبان از





(plan) قابلیت اجرا دارد یا خیر؟ و ذیل آن خواهد آورد.

یعنی اگر شورای محترم با برنامه و جمله‌ای روبرو شد که نه استناد قانونی داشته و نه ادله‌ای مستند و واقعی بود و نه اینکه در حوزه صلاحیت مقام و منصب مورد رقابت بود، ذیل آن متذکر می‌شود که این برنامه با توجه به بررسی‌های انجام‌شده فاقد مستندات و واقعیات بوده و یا از حوزه صلاحیت خارج است و مورد تأیید شورای نگهبان (شورای نظارت انتخاباتی) نیست.

پس از طی مراحل ارزیابی، اصلاحیه به نامزدها ارائه می‌شود و یک روز فرصت اصلاح داشته و می‌توانند آن را اصلاح کرده و ارائه دهند اگر اصلاحات انجام‌شده باشد شورا آن‌ها را بدون تذکرات و نکات منتشر می‌نماید، در غیر این صورت همان‌طور با تمام توجهات و اخطارهای شورای نگهبان، منتشر خواهد شد.

**\*\* «البته برنامه اولیه قبل از اصلاح با تمام اخطارها و**



باشد، موارد اصلاحی را به نامزد متذکر شده و اگر نامزد درصدد اصلاح برنیامد، وی مرتکب تخلف انتخاباتی شده است.

ب: با استناد به بند ۵ و ۶ سیاست‌های کلی انتخابات:

نامزدها در تبلیغات خود و رسانه‌های جمعی از احساسات عمومی، چهره‌ها و اشخاصی که نماد ملی-میهنی و مذهبی هستند استفاده نکنند یا بیش از چارچوب‌های عرفی از آن استفاده نمایند به بیان بهتر مصادره به مطلوب نمایند. به‌طور مثال استفاده بیش از حد از نام و مقام رهبری، حاج قاسم سلیمانی و...

زیرا:

۱- انتخابات را از حالت منطق و انتخاب عقلی خارج کرده و جنبه احساسی می‌گیرد.

۲- به‌طور معمول در این سخنان تحریف واقعیت وجود دارد

۳- از همه مهم‌تر در آینده سبب تخریب و شکستن قبح چهره (نماد ملی میهنی) می‌شود.

ج: با استناد به بند ۵ سیاست‌های کلی انتخابات، در تبلیغات از تخریب حزب، جناح و سایر نامزدها استفاده نشود

\* (حتی اگر جمله یا کلمه‌ای حالت دوپهلوی داشته باشد و به موضوعی از جناح یا نامزد رقیب ربط داشته باشد جلوگیری شود)

د: در انتها دادن مجوز به تبلیغ

\* توجه - در صورت رعایت این موارد، هر جمله تبلیغ دارای مجوز و شناسنامه از سوی شورای محترم نگهبان است.

## ۲- چالش برنامه اجرایی و راهبردی

با استناد به بندهای ۳، ۵ و ۸ سیاست‌های کلی انتخابات

شورای نگهبان از هر نامزدی بخواهد برنامه‌های اجرایی و راهبردی خود را در قالب یک برنامه مدون (برنامه‌ها حتی‌الامکان مستند و مستدل باشد) ارائه دهد. (البته نامزدی می‌تواند برنامه‌ای نداشته باشد و این را شورا ذکر می‌کند)

این برنامه مدون هر نامزد باید در بازه زمانی که شورای نگهبان تعیین می‌کند، تقدیم شورای محترم نگهبان کند.

پس از وصول برنامه‌های اجرایی و راهبردی شورا در یک بازه زمانی کوتاه، مواد برنامه (plan) هر نامزد را بررسی می‌کند و شروع به اعتبارسنجی آن‌ها از منظر حقوقی (حوزه صلاحیت، استنادات و ...) و علمی (در هر گرایش و رشته علمی که ورود نمایند) و ... توسط کارشناسانی که شورای محترم از آنان دعوت به عمل می‌آورد، می‌کند.

\* توضیح هر بند جمله را ارزیابی می‌کند. اگر استناد قانونی داشت، کنار آن با قلمی خاص و مخصوص خود شورا، مستندات و ارجاعات قانون را وارد می‌کند و یا اینکه براساس ادله‌ای (اعم از حقوقی و غیرحقوقی نظیر اقتصادی و ...) قابل استناد بود آن را نیز ذیل آن متذکر می‌شود.

و همچنین برنامه‌ها را امکان‌سنجی نموده که آیا این برنامه

شورای محترم نگهبان برای مردم این طرح سبب می‌شود:

• مردم جامعه، رزومه و عقبه نامزدها را دیده و از آن مطلع می‌شوند.

• در مناظرات نامزدها نمی‌توانند رزومه یکدیگر را زیر سوال ببرند و اگر اعتراض دارند باید با شورای نگهبان مطرح کنند و با شورا روبرو هستند.

• نامزدها نمی‌توانند به رزومه خود موارد خلاف واقع اضافه کنند.

### طرح شبکه ملی انتخابات (شما)

با استناد به بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات و استفاده از تمام بسترهای فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها، یک بستری که زیر نظر شورای نگهبان است در صداوسیما و فضای مجازی تشکیل خواهد شد.

همه موارد مذکور در این بستر که شامل سامانه و سایت است و حتی صداوسیما و شبکه‌های اجتماعی در قالب و تحت نظر شبکه ملی انتخابات ساخته شده و شروع به فعالیت می‌کند.

۱- تمام برنامه‌ها/تبلیغات/رزومه در شما وجود دارد.

۲- در شما، خبرهای رسمی و تأیید شده منتشر می‌شود و همچنین شایعات را تکذیب می‌کند.

۳- در شما امکان گزارش تخلف در هر مرحله و همچنین ثبت شکایت و نظرات وجود دارد.

۴- مناظرات به صورت برخط و آنلاین در شما پخش می‌شوند.

همه‌هنگی با صداوسیما به جهت اینکه کلیه شبکه‌ها و رسانه‌ها زیر نظر شما باشد و شما هم زیر نظر کمیسیون تبلیغات باشد.

\*\* با استناد به بند ۸ سیاست‌های کلی انتخابات آموزش شهروندان در حوزه تحلیل مناظرات و شرکت در انتخابات در سامانه شما ذیل برنامه‌های آموزشی شهروندی و انتخابات انجام پذیرد.

توجهات شورای نگهبان به منظور شفافیت منتشر خواهد شد ولی این برنامه‌ها قابلیت استناد یا نقد نخواهند داشت.\*\*

پس از اتمام تمامی مراحل مذکور، برنامه نهایی شده به همراه استنادات شورای نگهبان در صفحه مربوط به هر نامزد قرار گرفته و نشر پیدا می‌کند.

### مزایای این طرح:

۱- دیگر انتخابات و سخنان و ارائه نامزدها چهره عوض کرده و متفاوت خواهد و با توجه به شرایط کشور باید از فرافکنی و گفته‌های بدون پشتوانه عبور کرد و به سمت برنامه‌ریزی و ارائه راهکار رفت.

این مهم سبب این خواهد شد که:

• مردم بهتر و با دید بازتر به سمت انتخاب پیش می‌روند

• هر نامزد را می‌توان با برنامه‌های آنان شناخت و تحلیل کرد از حالت تئوریکال خارج شده و به سمت عمل‌گرایی می‌رویم.

• مطالبات نسبت به برنامه‌های داشته و نداشته بیشتر می‌شود.

یعنی؛ می‌توان از نامزد پرسید که در زمینه X چرا برنامه ندارد؟ یا چرا برنامه وی دارای اشکال تخصصی است؟

• در مناظرات، نامزدها به جای زیر سوال بردن شخصیت و پناه بردن به اطلاعات تفرقه‌افکن و بیان سخنان جذاب جهت سوءاستفاده دشمنان، به سمت تحلیل و پرسش و پاسخ برنامه‌های یکدیگر می‌روند.

• دسترسی نخبگان و متخصصین به برنامه‌ها و اعلام نظر در خصوص آن‌ها (نخبه‌سالاری) و توجه مردم به آن‌ها.

۲- در ادوار گذشته، نامزدها سخنانی می‌گفتند که یا از حوزه صلاحیت مقام و منصب مورد رقابت خارج بود و یا اینکه هیچ مستند قانونی و علمی نداشت و این اطلاعات غلط به جامعه تزریق شده سبب تشویش اذهان عمومی می‌شد.

حال تمام این برنامه‌ها اعتبار سنجی و امکان‌سنجی می‌شود و همچنین سبب شناخت بیش‌ازپیش شورای محترم نگهبان می‌شود و وظیفه اصلی شورای محترم در خصوص انتخابات (استناد به بند ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات) نمایان خواهد شد.

\* با استناد به بند ۱۵ سیاست‌های کلی انتخابات، مبنی بر بی‌طرفی، شورای نگهبان در بررسی این برنامه‌ها، آن قسمت‌های مورد نظر را حذف و اصلاح نمی‌کند مگر اینکه خود نامزد در بازه زمانی در نظر گرفته شده آن را اصلاح یا حذف کند. یعنی شورا سانسور نمی‌کند ولی نظارت داشته و برای مردم و جامعه روشن‌گری می‌کند.

۳- چالش اطلاعات شخصی و شناخت نامزدها

با استناد به بند ۸ سیاست‌های کلی انتخابات

ارسال رزومه:

ارائه رزومه تحصیلی، شغلی، اجرایی و ... قابل نشر توسط

## سعید نصرالله زاده

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی  
دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم

saeednasrolah@gmail.com



## یادداشت ۲

## بایسته‌های وزارت امور خارجه در تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات

مجلس خبرگان رهبری در خارج از کشور ناشی از این فرض است که شرکت‌کنندگان در این دو انتخابات باید در حدود صلاحیت محلی و منطقه‌ای به کاندیداها رای دهند و چون کاندیداها باید در حوزه انتخابیه حضور داشته باشند امکان برگزاری انتخابات از لحاظ منطقی میسر نیست. این موضوع هرچند مطابق با وضع مقررات موجود و هنجارهای نظام انتخاباتی است لیکن در تعارض با حق تعیین سرنوشت مردم است.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی مطابق اصل ۸۴ قانون اساسی در مقابل همه ملت مسئولیت دارند. سوگند آن‌ها نیز ناظر به وظیفه آن‌ها نسبت به همه ملت است. از این وحدت ملاک می‌توان برای تسری مسئولیت نمایندگان مجلس به اعضای مجلس خبرگان رهبری هم استفاده کرد. زیرا ماهیت نمایندگی پارلمانی اعطای اعتبار و اختیار از سوی ملت به نماینده است و انتخاب بخشی از مردم خللی به ماهیت یکپارچه حاکمیت وارد نمی‌کند. در این خصوص تفاوتی میان پارلمان با مجلس خبرگان نیست.

مصوبات و اقدامات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی به دلیل ملی بودن حوزه اختیارات آن‌ها رابطه مستقیمی با حق تعیین سرنوشت افراد دارد. اهمیت وظایف این دو مجلس در قانون اساسی، لزوم امکان‌سنجی مشارکت ایرانیان غیرمقیم را در این انتخابات تشدید می‌کند. با توجه به تأثیری که این دو مجلس بر وضعیت و ساختار سیاسی کشور دارند محروم کردن ایرانیان مقیم خارج از کشور از مشارکت در این دو انتخابات علاوه بر آنکه مغایر حق تعیین سرنوشت آن‌هاست و موجب کاهش مشارکت سیاسی می‌شود در تعارض با حقوق بشر، حقوق شهروندی و حقوق عامه است.

همچنین نباید یکپارچگی مفهوم ملت را منحصر در ایرانیان مقیم ایران بدانیم بلکه عموم و اطلاق ملت ایران شامل

در نظام‌های سیاسی مبتنی بر رای مردم "میزان مشارکت حائزین شرایط شرکت در انتخابات" شاخص مهمی است. این شاخص علاوه بر اینکه نشانه مشارکت مردم در تعیین سرنوشت آن‌ها است می‌تواند آسیب‌شناسی خوبی را از نظام انتخاباتی آن کشور به نمایش بگذارد. به نحوی که تمام نظام‌های سیاسی در تلاش‌اند تا با اتخاذ تدابیر مختلفی به ارتقاء میزان مشارکت مردم در انتخابات دست یابند.

«افزایش مشارکت» در بندهای ۸-۹-۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات به‌عنوان کلیدواژه اصلی به کار رفته و متعاقب آن عبارت‌هایی نظیر «حضور آگاهانه» در تکمیل این مفهوم ذکر شده است.

مطابق ماده ۵۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۴) در سفارتخانه‌ها و یا کنسولگری و نمایندگی سیاسی ایران در خارج از کشور هیأت اجرائی انتخابات ریاست جمهوری به ریاست سفیر و یا سرکنسول و یا عالی‌ترین مقام نمایندگی تشکیل می‌گردد و براساس ماده ۵۴ وظیفه اعلام نتیجه انتخابات را از طریق وزارت خارجه به وزارت کشور به عهده دارد. این موضوع دقیقاً در مواد ۲۵ و ۲۶ قانون همه‌پرسی در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸) نیز تکرار شده است.

انتخابات ریاست جمهوری و همه‌پرسی‌ها هم‌زمان با داخل کشور، در خارج از کشور نیز برگزار می‌گردد که نحوه، مکان و ساعت برگزاری آن از طریق نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور اطلاع‌رسانی می‌شود. اما در خصوص انتخابات مجلس خبرگان رهبری و مجلس شورای اسلامی، نه تنها وزارت خارجه هیچ تکلیف قانونی به برگزاری انتخابات در خارج از کشور ندارد بلکه منفعلانه از احقاق این حق شهروندان ایرانی غیرمقیم غفلت کرده است که به‌عنوان بایسته‌های وزارت مذکور مدنظر قرار دارد.

عدم الزام به برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی و



-منتصر اسدی، فاطمه و دیگران، (۱۳۷۹)، مجموعه وظایف و اختیارات وزیر امور خارجه، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری -پرتال وزارت امور خارجه به نشانی:

<https://mfa.gov.ir/portal/helpdeskdata/۳۹۸/۵۷۳۴/>

(مشاهده شده در تاریخ ۱۹ مهر ۱۴۰۰)

-سامانه ملی قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری [dotic.ir](http://dotic.ir)

همه تابعان آن است اعم از اینکه محل اقامت آن‌ها داخل یا خارج از ایران باشد پس حاکمیت وظیفه دارد به نحوی امکان مشارکت سیاسی ایرانیان غیرمقیم را در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان فراهم نماید و وزارت امور خارجه مسئولیت اصلی تحقق این مهم را بر عهده دارد.

برای این منظور ابتدا باید برای نحوه مشارکت ایرانیان غیرمقیم در انتخابات چاره‌اندیشی کرد. یکی از پیشنهادها این است که ایرانیان غیرمقیم را به صورت مفروض در تهران به جهت مرکزیت جمهوری اسلامی ایران مقیم بدانیم و صرفاً جواز مشارکت سیاسی ایرانیان مقیم خارج از کشور را برای رای دادن به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از حوزه انتخابیه تهران صادر کنیم.

به دلیل ضرورت تقنین در این خصوص گام اول ارائه یک طرح یا لایحه در این مورد است. به نظر می‌رسد علی‌رغم امکان ارائه طرح از سوی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، لیکن با عنایت به اینکه وفق بند ۶ ماده ۲ قانون وظایف وزارت امور خارجه (۱۳۶۴) حفظ حقوق و منافع اتباع ایرانی خارج از کشور از وظایف اساسی وزارت امور خارجه است و وفق بند ۱۲ همان ماده وظیفه تهیه و تدوین مقررات و تنظیم لوایح مربوط به وظایف محوله نیز بر عهده وزارت مذکور قرار دارد در گام اول می‌بایست مقدمات تدوین لایحه‌ای بدین منظور فراهم شود. در صورت تصویب نهایی این لایحه وزارت امور خارجه در جهت تحقق مشارکت حداکثری در انتخابات وظیفه امور اجرایی انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری را در خارج از کشور نیز بر عهده خواهد گرفت.

منابع:

-توسلی رکن‌آبادی، مجید و شعبانی شمیرانی، علیرضا، (۱۳۹۲)، نقش نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی در چگونگی ایفای مسئولیت نمایندگان مجلس هفتم، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال چهارم، شماره چهارم

## یاور شعبانی

پژوهشگر حقوق عمومی  
عضو باشگاه حقوق اساسی پژوهشکده شورای نگهبان

shaabaniyavar@gmail.com



## یادداشت ۳

## نگاهی به بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات و برگزاری انتخابات الکترونیک

## مقدمه

عصر حاضر دوران شکوفایی و پیشرفت روزافزون تکنولوژی‌ها است و همواره شاهد ورود تکنولوژی به عرصه‌ها و زمینه‌های مختلف هستیم. بالطبع عرصه سیاست و حکمرانی نیز از این قاعده کلی مستثنا نیست و «در حال حاضر استفاده از تکنولوژی‌ها در عرصه سیاست امری عادی بلکه ضروری به حساب می‌آید» (واعظی و شعبانی، ۱۳۹۸: ۵۲) و به نوعی حکومت‌ها در پی ایجاد حکمروایی هوشمند هستند که دولت الکترونیک<sup>۱</sup> و دولت دیجیتال<sup>۲</sup> زاینده آن است و یکی از الزامات دولت الکترونیک برگزاری انتخابات به صورت الکترونیک<sup>۳</sup> است. در جمهوری اسلامی ایران تا پیش از ابلاغ سیاست‌های کلی انتخابات در سال ۱۳۹۵ در خصوص انتخابات الکترونیکی مقرر خاصی جز ماده نه<sup>۴</sup> اصلاحی ۱۳۷۲ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴ وجود نداشت که آن هم صرفاً مربوط به مرحله شمارش آراء بود که البته مقرر الزام‌آوری هم نبود و بنابراین اجرایی نشد. اما در بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات<sup>۵</sup> به این مهم توجه گردید و سعی در به روز سازی قوانین و مقررات انتخاباتی صورت گرفت. این بند «بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در جهت حداکثر سازی شفافیت، سرعت و سلامت در اخذ و شمارش آراء و اعلام نتایج» را مقرر می‌دارد که به معنای استفاده و به کارگیری شیوه‌های مدرن در فرایند انتخابات یا به تعبیر ما برگزاری انتخابات الکترونیکی است و با ماده نه این تفاوت را دارد که هر سه مرحله اخذ آراء، شمارش آراء و اعلام نتایج را در برمی‌گیرد و هوشمندانه تأکید می‌کند که این فناوری‌های نوین در سه جبهه شفافیت، سرعت و سلامت انتخابات یاریگر نهادهای برگزارکننده و ناظر انتخابات هستند. از طرف دیگر با عنایت به لزوم رعایت و توجه به سیاست‌های کلی در فرایند قانون‌گذاری<sup>۶</sup> برخلاف ماده نه دارای خاصیت الزام‌آوری نیز هست. در این نوشتار خواهیم کوشید تأثیر برگزاری انتخابات به شیوه الکترونیک را در حداکثر سازی شفافیت، سرعت و

سلامت تأکید شده در بند ۱۲ بررسی و تحلیل نماییم. ذکر این نکته ضروری است که این شفافیت، سرعت و سلامت ناظر بر هر سه مرحله اخذ آراء، شمارش آراء و اعلام نتایج هست و در واقع آنچه در ادامه خواهد آمد تمامی این مراحل را شامل می‌گردد.

## شفافیت

اساساً تعمیم شفافیت<sup>۷</sup> به عنوان یکی از شاخصه‌های حکمرانی خوب<sup>۸</sup> به همه جنبه‌های حکمرانی نیاز ضروری حکومت‌ها است و می‌توان به شفافیت در فرایند برگزاری انتخابات به عنوان یکی از راه‌های پیمایش در این مسیر نگریست. یکی از راه‌های رسیدن به شفافیت در انتخابات این است که شهروندان امکان رصد مستقیم فرایند برگزاری انتخابات را داشته باشند که چنین امکانی با تکنولوژی‌های جدید فراهم شده است تا جایی که برخی بر این باورند «سیستم‌های انتخابات الکترونیک برای پاسداری از شفافیت تعبیه شده‌اند» (Tokaji, ۲۰۰۵: ۱۷۴۴). در حال حاضر کشورهایی که سال‌ها تجربه فراوانی در خصوص برگزاری انتخابات الکترونیک دارند به جدیدترین فناوری موجود در این حوزه بسیار خوشبین هستند چراکه نتایج درخشانی داشته و نسبت به سایر شیوه‌های آزمایش شده تاکنون کمترین میزان خطا را ثبت کرده است. فناوری بلاک چین<sup>۹</sup> به برگزارکنندگان انتخابات این امکان را می‌دهد که شفافیت بیشتری را به منصفه ظهور رسانند و «متخصصان علوم کامپیوتری و شبکه‌ای خصوصاً به دو دلیل کاهش تقلب و افزایش دسترسی رأی‌دهندگان که خود به شفافیت فرایند انتخابات می‌انجامد از فناوری بلاک چین دفاع می‌کنند و از منافع بسیار آن سخن می‌گویند» (Kshetri & Voas, ۲۰۱۸: ۹۵-۹۹). بلاک چین در قالب دفترهای دیجیتال قابل اثباتی<sup>۱۰</sup> نمودار می‌شود که به صورت توزیع شده و بدون اختیارات مرکزی<sup>۱۱</sup> بوده و اطلاعات آن‌ها غیرقابل تغییر و دستکاری است



فناوری‌های نوین تأکید شده است. به نظر می‌رسد توانایی بلاک چین در این خصوص نیز می‌تواند خودنمایی کند چراکه به کمک محرمانگی داده‌ها می‌آید و با سازوکار منحصربه‌فرد خود که هر کس می‌تواند اطلاعات را وارد کند اما هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را کنترل کند به سلامت انتخابات یاری می‌رساند. منطق بلاک چین این است که همان‌طور که سرقت کلوچه از مغازه‌ای خلوت بسیار ساده‌تر از دزدیدن آن از یک فروشگاه بزرگ در حضور هزاران شاهد است؛ فناوری بلاک چین با استفاده هنرمندانه از رمزنگاری و با توزیع اختیارات نظارت و مدیریت بر منابع اطلاعاتی و رایانشی و تاریخ‌مند سازی تراکنش‌ها، مجموعه‌ای از مزایای امنیتی و کارکردی به وجود آورده است (رجبی و فریور، ۱۳۹۶: ۱). با این فناوری و به شیوه‌ای که عمل می‌کند می‌توان مدعی شد که سلامت انتخابات نیز بسیار بیشتر از گذشته تأمین خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

شفافیت، سرعت و سلامت فرایند برگزاری انتخابات در هر نظام انتخاباتی واجد اهمیت است و ضامن عملکرد صحیح نظام انتخاباتی بوده و در افزایش مشارکت نیز مؤثر خواهد بود. به نظر می‌رسد فناوری‌های روز دنیا می‌توانند در خدمت به حداکثر رساندن این سه عنصر اساسی درآیند؛ این همان نکته‌ای است که در بند ۱۲ بدان تأکید شده است. در میان شیوه‌های موجود در این نوشتار به بررسی بلاک چین پرداختیم چراکه از طرفی به باور متخصصان «از این فناوری می‌توان در تمامی مراحل انتخابات بهره‌جست» (FUSCO, and others, ۲۰۱۸: ۲۲۴) که این مسئله نیز در بند ۱۲ ذکر و مورد تأکید واقع شده است و از طرف دیگر همان‌گونه که متذکر شدیم نهایت شفافیت، سرعت و سلامت را نیز تأمین می‌کند. اما در تحقق این مسئله باید به دو نکته اساسی توجه بایسته شود نخست آنکه با بهره‌گیری از دانش

و امکان نفوذ در آن بسیار کم است به نحوی که بهترین شیوه برخط در انتخابات الکترونیک قلمداد می‌گردد و حتی بر انتخابات سنتی از نظر شفافیت می‌تواند پیشی گیرد. با این فناوری گویی همه رأی‌دهندگان خود به صورت ناظر انتخابات می‌توانند به صورت لحظه‌ای بر فرایند انتخابات نظارت داشته باشند و از این طریق به حداکثر سازی شفافیت تأکید شده در بند ۱۲ خواهد انجامید.

### سرعت

از طرفی سرعت در برگزاری انتخابات همواره به‌عنوان عاملی مطلوب در نظام‌های انتخاباتی قلمداد می‌شود و از طرف دیگر در وقت و تلاش صرفه‌جویی می‌گردد. پرواضح است که انتخابات الکترونیکی با حذف قابل توجه عوامل انسانی و با بهره‌گیری از سیستم‌ها و دستگاه‌های دیجیتالی به لحاظ سرعت بخشی به فرایند انتخابات به نحو بسیار مطلوبی در این زمینه عمل می‌کند. رأی‌دهندگان به راحتی و بعضاً از منزل یا محیط کار خود و بدون صرف زمان زیاد و صرفاً با چند کلیک یا حتی با تلفن همراه خود در کمترین زمان ممکن و بدون تشریفات دست و پاگیر رای می‌دهند و در سیستم‌ها ثبت و ضبط می‌شود. مرحله اعلام نتایج مرحله‌ای است که سرعت بیش از سایر مراحل به چشم می‌آید چراکه به محض پایان زمان رأی‌گیری می‌توان نتایج انتخابات را مشاهده نمود. بنابراین شکی نیست که سرعت نیز در انتخابات الکترونیک در هر سه مرحله اخذ آراء، شمارش آراء و اعلام نتایج به حداکثر می‌رسد و این همان چیزی است که در بند ۱۲ بدان تأکید شده است.

### سلامت

سلامت رکن رکیب هر انتخابات آزاد و بی‌طرفانه‌ای قلمداد می‌شود که در بند ۱۲ بر حداکثر سازی آن با استفاده از

Electronic Voting and Democratic Values, Fordham Ohio State Public Law Working ۵۷. Law Review, Vol Available at SSRN: <https://ssrn.com/>, Paper No ۲۵, ۵۹۴۴۴۴=abstract /۱۰۲۱۳۹/or <http://dx.doi.org> ۵۹۴۴۴۴

## پی‌نوشت

1 - E- Government

2 - Digital Government

۳- انتخابات الکترونیکی (E-Election)، همه‌پرسی الکترونیکی (E-Referendum)، رای‌گیری الکترونیکی (E-Voting)

۴- چنانچه در همه یا بعضی از شهرستان‌های یک استان، شمارش آرا با دستگاه شمارشگر صورت پذیرد، سیستم کامپیوتری انتخابات باید به نحوی طراحی و اجرا شود که دسترسی به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آن در کلیه مراحل انتخابات بدون حضور نمایندگان شورای نگهبان میسر نباشد. تصمیمات لازم برای حفظ نرم‌افزارها و سخت‌افزارها مشترکاً از سوی شورای نگهبان و وزارت کشور اتخاذ می‌شود و کلیه نسخه‌های نرم‌افزاری قبل از انتخابات به تایید شورای نگهبان رسیده و مهر و موم (قفل نرم‌افزاری) می‌شود تا در زمان مورد توافق با حضور نمایندگان شورای نگهبان و وزارت کشور روی سیستم‌های کامپیوتری هر حوزه انتخاباتی نصب و راه‌اندازی شود. هرگونه تغییر در نرم‌افزارها باید با اطلاع و تایید شورای نگهبان انجام گیرد.

۵- زین پس اختصاراً فقط بند ۱۲ می‌آید.

۶- بنگرید به: بکشلو و طحان نظیف، ۱۳۹۹؛ دولت رفتار حقیقی و آقایی طوق، ۱۳۸۹؛ ارسطو، ۱۳۸۰؛ اسماعیلی و طحان نظیف، ۱۳۸۷؛ خلیلی، ۱۳۸۳؛ مرادخانی، ۱۳۸۹؛ موسی زاده، ۱۳۸۷؛ شعبانی، ۱۳۹۹.

7 - Transparency.

8 - Good Governance.

۹- در ترجمه فارسی زنجیره بلوکی یا زنجیره بستگی آمده است اما ما در این نوشتار خود بلاک چین (Blockchain) را از آنجا که بیشتر معمول است به کار می‌بریم.

10 - Ledger

۱۱- مانند بانک، شرکت، دولت یا هر عامل خارجی و کنترل‌کننده دیگر

متخصصین کامپیوتری و شبکه‌های اینترنتی و الگو‌گیری از تجارب کشورهای پیشرو و موفق در استفاده از این فناوری‌ها اقدام به تعیین مناسب‌ترین شیوه برای پیاده‌سازی در کشور نمود سپس اهتمام جدی در خصوص تأمین تجهیزات و زیرساخت‌های موردنیاز توسط نهادهای حاکمیتی صورت گیرد و در انتها به نحو تدریجی از این فناوری‌ها در انتخابات مختلف بهره‌جست.

## منابع

ارسطو، محمدجواد (۱۳۸۰)، میزگرد کندوکاوی در جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام، راهبرد، ۲۰.

اسماعیلی، محسن و هادی طحان نظیف (۱۳۸۷) تحلیل ماهیت نهاد سیاست‌های کلی نظام در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، حقوق عمومی، شماره ۹.

بکشلو، رضا و هادی طحان نظیف (۱۳۹۹) استناد به سیاست‌های کلی نظام در دیوان عدالت اداری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

خلیلی، محسن (۱۳۸۳) نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام؛ بررسی انتقادی، نشریه حقوق اساسی، شماره ۴.

دولت رفتار حقیقی، محمدرضا و مسلم آقایی طوق (۱۳۸۹) مفهوم و جایگاه سیاست‌های کلی نظام، تهران: دفتر گسترش تولید علم.

رجبی، ابوالقاسم و روح اله فریور (۱۳۹۶) آشنایی با فناوری راهبردی زنجیره بلوکی و کاربردهای آن، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گزارش‌های کارشناسی دفتر مطالعات فناوری‌های نوین.

شعبانی، یاور (۱۳۹۹) ضمانت اجرای حقوقی فرمایشات رهبری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر سیاست‌های کلی نظام)، پروژه کسر خدمت، دانشگاه جامع امام حسین (ع).

مرادخانی، فردین (۱۳۸۹) مباحثی پیرامون مفهوم، جایگاه و اجرای سیاست‌های کلی نظام و نظارت بر آن، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، شماره ۳۵.

موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۷) تأملی در مفهوم، ماهیت و جایگاه حقوقی سیاست‌های کلی نظام، فقه و حقوق، شماره ۱۷.

واعظی، مجتبی و یاور شعبانی (۱۳۹۸) افزایش مشارکت از طریق انتخابات الکترونیکی، نشریه حقوق اساسی، دوره ۱۶، شماره ۳۳.

Crypto\_ voting, A (۲۰۱۸) Fusco, Francesco and others Blockchain based e\_ Voting Systems, In proceeding ۱۰th International Conference on Knowledge of the Management and Information Sharing, Vol ۳.

Block Chain Enabled (۲۰۱۸) Kshetri, Nir & Jeffrey Voas .E\_ Voting, IEEE Software, Vol ۳۵, Issue ۴.

The Paperless Chase: (۲۰۰۵) Tokaji, Daniel P



## علی آریان نژاد

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع)  
shaabaniyavar@gmail.com

### یادداشت ۴

## تأثیر ارتباط با کشورهای بیگانه بر صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری

### چکیده

احراز صلاحیت داوطلبان ریاست جمهوری بنا بر اصول ۹۹ و ۱۱۰ بر عهده شورای نگهبان است که در بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، تعیین دقیق معیارها و شاخص‌های آن مورد تأکید قرار گرفته است. یکی از ملاک‌های احراز صلاحیت در نظر قانون‌گذار و شورای نگهبان، عدم ارتباط مؤثر با کشورهای بیگانه است چراکه به دلیل اهمیت مقام ریاست جمهوری در صورت عدم احراز این موضوع توالی فاسد بسیاری پدید می‌آید. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی با مطالعه نصوص قانونی و آراء حقوقدانان در صدد پاسخ به این سؤال است که «ارتباط با کشورهای بیگانه توسط داوطلبان ریاست جمهوری و خانواده آن‌ها تا چه حد در احراز صلاحیت آن‌ها تأثیر دارد؟». برای پاسخ به این سؤال ابتدا تأثیر ارتباط مستقیم فرد و سپس تأثیر ارتباط غیرمستقیم از طریق اطرافیان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### مقدمه

از آنجاکه ریاست جمهوری یکی از ارکان مهم حکومت در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است، حساسیت‌های خاصی همچون سایر کشورها برای احراز صلاحیت نامزدهای داوطلب این سمت وجود دارد و بنا بر نص اصول ۹۹ و ۱۱۰ قانون اساسی بررسی و احراز این صلاحیت‌ها بر عهده شورای نگهبان است و بنا بر بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات بایستی معیارها و شاخص‌های آن دقیقاً مشخص شود. از آنجاکه ارتباط یک کشور بیگانه به هر نحوی باعث ایجاد علقه بین یک فرد و آن کشور بیگانه می‌شود و ممکن است در آینده در تصمیمات فرد در مقام ریاست جمهوری اثرگذار باشد و یا از لحاظ امنیتی مقدمات نفوذ را فراهم آورد لذا توجه به این نکته در روند بررسی صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری ضروری به نظر می‌رسد بنابراین در این پژوهش با بررسی

نصوص حقوقی موجود در صدد پاسخ به این سؤال هستیم که «ارتباط با کشورهای بیگانه توسط داوطلبان ریاست جمهوری و خانواده آن‌ها تا چه حد در احراز صلاحیت آن‌ها تأثیر دارد؟» برای پاسخ به این سؤال بین خود فرد و خانواده وی تفکیک قائل می‌شویم چراکه حد تأثیرگذاری مستقیم ارتباط با کشورهای بیگانه در خود فرد بسیار بیشتر از حد تأثیرگذاری غیرمستقیم آن از طریق خانواده بر فردی که نامزد ریاست جمهوری شده است و در بررسی ارتباطات خود فرد به صورت مجزا مباحث تابعیت، اقامت، سفر و مبادلات تجاری و گرایش و موضع‌گیری حول کشورهای بیگانه به ترتیب بررسی می‌شود و سپس تأثیر اقامت، تابعیت خانواده هر داوطلب در کشور بیگانه و همچنین ازدواج با اتباع بیگانه در بخش دوم مطالعه می‌شود.

اگرچه در مورد این موضوع نصوص قانونی طبقه‌بندی شده و منقحی نداریم و از طرفی با تضارب آراء حقوقدانان مواجه هستیم اما در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی پس از بررسی نصوص موجود در این زمینه و آراء حقوقدانان و همچنین تبیین خلأها با الگوگیری از سایر نصوص قانونی ضمن کشف مراد مقنن و روح حاکم بر قانون در صدد ارائه پاسخی منطقی به مسئله پژوهش در قالب پیشنهاد خواهیم بود.

### ۱- تأثیر ارتباط مستقیم خود فرد با کشورهای بیگانه

در این مورد با پنج مفهوم مجزا مواجه هستیم که باید به تفکیک در ادامه مورد بررسی قرار دهیم:

#### ۱-۱- ایرانی‌الاصل بودن

می‌توان گفت این مفهوم از نوآوری‌های قانون‌گذار در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است که در لغت به معنای کسی است که از پدر و مادر ایرانی متولد شده باشد (معین،





اظهار داشته‌اند که با وجود ذکر شرط ایرانی‌الاصل، آوردن این شرط ضرورتی ندارد لیکن باید گفت این بند بیانگر وضعیت فعلی شخص داوطلبی است که باید رابطه تابعیت را با ایران حفظ کرده باشد. (رستمی؛ موسی پور، ۱۳۸۸، ۲۳۲) در تأیید این استدلال می‌توان به ماده ۳ طرح اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری و تبصره آن که در فوق نیز توضیح آن ذکر شد، اشاره کرد که در آن آمده است: «منظور از تابع ایران، شخصی است که تابعیت اصلی ایرانی داشته باشد. اتباع ایرانی که تابعیت کشور دیگری را دارند و از آن اعراض نکرده‌اند و اتباع ایرانی که تابعیت کشور دیگری را در گذشته و حال کسب کرده‌اند و اشخاص غیر ایرانی که تابعیت ایران را کسب کرده‌اند، از داوطلبی انتخابات محروم می‌باشند.» البته شورای نگهبان در نظر مورخ ۹۹/۱۱/۱۳ ممنوعیت ثبت نام در انتخابات توسط کسانی که در گذشته تابعیت کشور دیگری داشته‌اند را مغایر اصل ۱۱۵ دانسته است اما به سایر مفاد این ماده اشکالی وارد نکرده است و در مصوبه مورخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ عبارت «گذشته» حذف شده است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت علاوه بر شرطیت تابعیت اصلی ایران، تابعیت مضاعف کشورهای بیگانه که به طریق اصلی یا اکتسابی حاصل آمده باشد هم مانع از داوطلبی می‌باشد مگر آنکه از آن اعراض کرده باشد. البته منظور از اعراض نیز مبهم است چراکه ساز کار خاصی برای آن طراحی نشده است و داوطلبان با دعاوی واهی و به استناد گفتار یا نوشتار خود می‌توانند قانون را از ایصال به هدف خود بازدارند.

### ۱-۳- اقامت

در تبصره ماده ۲ طرح فوق‌الذکر آمده است: «اخذ یا داشتن تابعیت و یا اقامت دائم از کشورهای بیگانه توسط داوطلب، والدین، همسر و فرزندان از مصادیق عدم التزام و تعهد به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود.» که طبق نظر شورای نگهبان مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۳ مغایر با اصل ۱۱۵ شناخته شده است و در نتیجه مجلس در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ آن ماده را کاملاً حذف کرد بنابراین شاید بتوان این‌طور استنباط کرد که اقامت دائم در نظر قانون‌گذار مانعی برای داوطلبی در انتخابات ریاست جمهوری نیست.

۱۳۶۲، ۲۹۳) و تنها نص موجود در این زمینه در اصل ۱۱۵ قانون اساسی و به تبع آن ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴ می‌باشد که یکی از شروط صلاحیت ریاست جمهوری را ایرانی‌الاصل بودن می‌داند اما از آنجاکه در متون قانونی توضیحی حول آن وجود ندارد، این مفهوم مبهم باقی‌مانده است و حقوقدانان در قالب دکترین‌ها سعی در رفع این ابهام داشته‌اند که ذیل به بعضی از این نظرات اشاره می‌شود:

الف) مراد آن است که پدری ایرانی باشد اعم از اینکه در ایران یا خارج از ایران متولد شده باشد. (بوشهری، ۱۳۵۴، ۲۶۴)

ب) ایرانی‌الاصل یعنی تابعیت ایران را داشته باشد و تابعیت او اکتسابی نباشد. (مدنی، ۱۳۸۴، ۲۸۹)

پ) بدین معنی است که علاوه بر شخص رئیس‌جمهور، برای پدر وی نیز باید قائل به تابعیت اصلی بود. (هاشمی، ۱۳۷۵، ۳۲۶)

ت) لازم است نسب و خاندان رئیس‌جمهور ایرانی باشد. (عمید زنجانی، ۱۳۷۳، ۳۲۳)

ث) وجدان عرفی اقتضا می‌کند کسانی که نسل‌های قابل توجهی با هدف ادامه حیات در ایران سکنی کرده‌اند نه با هدف استقرار موقت یا مأموریتی و با فرهنگ و آداب و ارزش‌های ایرانی خو گرفته و تعلق خاطر قوی یافته‌اند و در بافت جامعه ایرانی به‌سان دیگران شده‌اند، ایرانی‌الاصل بدانیم. (حبیب زاده، طاهر، ایرانی‌الاصل: کلیدواژه مهم قانونی ولی مبهم؛ لزوم ورود شورای نگهبان، قابل دسترس در وبسایت [www.drtaherhabibzade.com](http://www.drtaherhabibzade.com))

اما به نظر نگارنده امروزه با توجه به طرح مجلس شورای اسلامی با عنوان طرح اصلاح موادی از قانون ریاست جمهوری ایران مصوب ۱۳۹۹/۱۰/۲۳ که در تاریخ ۹۹/۱۱/۱۳ از جانب شورای نگهبان مورد مغایرت قرار گرفت و سپس پس از اصلاح مجلس در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۲۶ نیز به دلیل مغایرت مجدد شورای نگهبان در تاریخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ به تصویب نرسید، می‌توان تعریف مورد تأیید مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان را استنباط کرد چراکه اگرچه این طرح به دلیل اعلام مغایرت از ارزش قانونی برخوردار نیست اما چون در ماده ۳ آن ایرانی‌الاصل بودن را تعریف کرده است و در هر دو بررسی شورای نگهبان با وجود اعلام مغایرت در مورد سایر مواد در این مورد اعلام مغایرت نگشته است و به نظر می‌آید این تعریف مورد تأیید شورای نگهبان می‌باشد. در ماده ۳ طرح فوق‌الذکر این‌طور آمده است که «مقصود از ایرانی‌الاصل شخصی است که از پدر و مادر ایرانی که تابعیت اصلی ایران دارد، متولد شده باشد.» بنابراین تابعیت اصلی پدر و مادر نامزد ریاست جمهوری نیز در احراز صلاحیت او حائز اهمیت است.

### ۱-۲- تابعیت

تابعیت عبارت است از رابطه و تعلق حقوقی، سیاسی و معنوی یک شخص حقیقی و یا یک شخص حقوقی و یا یک شیئی به دولتی معین (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵، ۳۰) که این مورد نیز در نص اصل ۱۱۵ و ماده ۳۵ قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴ به‌عنوان یکی از شروط صلاحیت نامزدهای ریاست جمهوری در نظر گرفته شده است. هرچند برخی از حقوقدانان



## ۱۴- سفر و مبادلات تجاری

صرف سفر و مبادلات تجاری با بعضی کشورهای متخاصم هم می‌تواند موجب احراز عدم صلاحیت باشد از بین کشورهای متخاصم با ایران صراحتاً می‌توان به رژیم اشغالگر قدس اشاره کرد که به موجب قانون تصویب قانون واحدهی اسلامی مصوب ۱۳۷۱ مورد تحریم ایران قرار گرفته است و مبادلات تجاری با آن ممنوع اعلام شده است و هم‌چنین به موجب قانون تشدید مجازات مترددین به فلسطین اشغالی و اصلاح ماده (۳۶) قانون گذرنامه مصوب ۱۳۹۰ حتی برای سفر به اسرائیل مجازاتی معادل ۲ تا ۵ سال حبس و ۳ تا ۵ سال محرومیت از داشتن گذرنامه تعیین شده است.

در بعضی از بخشنامه‌های قوه قضائیه هم در این مورد محدودیت‌های ایجاد شده است که از طریق قیاس اولویت می‌توان به سمت ریاست جمهوری هم تعمیم داد، از جمله در بخشنامه قوه قضائیه مورخ ۱۳۹۰/۶/۳۱ در خصوص رعایت مفاد فصل نهم قانون مدیریت خدمات کشوری و قوه قضائیه و با موضوع سفرهای تحصیلی خارج از کشور کارکنان قضائی واداری قوه قضائیه آمده است: «حسب گزارش واصله، برخی از کارکنان قضائی در دانشگاه‌های خارج از کشور به‌ویژه کشورهای همسایه شمالی و جنوبی، اشتغال به تحصیل دارند که این امر احتمال بروز مشکلاتی به جهت کیفیت آموزش، اخلال در روند دادرسی و عدم رعایت شئون قضائی، حرفه‌ای و سازمانی را به دنبال خواهد داشت؛ لذا مقتضی است ضمن رعایت مفاد فصل نهم قانون مدیریت خدمات کشوری و نظامات حاکم بر قضات و کارمندان، موارد ذیل توسط مراجع مربوطه و کارکنان دستگاه قضائی رعایت و اجرا گردد.»

و در بخشنامه‌ای با عنوان اجتناب از مکالمه و ارتباط مستقیم با نمایندگان کشورهای بیگانه بدون هماهنگی لازم با وزارت امور خارجه مصوب ۱۳۷۴ توسط رئیس قوه قضائیه آمده است: «نظر به محدودیت‌های مقرر قانونی در خصوص مکاتبه و ارتباط مستقیم مسئولان با نمایندگان سیاسی کشورهای بیگانه اقتضا دارد ضمن پرهیز از تماس مستقیم، مراتب حسب مورد از طریق رئیس مربوط یا با اطلاع وی با

وزارت امور خارجه هماهنگ شود.»

بنابراین با توجه به نصوص قانونی فوق سفر اعم از تجاری یا تحصیلی، مبادلات تجاری و ارتباط با نمایندگان کشورهای بیگانه هم به دلیل حساسیت موضوع می‌تواند مانع از احراز صلاحیت افراد شود.

## ۱۵- موضع‌گیری شفاف در قبال بعضی کشورهای بیگانه و جریان‌های وابسته به آن

بنا بر اصل ۱۱۵ داوطلبان ریاست جمهوری باید دارای تعدادی صفات مثبت باشند که البته احراز آن‌ها همیشه کار آسانی نیست (رنجبر، ۱۳۸۳، ۷۱) در همین راستا در جزء ۳ بند (ب) طرح اصلاحی اصلاح قانون انتخابات ریاست جمهوری که در فوق مورد بررسی قرار گرفت، پس از رفع ایرادات شورای محترم نگهبان در مرحله اول شرط «داشتن مواضع روشن و عملکرد شفاف راجع به جریان‌های غرب‌گرا و طرفداران نظام سلطه در کشور و تهدیدات و فتنه‌های بعد از انقلاب اسلامی» و در جزء ۴ بند (ب) قانون مذکور شرط «عدم تعهد و گرایش به قدرت‌های سلطه‌گر، حمایت از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین و دفاع از حقوق همه مسلمانان» جزء شرایط لازم برای احراز رجولیت مذهبی هر نامزد است که البته اگرچه این قانون به دلیل ایراد مجمع تشخیص مصلحت نظام از جهت عدم صلاحیت مجلس برای ایجاد این قانون مورد تأیید نهایی شورای نگهبان قرار نگرفته است اما خود شورای نگهبان سوای نظر مجمع این طرح اصلاحی را تأیید کرده است بنابراین می‌تواند محل توجه برای کشف مراد قانون‌گذار و شارع باشد.

با توجه به دو جزء مذکور می‌توان دو نکته سلبی و ایجابی برداشت نمود:

۱. نکته سلبی: هر نامزد ریاست جمهوری نباید به جریان‌های غرب‌گرا و قدرت‌های سلطه‌گر تعهد و گرایش داشته باشد و باید مواضع روشن نسبت به آن‌ها اتخاذ کند بنابراین اگرچه نمی‌توان در مورد بعضی کشورها که به دلیل مواضع نفاق

خارجی را جزء موارد عدم صلاحیت دانست.

### نتیجه‌گیری

با توجه به نصوص قانونی و آراء حقوقدانان در مورد ارتباط داوطلبان ریاست جمهوری با کشورهای بیگانه درمی‌یابیم که قانون‌گذار به دلیل اهمیت این موضوع محدودیت‌های خاصی را ایجاد کرده است و در عرصه عمل نیز یکی از ملاک‌های احراز صلاحیت شورای نگهبان عدم ارتباط مؤثر با کشورهای بیگانه است. ارتباط با کشورهای بیگانه یا به نحو مستقیم و توسط خود فرد است که در این مورد ملاک‌هایی از جمله تابعیت ایرانی فرد، عدم سفر و مبادلات تجاری با برخی کشورهای بیگانه، عدم وابستگی به کشورهای مستکبر و موضع‌گیری در قبال آن‌ها و حمایت از کشورهای مسلمان برای احراز صلاحیت فرد لازم است و یا به نحو غیرمستقیم و توسط خانواده فرد می‌باشد که از جمله معیارهایی که در این مورد وجود دارد می‌توان به لزوم داشتن تابعیت اصلی ایرانی والدین داوطلب در راستای تحقق مفهوم ایرانی‌الاصل بودن و عدم اقامت یا تابعیت فرزندان و همسران در برخی کشورهای بیگانه و عدم ازدواج با بیگانگان اشاره کرد.

### منابع

۱. بوشهری، جعفر (۱۳۵۴)، حقوق اساسی: مسائل، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۲. حبیب زاده، طاهر، ایرانی‌الاصل: کلیدواژه مهم قانونی ولی مبهم؛ لزوم ورود شورای نگهبان، قابل دسترس در وبسایت [www.drtaherhabibzade.com](http://www.drtaherhabibzade.com).
۳. دانش‌پژوه، مصطفی (۱۳۸۵)، اسلام و حقوق بین‌الملل خصوصی، تهران، سمت.
۴. دهقان، محمد، پرونده ویژه، قابل دسترسی در وبسایت [www.shora-gc.ir](http://www.shora-gc.ir)
۵. رستمی، ولی؛ موسی پور، میثم (۱۳۹۰)، «تحلیل حقوقی اصل ۱۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص شرایط رئیس‌جمهور»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۱، ۲۲۵-۲۴۰.
۶. رنجبر، وحید (۱۳۸۳)، «مطالعه تطبیقی شرایط داوطلبان ریاست جمهوری»، مجلس و پژوهش، دوره ۱۱، شماره ۴۶، ۷۱.
۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۳)، فقه سیاسی، جلد اول، تهران، امیرکبیر.
۸. مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۸۴)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، تهران، انتشارات پایدار.
۹. معین، محمد، فرهنگ معین (۱۳۶۲)، جلد دوم، تهران، امیرکبیر.
۱۰. هاشمی، سید محمد (۱۳۷۵)، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد دوم، قم، مجتمع آموزش عالی قم.

گونه‌شان در جامعه بین‌المللی تردید وجود دارد قضاوتی داشت اما در مورد بعضی کشورها که در طول تاریخ این نقاط سوء در مورد آن‌ها مبرهن است، با توجه به اینکه مقنن حتی گرایش به این دولت‌ها را مورد نهی قرار داده است لذا می‌توان از طریق قیاس اولویت هرگونه ارتباط با این کشورها را مانع از احراز صلاحیت فرد دانست.

۲. نکته ایجابی: هر نامزد ریاست جمهوری باید از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین حمایت کند و از حقوق همه مسلمانان دفاع کند تا معیار رجولیت مذهبی در مورد او احراز شود بنابراین هرگونه ارتباط با کشورهای اسلامی و جریان‌های حق طلب جزء نقاط مثبت افراد محسوب می‌شود و از طرفی به مفهوم مخالف می‌توان نتیجه گرفت که ارتباط با تمام مستکبرین جهان و دشمنان کشورهای اسلامی مورد نهی مقنن قرار گرفته است و جزء نقاط سوء فرد محسوب می‌شود.

لازم به ذکر است که این نکته خود می‌تواند گامی بزرگ در راستای حکومت قواعد اسلامی در روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی باشد چراکه بنا بر نظر اسلام آنچه در تشخیص تابعیت افراد اهمیت دارد مسلمان بودن افراد است و افراد به دودسته مسلمان و غیرمسلمان تفکیک می‌شوند.

### ۲- تأثیر ارتباط فرزندان و همسران داوطلب با کشورهای بیگانه

در مورد تأثیر ارتباط فرزندان و همسران داوطلب با کشورهای بیگانه هیچ نص قانونی به غیر از تبصره محذوف فوق‌الذکر در بخش ۱۳ نداریم که تابعیت و اقامت دائم همسر و فرزندان را نیز از مصادیق عدم التزام و تعهد به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران دانسته است اما به گفته محمد دهقان عضو حقوقدان شورای نگهبان در یک مصاحبه تلویزیونی مصوبه محرمانه‌ای از سوی شورای عالی امنیت ملی موجود است که اقامت دائم و تابعیت خانواده مسئولان را منع می‌کند و حتی تحصیل فرزندان را در بعضی کشورها ممنوع می‌داند و آن‌ها را ملزم به بازگشت می‌کند.

لکن دو نص قانونی در خصوص محدودیت در ازدواج با اتباع بیگانه داریم که در ادامه تحلیل می‌شود:

۱. بنا بر ماده ۱۰۶۱ قانون مدنی در نظر قانون‌گذار ازدواج با تبعه خارجی حتی برای بعضی مستخدمین و مأمورین رسمی و محصلین دولتی در ازدواج با تبعه خارجی با محدودیت مواجه است، این محدودیت در مورد مقامات عالی‌رتبه کشور از جمله رئیس‌جمهور باید فراتر باشد و به طور کلی منع شده باشد چراکه فلسفه ایجاد این ماده هر چیزی از جمله جاسوسی که باشد در مورد رئیس‌جمهور و سایر مقامات عالی‌رتبه ظهور بیش‌تری دارد.

۲. در ماده واحده قانون ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه مصوب ۱۳۴۵/۱۰/۲۵ ازدواج کارمندان وزارت امور خارجه با اتباع بیگانه صراحتاً ممنوع اعلام شده است و حتی محدودیت آن شامل تابعین اکتسابی ایران هم می‌شود و علاوه بر آن در تبصره ۱ ماده واحده فوق‌الذکر استخدام مزدوجین با اتباع خارجی را ممنوع اعلام می‌کند بنابراین با یک قیاس اولویت این محدودیت را می‌توان به مقامات عالی‌رتبه کشور از جمله رئیس‌جمهور نیز می‌توان تعمیم داد و ازدواج با تبعه



علیرضا جعفرزاده

## ۵ یادداشت

### سیاست‌های کلی انتخابات و مسئله احراز صلاحیت

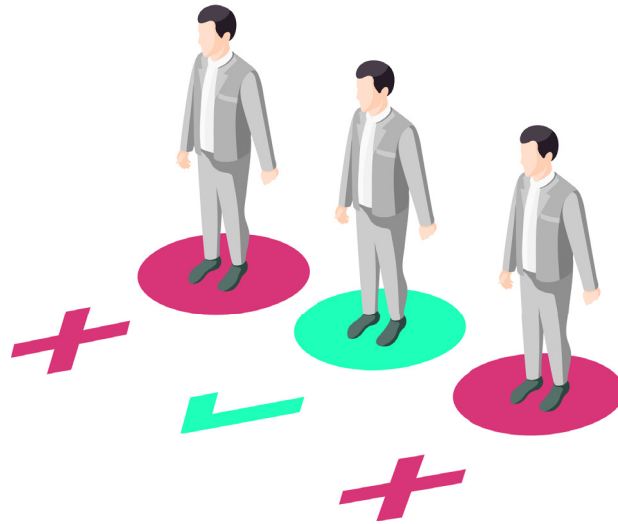
اما پرسش مطروح آن است که؛ آیا این بند توانسته است که قدمی مؤثر در جهت رفع نیاز مذکور بردارد و نقشه راه قوانین عادی در وضع باشد یا خیر؟ چرا؟

پاسخ این سؤال را ذیل دو سؤال فرعی می‌توان روشن ساخت. اول اینکه آیا نهاد شورای نگهبان به وظیفه و تکلیف خود وفق بند فوق‌الذکر و قوانین دیگر عمل می‌کند یا خیر؟ و بر فرض پاسخ مثبت، آیا سیاست‌های کلی و قوانین مربوطه در این زمینه مطلوب و تام‌اند یا اینکه نقص و نارسایی دارند؟

در پاسخ باید گفت که شورای نگهبان طبق اصول ۹۹ و ۱۱۸ و بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مسئولیت نظارت بر انتخابات را دارا است و این نظارت طبق ماده ۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی استصوابی و عام بوده و در تمام مراحل از جمله مرحله بررسی صلاحیت‌ها جریان دارد. ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز این مرجعیت را به شورای مزبور اعطا کرده است. بنابراین طبق قانون اساسی و عادی نظارت بر صلاحیت داوطلبان انتخابات از وظایف شورای نگهبان است که این نظارت را در چهارچوب شروط مذکور در اصل ۱۱۵ قانون اساسی، ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۳ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری اعمال و نتیجه را اعلام می‌کند. هرچند در این مرحله اختلافاتی بین حقوقدانان پیرامون مسائلی همچون نظارت استصوابی، ادعای کلیت و غیرقابل سنجش بودن برخی شروط و تبعاً زعم راه یافتن مصلحت‌اندیشی و... وجود دارد اما این اختلافات، درباره اصل قانون است و قدر متیقن آن است که شورای نگهبان تماماً طبق قانون موجود عمل می‌کند و شروط لازم و کم و کیف نظارت، همچون نظارت استصوابی را، قانون از شورای مذکور خواسته و هم او مطابق با خواست قانون عمل می‌کند.

یکی از مسائلی که همواره همزمان با داغ شدن تنور انتخابات در جمهوری اسلامی ایران در افواه، اعم از متخصصان و غیرمتخصصان متداول می‌شود، مسئله احراز صلاحیت داوطلبین است. در بیان قانون وقتی بحث از صلاحیت به میان می‌آید مقصود شایستگی، کارآمدی، لیاقت و مانند آن است؛ بدین معنا که مجموعه و نهادی، باید وجود این صفت که خود معیبری دارد را در داوطلب احراز کند. فرآیند احراز صلاحیت در داوطلبان انتخابات صرف نظر از شدت و حدت آن، در نظام‌های حقوقی، معمول و در عقل و شرع محل اهتمام است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه ۱۷۲ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «هر کس خود را بر گروهی از مسلمانان مقدم کند درحالی که بیند میان آن‌ها افراد شایسته‌تری وجود دارد، به خدا و پیامبر و مسلمانان خیانت کرده است». این بدان معناست که اصل بر شایسته‌سالاری و صلاحیت و اهلیت در دو میدان تخصص و تعهد است. این مهم در انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری توسط قانون‌گذار اساسی و تبعاً، قانون‌گذار عادی بر عهده شورای نگهبان که مرکب از اسلام‌شناسان و حقوقدانان خبره و متعهد می‌باشد، گذاشته شده است.

شورای مزبور در راستای عمل به وظایف قانونی خود افراد ذی صلاحیت را تأیید و افرادی هم که فاقد صلاحیت‌اند و یا صلاحیت آن‌ها مجهول و محل ابهام است را از ورود به انتخابات منع می‌کند. اما چالشی که وجود دارد آن است که در موارد قابل توجهی، گروه دوم نسبت به تشخیص شورای نگهبان معترض و جویای علت می‌شوند که این پدیده وجود قوانین وافی و کافی جهت اقناع داوطلبین و افکار عمومی را می‌طلبد. در همین راستا بند ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات بر تعیین سازوکارهای شفاف و اطمینان‌بخش در تأیید صلاحیت‌ها و پاسخگویی مکتوب در خصوص رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست، تأکید کرده است.



و موجود خود نتوانسته به نتیجه مشخصی برسد و بنابراین نه تصریحی به رد صلاحیت دارد و نه تصریحی به تأیید صلاحیت، بلکه صرفاً اعلام می‌دارد که در چهارچوب امکانات و زمان قانونی موجود، قدرت ایصال به نتیجه را نداشته و امر همچنان مجهول و مبهم است.

مورد اخیر یعنی عدم احراز صلاحیت همواره محل بحث بوده و هست. برخی اصرار به الحاق آن به مورد اول و برخی اعتقاد به الحاق آن به مورد دوم دارند که این اختلاف، از نارسایی و اضطراب قانون و در مواردی به رسمیت نشناختن عدم احراز صلاحیت در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی توسط قانون‌گذار نشأت می‌گیرد بدان معنا که قانون ماهیت این نوع واقعیت را به خوبی تبیین نموده و طبعاً احکامی برای آن پیش‌بینی نکرده است.

با نگاهی به قوانین انتخاباتی این اضطراب و ابهام قانونی به خوبی روشن می‌گردد. به‌عنوان مثال ماده ۵۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری از عدم صلاحیت سخن به میان آورده است و عملاً عدم احراز صلاحیت را به رسمیت نشناخته و تکلیفی برای آن مشخص نکرده است و خود همین باعث می‌شود که احکام قانونی رد صلاحیت از جمله لزوم اعلام ادله عدم تأیید به داوطلب مجری نباشد و بنابراین شورای نگهبان نمی‌تواند دلایلی مبنی بر چرایی عدم احراز را ارائه دهد زیرا عدم احراز، ماهیت سلبی دارد و نه ایجابی و طبیعتاً صحبت از ادله آن دشوار بوده و اثری در اقناع و رفع ابهام ندارد. نتیجه آن می‌شود که داوطلب از حق اجتماعی خود مبنی بر امکان انتخاب شدن به دلیل نقص قانونی و عدم وجود امکانات و تدبیر قانون برای احراز صلاحیت او، محروم می‌شود هرچند که دارای صلاحیت بوده است. این تالی را می‌توان حاکی از نقص جدی قانون و منشأ اساسی چالش احراز صلاحیت‌ها دانست. قانونی که نتواند از حقوق شهروندان به بهترین و صیانت‌کنند و مانع تضییع حقوق ابتدایی آنان از طریق وضع سازوکارهای مناسب و پیش‌بینی زمان و امکانات متناسب با زیرساخت‌های موجود شود را می‌توان قانونی معیوب و ناقص دانست.

در دیگر مواد قانونی نیز این آشفتگی درباره اقسام سه‌گانه

پس از اعلام نتایج بررسی صلاحیت‌ها مطابق ماده واحد «قانون لزوم رسیدگی دقیق به شکایت داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف» مراجع رسیدگی‌کننده علت و دلایل و مدارک رد صلاحیت را به افراد اعلام می‌دارند. در این مرحله اگر داوطلبین نمایندگی مجلس شورای اسلامی اعتراض و شکایتی داشتند این شکایت طبق مواد ۵۱ تا ۵۴ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی بررسی و نتیجه اعلان می‌گردد. اما در قانون انتخابات ریاست جمهوری چنین امکانی توسط قانون‌گذار پیش‌بینی نگردیده که محل تأمل است. بنابراین اگر در این زمینه نیز ایرادی وارد باشد ایراد و نقص در قانون است و نه عمل شورای نگهبان؛ چراکه شورا صرفاً به قانون عمل می‌کند. البته عدم پیش‌بینی امکان اعتراض به صلاحیت‌ها در قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز وجود دارد اما با توجه به اصل ۱۰۸ قانون اساسی، خود مجلس خبرگان امکان اصلاح قانون را دارد که بدین ترتیب، پیرامون عدم پیش‌بینی امکان اعتراض به بررسی صلاحیت‌ها، ایرادی متوجه شورای مذکور نیست. نتیجه آنکه هرچند قوانین فعلی انتخابات، مفاد بند ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات را به صورت تمام و کمال تأمین نمی‌کند اما نهاد شورای نگهبان در فرآیند بررسی صلاحیت‌ها، صرفاً مطابق قوانین موجود عمل می‌کند.

اما جدای از ایراد قانونی عدم پیش‌بینی امکان اعتراض و یا اختلاف در بعضی قوانین و شروط، با باید به یک اشکال اساسی در قانون‌گذاری نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد که شاید حل آن تا حد زیادی از پیچیدگی چالش بررسی صلاحیت‌ها بکاهد.

توضیح آنکه شورای نگهبان به هنگام بررسی صلاحیت‌های داوطلبین کاندیداتوری در انتخابات، در عمل با سه نتیجه مواجه می‌شود که عبارت‌اند از «احراز صلاحیت»، «عدم احراز صلاحیت» و «عدم صلاحیت» که سه مقوله متمایز بشمار می‌روند. معنای احراز صلاحیت یا تأیید صلاحیت و احراز عدم صلاحیت یا همان رد صلاحیت واضح است. اما عدم احراز که می‌توان از آن به رأی ممتنع نیز تعبیر نمود بدین معناست که نهاد مسئول بررسی صلاحیت‌ها با توجه به محدودیت زمانی و امکانات و توانایی‌های قانونی

ملاحظه می‌شود که دربند مذکور نه تنها به معضل عدم احراز صلاحیت اشاره‌ای نشده، بلکه تنها از رد صلاحیت سخن به میان آمده است در حالی که عمده ابهامات و پیچیدگی‌ها مربوط به نتیجه «عدم احراز صلاحیت» است و نه «رد صلاحیت». این موضوع زمانی چالشی ترمی شود که همانند بعضی قائل شویم که در انتخابات ریاست جمهوری، مستفاد از اصل ۱۱۵ قانون اساسی، اساساً رد صلاحیت مطرح نیست و آنچه مطرح است یا احراز صلاحیت است و یا عدم احراز صلاحیت.

نتیجتاً می‌توان به چند نکته اشاره کرد:

۱. نهاد شورای نگهبان در راستای تحقق فرامین سیاست‌های کلی انتخابات از جمله تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان‌بخش، پاسخگویی مناسب و... تا آنجا که قانون اجازه داده و تعیین کرده است در چهارچوب و حدود قانونی عمل می‌کند و طبعاً انتظاری هم نمی‌رود که شورا (حتی اگر قانون موجود آرمانهای سیاست‌های کلی را به درستی تأمین نکند) فراتر از حدود قانون عمل کند. البته شورای نگهبان در حیطه اختیارات و توان خود تلاش‌های بسیاری در راه تحقق سیاست‌های کلی از جمله تحقق بند ۵-۱۰ داشته است.

۲. قوانین انتخاباتی موجود نقائص و نارسایی‌های دارد که عدم اقدام جدی و سریع به اصلاح آن‌ها از موانع و چالش‌های تحقق سیاست‌های کلی انتخابات از جمله جلب مشارکت حداکثری و شفافیت است.

۳. یکی از چالش‌های اساسی انتخابات موجود، معضل عدم احراز صلاحیت‌ها است که توسط قانون‌گذار، در عرض احراز صلاحیت و احراز صلاحیت قرار نگرفته است و بند ۲-۱۱ نیز هیچ اشاره‌ای به آن نداشته و عملاً بر سیاق همان قوانین معیوب موجود نگاشته شده است.

نتایج بررسی صلاحیت‌ها ملاحظه می‌شود. قانون «لزوم رسیدگی دقیق به شکایات داوطلبین رد صلاحیت شده در انتخابات مختلف» صرفاً از رد صلاحیت سخن گفته و پیرامون عدم احراز صلاحیت تدبیری خلق نکرده است. همچنین ماده ۵۲ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، عدم احراز را ملحق به رد صلاحیت دانسته و بعضاً با عبارت عدم تأیید که اعم از رد و عدم احراز است ابهام ایجاد نموده است.

به رسمیت نشناختن عملی «عدم احراز صلاحیت» توسط قانون. بدان معنا که آن را متمایز از احراز صلاحیت و احراز عدم صلاحیت بدانند و برای آن احکام و سازوکار تعیین کند. در انتخابات ریاست جمهوری، با فرض عدم امکان پیش‌بینی حق اعتراض به بررسی صلاحیت‌ها، یک معضل و چالش عمیق است که زیننده نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران نمی‌باشد چراکه در عمل داوطلب محتمل اصلاحیه را به دلیل امکانات و زمان محدود خود از بهره‌مندی از حق شهروندی خود یعنی انتخاب شدن، بدون پیش‌بینی حق اعتراض محروم می‌کند.

پرواضح است که ایراد و نقص فوق‌الذکر تماماً به قوانین و چالش حقوقی موجود برمی‌گردد و شورای نگهبان هیچ نقشی در آن نداشته و صرفاً عامل به قوانین موجود است و راه‌حل مشکل، بازنگری در قانون توسط قانون‌گذاران است که وظیفه خطیر قانون‌گذاری دقیق و کم‌خطا را بر عهده دارند. از این رو اعتراض به شورای نگهبان در مبحث بررسی صلاحیت‌ها، که تماماً بر اساس قانون عمل می‌کند بسیار دور از انصاف است.

قانون‌گذار عادی باید ضمن تمایز سه مقوله احراز صلاحیت، احراز عدم صلاحیت و عدم احراز صلاحیت، برای هر کدام احکام جداگانه‌ای وضع نموده و برای مورد سوم راه‌حلی لحاظ کند. راه‌حلی‌هایی همچون کمک به افزایش زمان و امکانات شورای نگهبان تا وصول نهایی به یک نتیجه سلی و ایجابی، در نظر گرفتن حق اعتراض و امکان ارائه ادله و مستندات برای رفع ابهام در زمان معقول، پیش‌بینی اصلی حاکم در موارد بررسی کافی و عدم نتیجه، همراه با افعاع داوطلبین و افکار عمومی و راه‌کارهایی از این قبیل که می‌تواند به ارتقاء کیفیت نظام انتخاباتی کمک کند.

اینک می‌توان در سیاست‌های کلی انتخابات و مشخصاً بند ۱۱ مذاقه‌ای داشت و دید که آیا قدمی برای حل چالش فوق‌الذکر برداشته است یا خیر؟ بند ۱۱ سیاست‌های کلی بدین صورت آمده است:

«نظارت شورای نگهبان بر فرایندها، ابعاد و مراحل انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان با:

۱. ا: تعیین سازوکارهای شفاف، زمان‌بندی شده و اطمینان‌بخش و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آن‌ها در تمام مراحل.

۱۱.۲. پاسخگویی مکتوب در خصوص دلایل ابطال انتخابات و رد صلاحیت داوطلبان در صورت درخواست آنان.»



حامد عالی

دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

## یادداشت ۶

## استنباط صحیح از بند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات<sup>۱</sup>، تأملی بر فروض مختلف آن

موضوع بحث فعلی نگارنده، ناظر به ممنوعیت ورود به انتخابات و جانبداری از داوطلبان از سوی افراد یا نهادهایی است که به واسطه سمت و جایگاهشان، ذی‌قدرت و ذی‌نفوذ هستند و حکومت، پشتوانه‌ی قدرت و نفوذ آنان است. از این باب، استفاده از امکانات دولتی در جهت حمایت از برخی داوطلبان باید ممنوع باشد چراکه منتهی به تخدیش عدالت انتخاباتی خواهد شد. دربند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات، ممنوعیت ورود نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های تابعه آن‌ها، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانبداری از داوطلبان ذکر گردیده است. قوانین انتخاباتی نیز به‌طور محدود، چنین ممنوعیتی را بیان داشته‌اند. به‌عنوان نمونه براساس ماده ۶۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری، انجام فعالیت تبلیغاتی از تاریخ اعلام رسمی اسامی نامزدها له یا علیه نامزدهای ریاست جمهوری از میز خطابه نماز جمعه و یا هر وسیله دیگری که جنبه رسمی و دولتی دارد و فعالیت کارمندان در ساعات اداری و همچنین استفاده از وسایل و سایر امکانات وزارتخانه‌ها و ادارات، شرکت‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و نهادها و مؤسساتی که از بودجه عمومی (به هر مقدار) استفاده می‌کنند و همچنین در اختیار گذاشتن وسایل و امکانات مزبور ممنوع بوده و مرتکب، مجرم شناخته می‌شود. تبصره ۲ این ماده، ادارات و سازمان‌ها و ارگانهای دولتی و نهادها و اعضای آن‌ها را از صدور اعلامیه، اطلاعیه و پلاکارد له یا علیه نامزدها و با ذکر سمت خود منع کرده است. ممنوعیت‌های مذکور در ماده ۶۸، به‌علاوه کسانی که از طریق رادیو و تلویزیون تبلیغ انتخاباتی له یا علیه یکی از نامزدهای انتخاباتی نمایند مشمول مجازات حبس از یک تا شش ماه مندرج در ماده ۸۸

بند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات نسبتاً با بحث عدم اعمال نفوذ ناظران و مجریان و رعایت کامل بی‌طرفی از سوی آنان که مورد تأکید بند پانزدهم است<sup>۲</sup>، ارتباط می‌یابد اما محتوای آن فارغ از ناظر یا مجری بودن می‌باشد و تمرکز بر منع ورود قدرت حکومت در دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانبداری از داوطلبان دارد.

در مواد عدیده‌ی قوانین انتخاباتی بالأخص تبصره ۳ ماده ۳۱، مواد ۳۳، ۳۷، ۴۰، ۷۳ و ۹۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، بند «ج» ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۶۰ و مورد «۱۲» ماده ۶۶ همین قانون، ماده ۵۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، تبصره ۲ ماده ۶۰ و بند «ک» و «ق» ماده ۶۷ قانون اخیر، به ممنوعیت دخالت، نفوذ و ورود مجریان و ناظران انتخابات به این عرصه توجه شده اما نسبت به ممنوعیت ورود نهادها و دستگاه‌های حکومتی ذی‌نفوذ به حیطه‌ی انتخابات، تا حدودی کم‌توجهی شده لذا تحقق عینی مفاد بند شانزدهم، منوط به انجام اصلاحات در قوانین انتخاباتی و امعان نظر بیش از پیش به این موضوع خواهد بود.

در مواد مربوط به لزوم بی‌طرفی مجریان و ناظران، حفظ سلامت انتخابات مطرح است و دست‌اندرکاران انتخابات به‌موجب مواد فوق و تأسی از بند پانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات، از دخالت‌ها و سوگیری‌ها منع می‌گردند. آنان به اعتبار مجری یا ناظر بودن، باید از رأی مردم به‌عنوان حق‌الناس صیانت نموده و از اعمال تقلب و نفوذ، جلوگیری به عمل آورند. بدیهی است که در صورت جانبداری و دخالت این افراد، نقض غرض حاصل خواهد شد.

به اتکاء آراء عمومی است نه القای نظر به مردم و یاری رساندن نهادها به یکی از نامزدها. به عبارت بهتر، صرف انتخاب ظاهری فرد یا افراد توسط مردم، به منزله‌ی مردمی بودن انتخابات و اتکاء اداره امور به آراء مردم نیست چراکه تبلیغات و حمایت‌ها در عرصه انتخابات تأثیرات شگرفی هم بر میزان مشارکت و هم بر نتیجه انتخابات دارند. چنانچه فرد شایسته‌ای به واسطه عدم در دست داشتن امکانات در مقابل فرد ناشایستی به واسطه حمایت‌ها و تأثیرات ابزارهای حکومتی، شکست بخورد و از راه یافتن به شورا، مجلس شورای اسلامی، خبرگان و یا نهاد ریاست جمهوری بازماند نه تنها انتخابات درست برگزار نشده بلکه درازمدت سبب بی‌اعتمادی مردم نسبت به نظام و کاهش مشارکت آنان خواهد شد.

### دوم: فردی-نهادی

علاوه بردخالت نهاد یا جمعی از اعضای آن به واسطه سمت و موقعیت خود در انتخابات، فرض فردی و نهادی بودن جهت‌گیری نیز مطرح است و با ممنوعیت کمتری نسبت به فرض قبلی مواجه می‌باشد. ممکن است فرد به اعتبار ناظر یا مجری بودن در انتخابات از دخالت و جانبداری منع شود یا اینکه ناظر و مجری نباشد و به اعتبار جایگاه خاص خود یا عضویت در نهادهای خاص از این دخالت‌ها منع شده باشد. حالت اول مربوط به موضوع عدم دخالت ناظران و مجریان و لزوم بی‌طرفی آن‌ها است که بسط آن در یادداشت فعلی نمی‌گنجد و صرفاً مواد قانونی ناظر بر آن در ابتدای همین متن، مورد اشاره قرار گرفتند اما جای بحث حالت دوم دقیقاً همین جاست. در قوانین، همان‌گونه که گذشت، میز خطابه نماز جمعه و فعالیت کارمندان در ساعات اداری دو قالبی بودند که اکیداً فعالیت تبلیغاتی له یا علیه نامزدها از طریق آن‌ها ممنوع اعلام شده است. خطیب نماز جمعه چه نماینده ولی-فقیه و چه شخص دیگری باشد، این حق را خواهد داشت که در هنگام سخنرانی از تریبون نماز جمعه به نفع یا به ضرر نامزدها سخنی بگوید. همچنین کارمند اداره در ساعاتی که باید کار اداری انجام بدهد و در قبال آن ساعات از دولت، حقوق دریافت می‌دارد نباید فعالیت تبلیغاتی برای نامزدها داشته باشد. این عمل علاوه بر اینکه می‌تواند مصداق تخلف اداری باشد<sup>۴</sup> در قوانین انتخاباتی و خاصه مواد ۶۸ و ۸۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ماده ۵۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۳۹ آیین‌نامه قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری نیز جرم‌انگاری گردیده و مستحق مجازات دانسته شده است.

### سوم: جمعی-غیرنهادی

ممنوعیت این فرض از فرض اول، غیرقطعی‌تر است چراکه صراحت سیاست‌های کلی انتخابات و مواد انتخاباتی، دامن‌گیر فرض اول و تا حدودی فرض دوم‌اند. مثال جهت فهم بهتر فرض مورد بحث اینکه کارمندان یک وزارتخانه خارج از ساعات اداری، در ستاد انتخاباتی نامزدی حاضر شوند و از وی حمایت به عمل آورند. بدین دلیل که کارمندان فرض مسئله، در ساعات اداری و تحت عنوان کارمند وزارتخانه این عمل تبلیغاتی را انجام ندادند و از امکانات دولتی نیز استفاده‌ای نکردند، مصداق مواد مورد اشاره قرار نمی‌گیرند

خواهند بود. در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی طی ماده ۵۹، همین ممنوعیت‌های موجود در ماده ۶۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری، ذکر گردیده است. در تبصره ۲ ماده ۵۹ قانون انتخابات مجلس، نشریات و مطبوعات متعلق به سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها، ادارات، نهادها و مؤسسات یادشده در متن ماده، از تبلیغ برای نامزد انتخاباتی ولو به صورت درج آگهی منع شدند. در قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری این موضوع قابل مشاهده نیست اما در ماده ۲۵ آیین‌نامه اجرایی این قانون، استفاده از وسایل، کارکنان و سایر امکانات دولتی و مؤسسات و شرکت‌های وابسته به دولت، نهادهای انقلاب اسلامی، جایگاه‌های خطابه نماز جمعه، کلیه دانشگاه‌ها و شهرداری‌ها و کلیه دستگاه‌هایی که از بودجه عمومی کشور به هر مقدار استفاده می‌نمایند را برای تبلیغات کلیه نامزدهای خبرگان اکیداً ممنوع اعلام کرده است. فارغ از آسیب‌شناسی نظام حقوق انتخاباتی امروز، نکته حائز اهمیت، اینکه هم از بند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات و هم از مفاد مواد متعدد اشاره شده، این برداشت حاصل می‌شود که ممنوعیت‌های مذکور، بیش از اینکه فرد محور و غیر ساختاری باشند، واجد جنبه‌ی جمعی-نهادی‌اند. لذا در راستای تحلیل و تشریح بند مورد بحث، ۴ فرض را مطرح می‌نماییم.

### اول: جمعی-نهادی

این فرض، به صورت قطعی توسط سیاست‌های کلی انتخابات منع شده است. توضیح اینکه چنانچه یک نهاد حکومتی یا وابسته به قدرت، جهت‌گیری و دخالتی در انتخابات داشته باشد و در این سوگیری‌ها، از نام یا قدرت و نفوذ ساختاری استفاده نماید، یقیناً مشمول ممنوعیت‌های مندرج در سیاست‌های کلی انتخابات و قوانین انتخاباتی خواهد شد. با توجه به عبارات به کاررفته در مستندات اشاره شده شامل «نیروها، قوا، دستگاه‌ها، سازمان‌ها، نهادها، شرکت‌ها، مؤسسات، ارگان‌ها، دانشگاه‌ها، شهرداری‌ها»، استنباط نگارنده این است که بیش از آن‌که فرد از اعضای این ساختارهای نهادی مدنظر باشند، شخصیت نهادها منظور است، به خصوص در حالتی که امکانات و وسایل آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اقتضاء انتخابات سالم و عادلانه این است که نامزدهای هر انتخابات به همراه طرفداران خود بتوانند در بستر رقابتی صحیح، نظر، دیدگاه، برنامه و کارنامه‌شان را ارائه نموده و برتری خود را از این راه‌ها نشان دهند و دولت و اجزای آن به اعتبار جایگاه و قدرت و امکاناتی که در اختیار دارند، دخالتی نداشته و به نفع اشخاص عمل نکنند چراکه این دخالت‌ها باعث برهم زدن تعادل و برابری فرصت رقابت می‌گردد و با موازین دینی ما و حق الناس بودن رأی و اصول متعدد قانون اساسی نظیر بند ۹ اصل ۳، اصل ۱۹، ۲۰ و بند ۱۵ سیاست‌های کلی انتخابات نیز در تعارض است. همچنین تصریح بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات به «بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صداوسیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور»، بر مطالب ما صحه می‌گذارد.

در صورت عدم امعان نظر به مطالب اخیر، روح اصل ششم قانون اساسی نیز به محاق می‌رود زیرا فلسفه حاکم بر این اصل، تأثیرگذاری نظر واقعی مردم و اداره‌ی امور کشور



که از ورود در دسته بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانب‌داری از داوطلبان منع شدند، ساختارهای جمعی و نهادی هستند. به عبارت دیگر، بند شانزده، جمع محور است نه فرد محور. البته این مطلب فاقد استثناء نیست چراکه صرفاً اولین مورد ذکر شده در این بند، فردمحور می‌باشد. «نیروهای مسلح» تنها موردی است که بیان آن در این بند، فارغ از نهادی و ساختاری بودن است و به‌زعم ما حسب ظاهر، شامل فرد فرد نیروهای مسلح خواهد بود.

### پی‌نوشت

۱ بند ۱۶: ممنوعیت ورود نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های تابعه آنها، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در دسته بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانب‌داری از داوطلبان.

۲- بند ۱۵: پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آراء مردم به‌عنوان حق‌الناس در قانون‌گذاری، نظارت و اجرا و نیز رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان.

۳- برخی بندهای ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری: بند ۳: ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تأخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل. بند ۸: ترک خدمت در خلال ساعات موظف اداری. بند ۱۴: کم‌کاری یا سهل‌انگاری در انجام وظایف محول شده. بند ۱۹: تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری. بند ۲۵: هر نوع استفاده غیرمجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی. بند ۳۰: سوءاستفاده از مقام و موقعیت اداری.

و عملاً مرتکب تخلف اداری هم نشده‌اند اما قضیه همیشه به این سادگی نیست. مثلاً چنانچه تعداد قابل‌توجهی از نمایندگان مجلس از نامزد خاصی در انتخابات حمایت کنند و به‌صورت دسته‌جمعی له یا علیه یکی از کاندیداها تبلیغ نمایند، تردید ایجاد می‌شود که آیا این رفتار مشمول ممنوعیت‌های مندرج در سیاست‌های کلی انتخابات و قوانین انتخاباتی است یا خیر.

از یک‌سو از امکانات دولتی استفاده نشده و ممکن است افراد بنا بر سلیقه شخصی و به‌دوراز شأن نمایندگی، اعمال مذکور را انجام داده باشند و از سوی دیگر به‌رحال تعدادی از نمایندگان پارلمان به‌صورت جمعی، اقداماتی معمول داشتند. مطابق اصل برائت، این اعمال و اقدامات قابل‌بازخواست نیستند زیرا که منع قانونی در این باره وجود ندارد. اما واقعیت امر آن است که اعمال مورد اشاره می‌تواند محدودکننده آزادی انتخابات، سلامت انتخابات، عدالت در انتخابات و انصاف در انتخابات باشد. به نظر می‌رسد حتی اگر نمایندگان، قصد سوءاستفاده از قدرت و جایگاه خود نداشته باشند، رسانه‌ها و تصورات موجود در جامعه، آنان را نمایندگانی می‌پندارند که از سوی مجلس در حال تبلیغ له یا علیه افراداند و در واقع این افراد گویی به نمایندگی از یک قوه در حال جبهه‌گیری می‌باشند. قدر متیقن و خلاصه مطلب آن است که این فرض می‌تواند تردیدآور باشد و چنانچه اتفاق افتد، فروض و احتمالات فراوانی به همراه داشته باشد. لذا تنظیم دقیق قوانین انتخاباتی در این باره و تعیین تکلیف جزئی بر اساس سیاست‌های کلی انتخابات ضروری به نظر می‌رسد زیرا خللاً قانونی موجود می‌تواند آسیب‌زا، سالب اعتماد و گاهنده نرخ مشارکت در بلندمدت باشد. ضمن آنکه احساس ظلم و بی‌عدالتی در رقبای فرد مورد حمایت، تقویت می‌شود و افراد بازنده آرام‌آرام از صحنه سیاسی کشور کنار می‌روند یا اینکه پس از تجربه‌ی این اتفاق، برای ادوار بعد اصطلاحاً در اندیشه‌ی لابی با نمایندگان و جلب حمایت نهادها و مقامات خواهند افتاد.

دیگر نکته اینکه بند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات از عبارت «جانب‌داری از داوطلبان» استفاده کرده است. حال سوال مطرح می‌شود که آیا صرفاً «حمایت» از یک شخص، ممنوع اعلام شده و یا اینکه می‌توان این بند از سیاست‌های کلی انتخابات را شامل «تبلیغ علیه و ضد برخی داوطلبان» نیز دانست. پاسخ اجمالی اینکه در همین بند، «ممنوعیت ورود به دسته بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی» نیز آمده که معنایی عام‌تر از حمایت کردن صرف دارد و به نظر می‌رسد حمایت از شخص، موضوعیت نداشته باشد.

### چهارم: فردی-غیرنهادی

برای فردی که نه ناظر و نه مجری انتخابات است و نه از سوی نهادی که عضو آن بوده، فعالیت تبلیغاتی می‌کند، اعلام ممنوعیت، فاقد منطق است مگر اینکه صاحب‌منصبی باشد که قانوناً حق دخالت و جبهه‌گیری نداشته و یا کارمند دستگاه‌هایی باشد که وفق قوانین و مقررات خاص آن دستگاه اجازه فعالیت انتخاباتی نداشته باشد. در غیرازاین موارد، اصل بر آزادی فعالیت افراد است ولو اینکه کارمند و وابسته به نهادهای حکومتی باشند.

در بند شانزدهم سیاست‌های کلی انتخابات، تمام مواردی



سیدهادی موسوی

## یادداشت ۷

### هنجارهای انتخاباتی و نقش آن در برگزاری انتخابات شایسته

پرداختن به مقوله ارتقاء دانش حقوقی مردم نسبت به موازین قانونی مرتبط با انتخابات است. تحقق چنین امری باعث بالا رفتن سطح فرهنگ سیاسی مردم خواهد شد. اینکه مردم در یک انتخابات، به برنامه‌های مطرح شده از سوی نامزدهای انتخاباتی توجه می‌نمایند و با ارزیابی آن، فعالانه در انتخابات شرکت می‌کنند، نشان از شعور سیاسی برخاسته از شناخت موازین قانونی موضوع دارد. نقش و جایگاه مراکز آموزشی از قبیل دانشگاه‌ها و مدارس در این زمینه قابل توجه است. جای خالی متون آموزشی با موضوع انتخابات در سرفصل‌های آموزشی نظام آموزشی ما مشهود بوده و نیازمند توجه مسئولین مربوطه در این امر می‌باشد.

#### ب: عدالت انتخاباتی

تحقق این اصل، مستلزم مدیریت اقدامات مجریان انتخابات می‌باشد. از یک طرف می‌بایست در جریان انتخابات نسبت به نامزدهای انتخاباتی بی‌طرف باشند و امکانات عمومی که قابلیت قانونی بهره‌برداری توسط نامزدها را دارد به طور مساوی در اختیار آنان قرار گیرد و از طرف دیگر، شرایط و امکانات لازم برای مشارکت همه افراد جامعه در امر انتخابات را فراهم سازند. بی‌طرفی در انتخابات منجر به افزایش اعتماد عمومی و تقویت نظام می‌شود.

#### ج: اخلاق انتخاباتی

پایبندی مجریان به قوانین و اخلاق ضامن تحکیم مناسبات مردم و حکومت و افزایش مقبولیت نظام و گام برداشتن در مسیر پیشرفت و عدالت خواهد بود. بر این اساس، اخلاق‌مداری می‌بایست در سطوح مختلف انتخاباتی مورد توجه قرار گیرد. از جمله رفتارهایی که اخلاق‌مداری در مقوله انتخابات را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد و اثرات منفی بر آن می‌گذارد، برخورد‌های سلیقه‌ای و حزبی عوامل اجرائی انتخابات می‌باشد که علاوه بر اینکه سلامت انتخابات

هنجارهای انتخاباتی و نقش آن در برگزاری انتخابات شایسته

یکی از موضوعات مورد تأکید رهبری نظام (دامت حفاظاته) در هر دوره از انتخابات، برگزاری انتخابات پرشور و متأثر از شعور و بصیرت انقلابی مردم است. در واقع، برگزاری یک انتخابات شایسته و کارآمد تنها با حضور حداکثری مردم حاصل نمی‌شود، بلکه این انتخابات باید برآمده از شعور و بصیرت انتخاباتی باشد. مقوله فرهنگ سیاسی انتخابات از موضوعات مهمی است که همواره در فصل انتخابات مطرح بوده است. بر اساس اهمیت و ضرورت آن، در بند هشتم سیاست‌های کلی انتخابات تحت عنوان «ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و پانشاط مردم و کمک به انتخاب اصلح» به آن پرداخته شده است. برای تحقق این سیاست که همواره مورد توجه و تأکید رهبری معظم نظام نیز بوده است، عناصر دخیل در امر برگزاری انتخابات، هنجارهای مؤثر در موضوع انتخابات را می‌بایست مورد شناسایی و دقت نظر قرار دهند.

از جمله این هنجارها در نظام حقوقی- سیاسی ایران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛

#### الف: قانونمندی انتخاباتی

پیاده‌سازی این هنجار و فرهنگ از سوی عوامل برگزارکننده و همچنین نامزدهای انتخاباتی و رأی‌دهندگان، مستلزم شناخت و آگاهی از قوانین تخصصی مربوط به انتخابات و قوانین عمومی حاکم بر رفتارهای انتخاباتی است، امری که به نظر می‌رسد در گروه نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آن‌ها به‌ویژه در زمینه قوانین حاکم بر رفتارهای انتخاباتی نیازمند تقویت و تأکید بیشتر می‌باشد. از جمله موضوعاتی که در فعالیت‌های انتخاباتی کمتر مورد توجه قرار گرفته است،



قدرت محور را ترویج می‌کنند. نکته حائز اهمیت در مورد این هنجار این است که اندیشه «توجه به مقوله انتخابات به‌عنوان یک تکلیف شرعی» باید در افکار عمومی جامعه نهادینه شود. اگرچه در قوانین ضمانت اجرایی برای تکلیف بودن شرکت در انتخابات پیش بینی نشده است، اما تقویت باورهای دینی و مذهبی می‌تواند ضمانت اجرای خوبی برای حضور حداکثری مردم باشد.

#### ه: مردم‌سالاری انتخاباتی

فلسفه برگزاری انتخابات، نمایش چهره مردم‌سالاری نظام است. براساس این اصل، اولاً، مجریان انتخاباتی باید در برگزاری انتخابات، منافع عموم افراد جامعه را مورد توجه قرار دهند. ثانیاً، نامزدهای انتخاباتی می‌بایست شعارها و برنامه‌های خود را بر محور خدمت به مردم تعریف و تنظیم نمایند. ثالثاً، مردم نیز در زمان انتخابات باید با مطالعه و دقت نظر در برنامه‌های ارائه شده نامزدها، با انتخاب درست براساس معیار خدمتگزاری، حق تعیین سرنوشت خود را به بهترین وجه اعمال نمایند.

سخن پایانی اینکه، هنجارهای مطرح‌شده اگر به‌درستی پیاده‌سازی شود و توسط عناصر سه‌گانه دخیل در جریان انتخابات مورد توجه قرار گیرد، تضمینی مناسب برای تحقق رهنمود شور و شعور انتخاباتی و گامی مهم در راستای اجرای سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی رهبری معظم نظام خواهد بود.

وآخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

را زیر سؤال می‌برد، ممکن است منجر به قطب‌بندی‌های انتخاباتی شود و متعاقب آن باعث ایجاد درگیری و تقابل و تحریک احساسات طرفداران نامزدها گردد. چنین وضعیتی استعداد اینکه تهدیدی جدی برای منافع عمومی جامعه شود را دارا می‌باشد. یکی از موقعیت‌هایی که رعایت اخلاق انتخاباتی اهمیت بالاتری به خود می‌گیرد، در جریان تبلیغات انتخاباتی نامزدها می‌باشد. در نظام مردم‌سالاری دینی تبلیغات بدون حدمرز نیست و نیازمند رعایت اخلاق و قانون است. در سایه بی‌توجهی به قواعد اخلاقی انتخاباتی است که گاه مشاهده می‌شود دروغ‌پردازی‌ها و تهمت‌ها به رقیب انتخاباتی نسبت داده می‌شود و فضای انتخابات را ناسالم و غیراخلاقی می‌نماید. به‌طورکلی، نهادینه‌سازی فرهنگ تبلیغاتی اسلامی بر مبنای معیارهای اخلاقی من جمله؛ صداقت، رعایت حرمت اشخاص، امیدزایی و نشاط‌آفرینی، زیرسوال نبردن کارهای خوب و مثبت و ارائه توانمندی‌ها نه قدرت و ثروت راهکاری موثر بر تبلیغات درست است.

#### د: مشارکت حداکثری

یکی از راهکارهای تحقق این هنجار، وجود احزاب پویا و فعال در جامعه سیاسی است. احزاب زمانی می‌توانند در فرهنگ انتخاباتی موثر واقع شوند که در فعالیت حزبی خود استمرار داشته باشند. همچنین در آموزش سیاسی اعضا خود تحرک داشته باشند. قطعاً در این صورت می‌توانند فرهنگ انتخاباتی پیشروانه و آگاهانه را ترویج دهند. در مقابل احزابی که تنها در بازه زمانی انتخابات به فعالیت پرداخته و تنها به منافع کوتاه‌مدت خود توجه دارند، نه تنها سبب ارتقاء فرهنگ سیاسی نمی‌شوند، بلکه فرهنگی منفعت طلبانه و



## ۸ یادداشت

### تأملی بر ضرورت تقنین مناسب با بند ۵ سیاست‌های کلی انتخابات

#### مقدمه

آن‌هاست و نباید بازیچه‌ی وعده‌های ناممکن یا بعیدالوقوع نامزدهای انتخاباتی بشود.

برای وعده‌های انتخاباتی ۲ نوع ضمانت اجرا می‌توان در نظر گرفت:

#### ۱. ضمانت اجرای عمومی؛ بیداری افکار و اذهان جامعه

شاید بتوان مهم‌ترین ابزار مقابله با وعده‌های دروغین را افکار عمومی دانست. حضور فعالانه شهروندان در انتخابات و تأثیرناپذیری در مقابل وعده‌هایی که از سوی نامزدهای انتخاباتی مطرح می‌شود که این وعده‌ها کاملاً غیرقانونی و حتی غیرممکن است، می‌تواند در یک بازه زمانی مناسب، فضای تبلیغات انتخاباتی را به معرکه ارزیابی برنامه‌ها - و نه وعده‌ها - تبدیل کند و باید امید داشت که بالا رفتن سواد سیاسی شهروندان، مانع از برگزیده شدن نامزدهایی شود که با فریب و دروغ به جلب آرای شهروندان اقدام می‌کنند.<sup>۳</sup>

در سالیان اخیر شاهد این موضوع بوده‌ایم که نامزدهای انتخاباتی هم در انتخابات مجلس و خصوصاً در انتخابات ریاست جمهوری، در دوران تبلیغات انتخاباتی وعده‌هایی را به مردم می‌دهند و پس از رأی‌آوری در انتخابات، یا وعده‌های داده‌شده خود را فراموش می‌کنند و یا وعده‌های داده‌شده را مختص به زمانی خاص مثلاً قبل از تحریم یا قبل از جنگ اقتصادی می‌دانند و یا از اساس، گفتن آن وعده‌ها را تکذیب می‌کنند! این موضوع موجب ناراحتی و دلخوری مردم از مسئولان شده و به مرور موجب سلب اعتماد عمومی مردم از حکومت و نظام اسلامی می‌شود. ما در این مقال قصد آن داریم تا به این مسئله پرداخته و ضرورت ایجاد یک ضمانت اجرای قوی در این موضوع را برای خوانندگان محترم تبیین کنیم.

#### وفای به عهد از دیدگاه اسلام

یکی از موضوعات مهم در شرع مقدس اسلام که در کتاب و سنت مورد تأکید قرار گرفته است، ضرورت و لزوم وفای به عهد و پیمان است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ يَعْهَدُهُمْ إِذَا عَاهَدُوا»<sup>۱</sup>. همچنین پیامبر اکرم (ص) در حدیثی می‌فرماید: «لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»<sup>۲</sup>. امروزه می‌توان وعده‌های انتخاباتی را از جنس تعهد و وعده و از مصادیق آن دانست. اصل لزوم وفای به عهد اقتضای آن را دارد که وقتی وعده و تعهدی در توان شخص نیست از گفتن آن برای رسیدن به مقصودی خودداری کند یا اگر توان انجام وعده‌ای را در خود می‌بیند زمانی که وعده‌ای را می‌دهد ملتزم به عمل کردن به آن باشد و در صورت عدم انجام وعده‌ی مزبور بایستی کفاره‌ی آن را بپردازد ولی چه کفاره‌ای برای سرمایه‌ی بی‌جان‌ترین مردم یک کشور یعنی زمان و فرصت کار و تلاش آن‌ها! وقت یک ملت، سرمایه اصلی



در تبلیغات انتخاباتی». در تفسیر این بند از سیاست‌ها می‌توان گفت که مستفاد از ماده ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و ماده ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری، جرائم انتخاباتی مشخص شده که تخریب، تهدید و تطمیع به عنوان جرائم انتخاباتی مورد تأکید قرار گرفته است اما نکته قابل ذکر این است که هیچ‌کدام از این موارد به بحث فریب و طرح وعده‌های خارج از اختیارات قانونی اشاره‌ای نکرده‌اند و متأسفانه در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران تاکنون سازوکار مناسبی برای تحقق و پیگیری وعده‌های انتخاباتی در نظر گرفته نشده است و در این زمینه ضروری است تا مجلس شورای اسلامی ضمن مشورت با صاحب نظران عرصه علوم انسانی، یا با اضافه کردن موادی به قوانین انتخاباتی یا تحت یک قانون جدید و جداگانه، در این زمینه ضمانت اجرای قانونی لازم را وضع نماید تا بعضی از افراد خیال نکنند که می‌تواند مسئولیت‌های مهم کشوری به عهده گیرند و پس از آن با اقدمت ناسنجیده خود، هم سرمایه اجتماعی حکومت را کاهش دهند و هم وضع معیشت مردم را دچار کمبود و مشکل کنند. برای مثال می‌توان داوطلبان نامزدی انتخابات را ملزم به ارائه نسخه‌ای مکتوب از برنامه‌ها و وعده‌های ایشان کرد و شورای نگهبان ملزم به اظهار نظر درباره مغایرت یا عدم مغایرت وعده‌ها و برنامه‌های نامزدها با اسناد بالادستی مثل قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام کرد. همچنین می‌توان سازوکاری در نظر گرفت که نامزد انتخاباتی در صورت پیروزی پس از گذشت مدت قابل‌اعتنایی مثلاً دو سال از مدت مسئولیت خود، ملزم به ارائه گزارشی در مورد کمیت و کیفیت تحقق وعده‌های خویش شود.<sup>۶</sup>

بنابر مطالبی که ذکر آن‌ها گذشت، عرصه ریاست جمهوری یا کسوت نمایندگی مردم، جایگاه‌های کوچکی نیستند و نباید برخی افراد به خود اجازه دهند تا با طرح وعده‌های ناممکن وقت و زمان مردم یک کشور را بازیچه خود کرده و آینده آنان را با مشکل و ناامیدی رو به رو سازند. بنابراین ضروری می‌نماید تا در این زمینه که حتماً یکی از مشکلات روز و دردهای فعلی جامعه ماست، مجلس شورای اسلامی اقدام لازم و مقتضی را در زمینه ایجاد یک ضمانت اجرای قوی و مناسب انجام دهد تا دگر بار شاهد این اتفاقات در مواعد انتخاباتی نباشیم.

## پی‌نوشت

۱ - سوره بقره: آیه ۱۷۷

۲ - کتاب جامع‌الآخبار، جلد ۱، صفحه ۷۴

۳ - مقاله «مبانی فقهی حقوقی لزوم عمل به وعده‌های انتخاباتی و مقابله با وعده‌های دروغین» نوشته دکتر حبیب نژاد و دکتر اسماعیلی، صفحه ۱۴۴

۴ - کتاب حزب جمهوری اسلامی - مواضع تفصیلی صفحه ۳۹۸

۵ - مقاله «درآمدی بر نقش مجلس شورای اسلامی در حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» نوشته دکتر حبیب نژاد و دکتر اسماعیلی، صفحه ۱۰

۶ - مقاله «درآمدی بر نقش مجلس شورای اسلامی در حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام» نوشته دکتر حبیب نژاد و دکتر اسماعیلی، صفحه ۱۰

شهید بهشتی (ره) در یک بیان نورانی، ضمن تأکید بر لزوم مقابله با روش‌های ضد ارزشی تبلیغات انتخاباتی درباره لزوم آگاه‌سازی مردم چنین می‌فرمایند: «از تبلیغات به شیوه رایج در بسیاری از جامعه‌های غربی که سراسر ضد ارزش و نیرنگ و فریب است و پرده‌های ضخیمی از زرق و برق و شعارهای توخالی و مردم‌فریب جلوی دید مردم می‌آویزد تا نامزدها را آن‌طور که هستند نشانند و با جوسازی مصنوعی و ایجاد گرایش‌های کاذب، آن‌ها را به این‌وآن، متمایل و از دیگران سرخورده کند، باید سخت جلوگیری شود و مردم ما باید به‌گونه‌ای آگاه و ساخته شوند که در برابر این‌گونه تبلیغات حساسیت پیدا کنند و واکنش منطقی نشان دهند تا عملاً بازار این‌گونه شیوه‌های ضد ارزشی تبلیغاتی کساد شود و نامزدها و هواداران آن‌ها به فکر استفاده از آن‌ها نیافتند.»<sup>۴</sup> بنابراین در زمینه‌ی بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی مردم در همه زمینه‌ها از جمله زمینه‌های سیاسی و اجتماعی بر طبق بند ۲ اصل ۳ قانون اساسی باید با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی مانند رسانه‌ی ملی این مهم را به انجام رساند.

## ۲. ضمانت اجرای حقوقی؛ تنظیم قانونی کارآمد و مؤثر توسط مجلس شورای اسلامی

باید دانست وجود افکار عمومی در زمینه مقابله با وعده‌های دروغین انتخاباتی اگرچه شرط لازم است لکن شرط کافی نیست! در کنار افکار عمومی باید ضمانت اجرای حقوقی و قانونی مناسب و بازدارنده برای تخلف از وعده‌های انتخاباتی در نظر گرفته شود و در این زمینه مجلس شورای اسلامی به‌عنوان نهاد تقنین از جایگاه مهمی در عملیاتی کردن سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری برخوردار است. به عبارت بهتر اجرای سیاست‌های کلی در سطوح مختلف مطرح می‌شود که در درجه اول سیاست‌های کلی باید در نظام قانون‌گذاری منعکس شود و مصداق اجرای سیاست‌های کلی خود قانون‌گذاری است.<sup>۵</sup>

وعده‌های دروغین انتخاباتی در ابتدا با مبانی و اصول قانون اساسی در تضاد قرار دارد. برای مثال طبق اصل ۶۷ قانون اساسی نمایندگان سوگند می‌خورند: «ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به‌عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم.» حال نماینده‌ای که با وعده‌های دروغ در انتخابات برگزیده شده است، چگونه می‌تواند وظایف نمایندگی را با امانت و تقوی انجام دهد؟ همچنین طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی رئیس‌جمهور سوگند می‌خورد: «خود را وقف خدمت به مردم و اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق، پشتیبانی از حق و گسترش عدالت سازد.» بدون شک دادن وعده‌های دروغین در انتخابات نه تنها با ترویج دین و اخلاق مغایرت دارد، بلکه آن‌ها را دچار ضعف و تزلزل می‌کند.

از طرفی دادن وعده‌های ناممکن یا بعید الوقوع یا خارج از حیطه اختیارات ریاست جمهوری یا نمایندگی مجلس از مصادیق فریب دادن مردم برای جذب آرای ایشان است و بند ۵ سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۵ چنین مقرر می‌کند: «ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی



علی اکبری

پژوهشگر حوزه حقوق عمومی، دانشجو کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق دانشگاه امام صادق (ع)

## یادداشت ۹

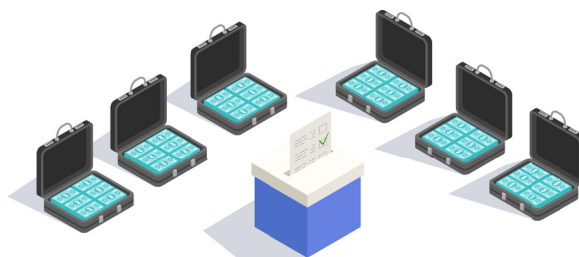
# تعیین هزینه‌ها و منابع مالی انتخاباتی مهم‌ترین بند سیاست‌های کلی انتخابات

عمومی و سلامت انتخابات وارد می‌کند و راه را برای نفوذ فرصت‌طلبان به این عرصه می‌کند.

طبیعتاً فساد مالی و هزینه‌های کلان در عرصه انتخابات دارای پیامدهای اقتصادی و فرهنگی نامطلوبی است و مقابله با چنین موضوعاتی باید در اولویت اعمال و فعالیت دستگاه‌های نظارتی و حسابرسی قرار گیرد تا مجلس و شورایی سالم و کارآمد و پاک‌دست تشکیل شود که در راستای منافع مردم و تأمین شرایط اقتصادی مناسب برای تمامی مردم ایران گام بردارد. زمانی که هزینه‌ها و درآمدها شفاف و منابع مالی نامزدها معین و مشخص گردد، قطعاً از کانال‌های ارتباطی که منجر به رانت‌های اقتصادی برای اهداف سیاسی خاص و نامطلوب به وجود می‌آید جلوگیری می‌شود و البته این بندهای مربوط به شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های مالی در سیاست‌های کلی انتخابات، می‌تواند به حضور مؤثر احزاب و گروه‌های مختلف در انتخابات‌ها و ایجاد یک انتخابات سالم کمک به‌سزایی نماید. در اکثر کشورهای که به اصطلاح دارای نظام‌های مردم‌سالار هستند به‌ویژه کشورهای پیشرفته و توسعه یافته یکی از موضوعات اصلی نظارت بر فعالیت احزاب، مشخص شدن منشأ منابع و هزینه‌های مالی فعالیت‌های هر حزب و تشکل سیاسی است. در بعضی کشورهای پیشرفته که انتخابات به صورت حزبی و گروهی برگزار می‌شود و نظارت بر منابع و هزینه‌های مالی فعالیت‌های انتخاباتی در شیوه حسابرسی احزاب صورت می‌گیرد. منابع مالی از روش‌های مختلف تأمین می‌گردد اما تقریباً در همه کشورها چندین خط قرمز وجود دارد که یکی از آن‌ها این است که نامزدها و احزاب نمی‌توانند از کشورها و سازمان‌های خارجی برای تأمین هزینه‌های انتخاباتی خود مبلغی دریافت کنند.

سیاست‌های کلی انتخابات مطمئناً نقشه راهی برای انتخابات است که در آن عدالت، شفافیت و سلامت دیده شده است، در واقع هدف این سیاست‌ها که با مشورت اعضای محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام صورت گرفته برخوردار از انتخاباتی با امنیت کامل و پاک‌بالاست که مشارکت سیاسی مردم در آن فزاینده باشد. ابلاغ این سیاست‌های کلی به برگزاری هر چه بهتر و شفاف‌تر انتخابات‌های ریاست جمهوری، خبرگان، مجلس و شوراها کمک موثری خواهد کرد، با این بررسی کمی و کیفی که بسیاری از موضوعات مورد اختلاف در عرصه انتخابات بود، با ابلاغ سیاست‌های کلی، این مسائل تعیین تکلیف و مشخص شد. سیاست‌های کلی انتخابات باید مورد توجه قانون‌گذاران، مسئولان، مجریان و همچنین ناظران باشد زیرا این سیاست‌ها روشی مناسب برای اجرا و نهادینگی مردم‌سالاری در کشور است. ابلاغ این سیاست‌ها موجب ثبات و تعادل در زندگی سیاسی و هدف دیگر آن پیشگیری از خودسری‌ها، تصمیم‌های ناپخته و فوری در عرصه انتخابات است.

چهارمین بند از این سیاست‌های کلی بر تعیین حدود و نوع هزینه‌ها و منابع مجاز و غیرمجاز انتخاباتی، شفاف‌سازی منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکل‌های سیاسی و اعلام به مراجع ذی‌صلاح و اعمال نظارت دقیق بر آن و تعیین شیوه و چگونگی برخورد با تخلفات مالی اشاره دارد. یکی از موضوعات مهم مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران، انتخابات سراسری است که مردم با مشارکت خود سرنوشت کشور را به دست خود با انتخاب نمایندگان مجلس، مجلس خبرگان رهبری، رئیس‌جمهور و اعضای شورای شهر تعیین می‌کنند. انتخابات آزاد از ویژگی‌های مهم نظام مردم‌سالاری است اما در این میان، عدم شفاف‌سازی منابع مالی تبلیغات انتخابات و هزینه‌های آن، تأثیرات ناگوار جدی‌ای به اعتماد



و هزینه‌های تبلیغات و عدم وجود شفافیت مالی در این خصوص به برگزاری انتخابات سالم خدشه وارد می‌کند و زمینه‌های سوءاستفاده برخی نامزدها را فراهم می‌آورد. با مشخص نمودن میزان دقیق هزینه کرد هر کاندیدا، قضاوت اشخاص و افکار عمومی اون جامعه مانع از آن خواهد بود که نامزدی که بیشتر هزینه کرده است و دارای سرمایه بیشتری بوده، فقط به همین دلیل به نتیجه‌ی پیروزی در انتخابات نزدیک‌تر شود و از اسراف و تبذیر که از نظر قانون اساسی - بند ۶ اصل ۴۳- هم منع شده است، جلوگیری خواهد شد. در این قسمت به صورت کوتاه به بررسی برخی قوانین مربوط به تعیین حداکثر سقف هزینه‌ها در کشورهای فرانسه، روسیه و آمریکا پرداخته شده است:

در ماده ۱۱-۵۲ قانون جامع انتخابات فرانسه، برای تمامی هزینه‌هایی که هر کاندیدا انجام می‌دهد، سقف تعیین کرده است که این سقف به‌طور مستقیم با میزان جمعیت هر حوزه انتخابیه ارتباط دارد و به‌روز رسانی می‌شود. بر اساس این ماده در انتخابات برای هزینه‌های انتخاباتی صرف شده توسط هر کاندیدا، حداکثر تعیین شده است. مقدار مبلغ حداکثر، بر اساس تعداد افراد ساکن حوزه انتخاباتی تعیین شده است؛ به این صورت که حداکثر هزینه‌ها برای انتخابات نمایندگان مجلس ۳۸ هزار یورو برای هر نامزد است، برای هر شخص ساکن حوزه انتخابیه ۱۵٪ یورو اضافه می‌شود. این حداکثر هر سه سال یک‌بار، در مصوبه‌ای با اعمال شاخص هزینه زندگی مؤسسه ملی آمار به‌روز می‌شود. ماده ۸-۵۲ مقرر کرده است: هدایای اهداشده توسط هر شخص حقیقی کاملاً مشخص شده و برای تأمین منابع و بودجه انتخاباتی یک یا چند کاندیدا در یک انتخابات، نمی‌تواند از ۴۶۰۰ یورو تجاوز نماید و مجموع ارقام هدایای نقدی به نامزد نمی‌تواند از ۲۰ درصد مبلغ هزینه‌های مجاز و قابل استفاده در زمانی که چنین مبلغی با اجرای ماده ۱۱-۵۲، برابر یا بیشتر از پانزده هزار یورو باشد، تجاوز کند.

در آمریکا سقف کمک به کاندیداها در قانون مبارزات انتخاباتی دوحزبی مصوب ۲۰۰۲ آمده است. در بخش ۳۰۷ این قانون حد ۲ هزار دلار به ازای هر نامزد در هر انتخابات معین شده است. در بخش ۱۰۲ سقف کمک به کمیته حزب ایالتی تا ۱۰ هزار دلار در سال و در بخش ۳۰۷ سقف کمک به کمیته حزب ملی ۲۵ هزار دلار در سال و در بخش ۳۰۷ محدودیت پر مجموع کمک‌ها سقف ۹۵ هزار دلار در هر نوبت ۲ ساله معین شده است. در بخش ۳۰۴ همچنین محدودیت برگرداندن وام تا ۲۵ هزار دلار، از مبلغ کمک شده پس از انتخابات وجود دارد. در بخش ۳۰۷ محدودیت ویژه در کمک‌های به نامزد مجلس سنا وجود دارد که حد ۳۵ هزار دلار در سال انتخابات است.

در روسیه حد تعیین شده برای هزینه‌ها و منابع مالی انتخاباتی نامزدها به میزان ۷۰۰ میلیون روبل قرارداد شده است. این موضوع قابل تامل است که در کشور روسیه مطابق ماده ۸-۵۲ قانون تضمین‌های اساسی حقوق انتخاباتی ساکنان کشور روسیه برای حضور و شرکت در همه‌پرسی مصوب مجلس دوما در ۲۰۰۲ مخارجی که مستقیم و با توافق هر نامزد توسط اشخاص حقیقی که او را حمایت می‌کنند یا توسط احزاب با گروه‌های سیاسی که برای حمایت از وی تشکیل گردیده است یا از او حمایت می‌کند، در حساب کاندیدا محسوب می‌شود.

به صورتی دیگر انتخابات در یک نظام مبتنی بر مردم‌سالاری دینی باید دارای ویژگی‌هایی باشد که آن را از انتخابات در یک نظام لیبرال دموکراسی متمایز کند و مهم‌ترین نقاط تمایز در این موضوع نیز منابع سالم و پاک مالی و خودداری از اسراف و ریخت‌وپاش در هزینه‌های انتخاباتی است، حال اغراق نیست اگر بگوییم با اجرایی شدن دقیق و کامل سیاست‌های کلی انتخابات در نگاهی کلان به معنای کارآمدتر کردن مردم‌سالاری دینی و تقویت جمهوریت و اسلامیت نظام خواهد بود.

باید به این موضوع توجه کرد که با وجود اینکه قوانین انتخاباتی زیادی در کشور ما وجود دارد و تا حدودی دقیق است، ولی در مورد منابع مالی وارد شده در انتخابات آن‌گونه که مؤثر است شیوه مدونی وجود ندارد، از طرف دیگر روشن شدن منابع هزینه‌های انتخاباتی به صورت قانونی و با جزئیات کامل، امری است که بسیاری از شک و تردیدها را برطرف کرده و به‌طور طبیعی مورد استقبال همه اعم از مردم و قانون‌گذاران قرار می‌گیرد. از آنجا که نزدیک شدن مافیای ثروت و قدرت به کاندیداهای انتخاباتی و حمایت مالی همه‌جوره از آنان برای استفاده‌های سیاسی و اقتصادی خود به‌عنوان راهکاری برای ورود به عرصه سیاست مطرح است، بر این اساس وزارت کشور و تمامی نهادهای مزبور به‌عنوان مجری و متولی امر انتخابات باید نسبت به این موضوع حساسیت مضاعفی داشته باشند و با اتفاق چنین مسیله‌هایی در عرصه انتخابات به‌عنوان بزرگ‌ترین حرکت ملی کشور به‌شدت برخورد کرده و بر تصویب قوانین بازدارنده تخلفات اصرار ورزد.

آنچه که امروزه مهم و ضرورتی غیرقابل انکار است این مساله است که نامزدهای انتخابات باید منشأ و منابع مالی و مقدار وجوه دریافتی خود را از حامیان مالی، به صورت رسمی و شفاف به نهادهای متولی امر انتخابات اعلام کنند تا این سازمان‌ها از کیفیت و چگونگی این موضوع اطلاع کامل داشته باشند. در صورت وجود اراده کامل و وافی لازم برای رسیدگی به مساله منابع مالی انتخاباتی و تصویب قوانین مؤثر اجرایی حل این مشکل بعید و دور از ذهن نیست. طبیعتاً بررسی منابع مالی نامزدها باید همراه بابتی طرفی باشد. با یک بررسی ساده می‌بینیم که در کشورهای دیگر برای جمع‌آوری منابع مالی کاندیداها بعضاً قوانین محدودکننده وجود دارد. به‌طور مثال هر نامزد نمی‌تواند تمامی هزینه تبلیغاتی خود را از یک سرمایه‌دار و اسپانسر تأمین کند، چراکه نهایتاً در منش‌های سیاسی نامزد انتخاباتی توقعاتی به وجود می‌آید و یک مجلس یا نهاد در اختیار یک سرمایه‌دار قرار می‌گیرد و این مساله با شعار هر شهروند یک رای به صورت واضح تناقض دارد.

مشخص نکردن حد و سقف حداکثری برای منابع مالی



## مجید رضایی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق عمومی  
rezaii.md@gmail.com

## یادداشت ۱۰

# بررسی تکالیف و وظایف مراجع چهارگانه استعلام در تحقق سیاست‌های کلی انتخابات

### مقدمه

انتخابات به مثابه عالی‌ترین تجلی‌گر مردم‌سالاری و متداول‌ترین ابزار دسترسی مردم به حق تعیین سرنوشت و حق دخالت در واسپاری قدرت و جابجایی آن در عرصه‌های اجتماعی و علی‌الخصوص در تعیین حاکمان و انتخاب شیوه‌های حکمرانی در سراسر جهان است. انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان تلاش دارند با اعطای یا اخذ نمایندگی، سیاست‌ها و اهدافی خود را در تعیین و تعیین سرنوشت، مطلوب خود در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی به منصفه ظهور برسانند.

سیاست‌گذاری در نحوه اجرا و نظارت بر انتخابات نیز به قدمت قانون‌گذاری به معنای اخص و بلکه مقدم بر آن بوده است؛ سیاست‌گذار در جستجوی روش‌های مطلوب تبدیل ارزیابی‌های خود برای خلق یا یاری قانون در امور عمومی جامعه است و این مهم را با مشورت صاحبان فکر و تجربه به انجام می‌رساند.

سیاست‌گذار و رهبر کلان جمهوری اسلامی ایران به منظور اصلاح، تقویت و راهبری صحیح انتخابات و نیل به انتخاباتی سالم و با مشارکت حداکثری در مهرماه سال ۹۵ و در اجرای اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات را ابلاغ کردند. در این یادداشت به بررسی تکالیف و وظایف مراجع چهارگانه استعلام در تحقق سیاست‌های کلی انتخابات می‌پردازیم.

در بخشی از سیاست‌های کلی انتخابات تأکید سیاست‌گذار بر بررسی دقیق و احراز شرایط لازم برای صلاحیت نامزدها با پیش‌بینی زمان کافی در چارچوب قانون هر انتخابات از طریق استعلام از مراجع ذی‌صلاح و تأکید بر پاسخگویی مسئولانه و به موقع آن‌ها - مراجع ذی‌صلاح - بوده است (بند ۳-۱۰)

### مراجع ذی‌صلاح شامل کدام دستگاه‌ها هستند؟

مراجع ذی‌صلاح نام‌برده شده در سیاست‌های کلی انتخابات و لزوم استعلام از این مراجع در احراز شرایط داوطلبان انتخابات در قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی ذکر شده است؛ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی در ماده ۴۸، وزارت کشور و شورای را ملزم می‌کند پس از وصول مشخصات داوطلبان روزانه لیست کامل آن‌ها را تهیه و به منظور بررسی سوابق آنان در رابطه با صلاحیت‌های مذکور در این قانون، به وزارت اطلاعات، دادستانی کل، سازمان ثبت‌احوال کشور و اداره تشخیص هویت و پلیس بین‌الملل در مرکز ارسال نمایند.

قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی نیز در ماده ۴۹ هیأت‌نای اجرایی را موظف به استعلام سوابق داوطلبان از اداره اطلاعات، نیروی انتظامی، دادگستری و ثبت‌احوال نموده است.

قانون انتخابات ریاست جمهوری در خصوص استعلام شرایط داوطلبان از مراجع ذی‌صلاح و ذی‌اطلاع ساکت است و بررسی صلاحیت داوطلبان را بدون اشاره به لزوم بررسی سوابق داوطلبان از طریق مراجع چهارگانه شورای نگهبان را مرجع رسیدگی و اظهارنظر در خصوص صلاحیت داوطلبان شناخته است (ماده ۵۷). همچنین در خصوص داوطلبان مجلس خبرگان رهبری قانون انتخابات به استعلام و کسب سوابق داوطلبان از مراجع ذی‌اطلاع اشاره‌ای ننموده و بررسی صلاحیت را در زمان مقرر بر عهده فقهای شورای نگهبان گذارده است.

آن تصریح و این سکوت مانع از استعلام و کسب سوابق داوطلب از سایر منابع در انتخابات مجلس شورای اسلامی



دادستانی کل کشور: یکی دیگر از مراجع مورد استعلام در قانون است، این مرجع به علت کار ویژه خود در پیگیری و مجازات مجرمین امنیتی، سیاسی و مالی می‌تواند نقش مؤثری در بررسی و احراز یا رد صلاحیت داوطلبان انتخابات در موضوعاتی همچون مجرمیت به اقدام علیه امنیت، محکومین به ارتداد، محکومیت به حدود شرعی، قاچاق مواد مخدر و اعتیاد، محکومیت به خیانت و کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء و غصب اموال دیگران و محکومیت به سوءاستفاده‌ی مالی باشد و همچنین از وظایف اصلی دادستانی کل کشور و دستگاه قضا با مشارکت ارگان‌های اطلاعاتی و انتظامی در تحقق سیاست‌های کلی انتخابات اعمال نظارت دقیق بر منابع و هزینه‌های انتخاباتی داوطلبان و تشکل‌های سیاسی و پیگیری و پیگیری از هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی، و جلب حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی توسط نامزدها و احزاب و رسیدگی سریع و خارج از نوبت حسب مورد به آن‌ها به‌ویژه جرائم امنیتی، مالی و تبلیغاتی و اقدامات تخریبی ضد داوطلبان مصرح در بندهای ۴ تا ۷ سیاست‌های کلی انتخابات است.

نیروی انتظامی: نیروی انتظامی به‌عنوان مرجع استعلام در خصوص موضوعات امنیتی افراد یا اتهامات وارده علیه فرد که تبدیل به صدور احکام مجرمیت نشده و همچنین کلیه استعلامات مربوط به سفرهای خارجی، تابعیت‌های مضاعف و گذرنامه داوطلبان مورد استعلام قرار می‌گیرد.

ثبات احوال: علاوه بر رؤیت اسناد سجلی و هویتی داوطلب وزارت کشور و شورای نگهبان می‌توانند به فراخور موضوع در خصوص ایرانی‌الاصل بودن، تابعیت ایرانی داشتن و اصالت اسناد هویتی داوطلب استعلام موردنیاز را از ثبت‌احوال انجام دهند.

### نتیجه‌گیری

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای شورای نگهبان در ۲۸ تیرماه ۱۳۷۹ ضمن بیان لزوم همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط با شورای نگهبان به‌عنوان مرجع اصلی و نهایی بررسی صلاحیت داوطلبان انتخابات - به‌جز داوطلبان انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا - تأکید می‌کنند: «این حرف که مسئول اطلاعاتی کشور به شما اطلاع ندهد، اصلاً قابل قبول نیست. که این کار را نکنند. یعنی چنانچه اطلاعی دارد و نمی‌دهد، بلاشک خیانت است؛ یعنی بدون هیچ تردید این اسمی غیر از خیانت ندارد! اطلاعی داشته باشند و این اطلاع را به مرکزی از نظام که به آن احتیاج دارد، ندهند! این بلاشک نامی غیر از خیانت ندارد؛ موظف‌اند که بدهند»

انتخابات به‌عنوان سرآغاز تقسیم قدرت و تحویل و تحول مسئولیت‌های نظام اگر بدون ورود و احساس مسئولیت دستگاه‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط باشد نتیجه‌ای جز سپردن کشور به نامحرمان و ناهلان نخواهد داشت و سیاست‌های کلی انتخابات در راستای تدوین مقررات لازم در جهت موظف سازی دستگاه‌های امنیتی، اطلاعاتی و قضایی در امر مشارکت در بررسی صلاحیت‌های داوطلبان انتخابات و بررسی ویژگی‌های مصرح در قوانین انتخاباتی می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد.

و شوراهای اسلامی شهر و روستا نبوده و در انتخابات ریاست جمهوری و خبرنگاران رهبری مانع استعلام از مراجع چهارگانه نمی‌باشد. مثلاً وزارت کشور و شورای نگهبان در بررسی سوابق داوطلبان علاوه بر بررسی‌های محلی می‌توانند از سازمان اطلاعات سپاه پاسداران و وزارت علوم تحقیقات و فن‌آوری نیز بهره‌گیری کنند.

وظایف مراجع چهارگانه استعلام در تحقق سیاست‌های کلی انتخابات

آنچه وزارت کشور و شورای نگهبان به فراخور موضوع انتخابات برای تعیین وضعیت صلاحیتی داوطلبان از مراجع چهارگانه استعلام می‌کند شامل ویژگی‌ها و شرایط داوطلبان در قانون انتخابات است. باین‌وجود مراجع چهارگانه در مقام احراز همه شرایط (داوطلبان) نمی‌توانند به وزارت کشور و شورای نگهبان کمک کنند و نمی‌توان تنها به اطلاعات آن‌ها اکتفا کرد این در حالی است که قانون، شورای نگهبان را مرجع نهایی تصمیم‌گیری و احراز صلاحیت داوطلبان در همه انتخابات معرفی کرده است.

ویژگی‌ها و شرایط تصریح شده در قوانین مختلف انتخاباتی با توجه به کار ویژه‌ی هر دستگاه و نهاد، قابل طبقه‌بندی است. به‌عبارت‌دیگر نتیجه استعلام سوابق از هر ارگان یا دستگاهی منتج به ثبوت وجود یا فقدان ویژگی مصرح قانون در فرد می‌شود.

وزارت اطلاعات: وزارت اطلاعات که به‌منظور کسب و پرورش اطلاعات امنیتی و اطلاعات خارجی و حفاظت اطلاعات و ضد جاسوسی و به دست آوردن آگاهی‌های لازم از وضعیت دشمنان داخلی و خارجی جهت پیشگیری و مقابله با توطئه‌های آنان علیه انقلاب اسلامی، کشور و نظام جمهوری اسلامی



تشکیل شده است یکی از مهم‌ترین مراجع استعلام در خصوص داوطلبان انتخابات است.

نتیجه استعلام از وزارت اطلاعات می‌تواند بنا به پاسخ و مدارک آن منتج به اخذ صلاحیت یا رد صلاحیت در موضوعات همچون: حسن سابقه، امانت و تقوی، ایمان و اعتقاد به مبانی جمهوری اسلامی و مذهب رسمی کشور، حسن شهرت یا سوء شهرت، اعتقاد و التزام عملی به اسلام و نظام، ابراز وفاداری به قانون اساسی و اصل متری ولایت مطلقه فقیه، تحکیم مبانی رژیم سابق، وابستگی به رژیم سابق، وابستگی به احزاب و گروه‌های غیرقانونی و غیره باشد.



علی نعمتی

## یادداشت ۱۱

### تأملی در عدالت انتخاباتی و شایسته‌گزینی

است که در ذیل بند ۹ اصل سوم بدان اشاره شده است، هدفی فراتر از رقابت انتخاباتی را در ذیل خود دارد، زیرا در صورت محدودسازی انتخابات بر استعداد تبلیغاتی و مالی افراد، اولاً اهداف بند دهم سیاست‌های کلی انتخابات به دست نمی‌آید و شایسته‌گزینی منتفی می‌گردد و از طرفی انتخابات جنبه خصوصی پیدا می‌کند، در تمام دنیای جمهور، بزرگ‌ترین خطر انتخاباتی تعارض منافع ذیل خدمت‌رسانی، به‌عنوان یک وظیفه الهی و یا اجتماعی است که ملاحظه می‌گردد به این نکته در سیاست‌های کلی انتخابات، به نحوه مؤثر و مهمی تأکید و تصریح شده است.

حال شورای نگهبان، به‌عنوان نهاد صالح و پیشرو در امر انتخابات، با توجه به نیازسنجی‌های تاریخی خود، نیازمند پایه‌اتکایی است تا بتواند معیارها و تعاریف خود را مبتنی بر سندی فرادستی، اصلاح نماید. زیرا در غیر این صورت، فرود هجمه‌ها از احزاب و تشکل‌هایی که مستقر بر سیاست‌های جناح‌نگر می‌باشند، تأثیرات تبلیغاتی خود را اعمال خواهد کرد. سیاست‌های کلی انتخابات و به‌ویژه بند دهم، فرصتی طلایی برای شورای مذکور است تا بتواند ارتقاء ساختار صلاحیت‌یابی را هرچه دقیق‌تر انجام دهد. البته این اصلاحات شروع گردیده و با توجه به سند بالادستی مذکور، پایستی تا سرحد خودکفایی سازوکار انتخابات، با رسیدن به اهداف مستقر در بند پانزدهم ادامه داشته باشد.

سیاست‌های کلی انتخابات، شرایط خاصی را برای احاد ملت و نهادهای ذی‌ربط، فراهم نموده است. از آنجاکه تکامل اجتماعی در عصر جدید، از رهگذر انتخابات رأی‌محور و نه نوع خاصی از همه‌پرسی می‌باشد، تبیین چالش‌های کیفی در ذیل قواعد حقوقی، اهمیت بسزایی پیدا می‌کند. در ماده ۳۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری، آمده است: «کلیه افرادی که مسئولیت مستقیم در امر انتخابات ریاست جمهوری به‌صورت اجرا و یا نظارت دارند در صورتی می‌توانند داوطلب

مقام معظم رهبری-دام‌ظله‌العالی-، در رابطه با ایفای نقش رهبری ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی، به تاریخ ۱۳۹۵/۰۷/۲۴ اقدام به تدوین سیاست‌های کلی انتخابات نمودند که از لحاظ اخلاقی و حقوقی واجد مزایایی است که می‌توان با توجه به این مزایا، علاوه بر تأیید اغلب قوانین موجود راجع به انتخابات، مسیر روشنی را برای اصلاح و تدوین قوانین جدید ترسیم نمود.

سیاست مدونه در امر انتخابات را می‌توان به سه بخش تفکیک نمود.

۱-اموری را که معظم له تأیید و تأکید نموده‌اند.

۲-اموری را که مطالبه نموده‌اند.

۳-اموری را که تلویحاً متذکر شده‌اند.

نوع نگاه به مسئله انتخابات در نظام حقوقی ج.ا، همواره افراد را به فکر وامی‌دارد که چرا باوجود قوانینی مانند قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و یا قانون انتخابات ریاست جمهوری، بازهم در عمل اصل مزیت‌طلبی نسبت به تبلیغات و هزینه‌های انتخاباتی، توسط افراد رعایت نمی‌شود؟؟ آیا مشکل از قوانین موجود منشأ می‌گیرد و یا اینکه در عرصه اجرا، انتخابات و وکالت عامه، مسیر جداگانه‌ای را طی می‌نمایند؟؟

معظم له در بند سوم سیاست‌های ابلاغی می‌فرمایند، بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صداوسیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور.

با توجه به بند مذکور، مشخص می‌گردد که استفاده از امکانات عمومی مستقر در جامعه، اولاً باهدف کاهش هزینه‌های تبلیغاتی و ایجاد فرصت برابر برای رقابت



که خلاف ق.ا نیز نمی‌باشد، پس از تأیید اعتبارنامه نماینده این فرصت را به مجلس شورای اسلامی و یا هر نهادی که مسئول آن منتخب مردم است خواهد داد تا برای صیانت از آراء مردم و در عین حال رعایت اصل تداوم خدمت‌رسانی، فرد فاقد صلاحیت سازمانی و یا اخلاقی، از سمت خود برکنار کند. البته در بخش دوم بند یازدهم، اقناع و اطلاع فرد از علت عدم احراز صلاحیت ملاحظه می‌گردد که به نوعی، می‌تواند سرمشق عملکرد نظارتی نهادهای تازه تأسیس در امر بررسی پسینی صلاحیت افراد باشد.

نکته تأییدی که در بند نهم سیاست‌های ابلاغی انتخابات بر آن تصریح شده، استفاده از توانمندی احزاب در شایسته‌گزینی و آگاهی بخشی می‌باشد. در صورتی که احزاب، و نه جریان‌های سیاسی در کشور فعال شوند، بخش اعظم شایسته‌گزینی توسط رقابت درون حزبی بدون دخالت نهادهای نظارتی حاصل می‌گردد. در دنیای جمهوریت، احزاب نقش راهبری انتخابات را ندارند، بلکه بر رونق مشارکت بر عهده آن‌ها است. توجه به این ظرفیت ذیل بند نهم سیاست‌های کلی انتخابات، تکلیف جریان‌های مستقر در کشور می‌باشد تا از مرحله جریان سازی به مرحله ایجاد تشکیلات سیاسی ارتقاء پیدا کنند.

الیه، باید این نکته را توجه داشت که انتخابات، حق عامه مردم است و احراز صلاحیت نهایی افراد، تکلیف واجد شرایط مشارکت است. بنابراین سازوکارهای موجود در سیاست‌های کلی انتخابات، علاوه بر ایجاد تکلیف برای نهادهای ذی‌ربط، بزرگ‌ترین تکلیف را برای احاد جمعیت مستقر در کشور ایجاد نموده است و با توجه به بند هشتم سیاست‌های ابلاغی، آگاهی بخشی بر عموم افراد، منتج به انتخاب بهترین گزینه برای تصدی سمت خواهد شد.

شوند که قبل از ثبت نام از سمت خود استعفا نموده، و در آن سمت شاغل نباشند. و یا در ماده ۲۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز چنین شرایطی برقرار می‌باشد، حال در بند دهم سیاست‌های کلی انتخابات تصریح شده که باید ترتیبات لازم برای به حداقل رساندن ممنوعیت حضور داوطلبان شاغل اتخاذ گردد، با وجود چنین ظریف‌انگاری در امر سرنویشت سیاسی کشور، صرف شاغل بودن، نباید از مشارکت افراد در امور حاکمیتی جلوگیری نماید، زیرا ممکن است فردی با وجود صلاحیت لازم، صرفاً با دغدغه فقدان شغل برقرار، به واسطه نامزدی انتخابات، نظام و امت اسلامی را از حضور مفید خود محروم نماید.

با توجه به راهبردهای مذکور در سیاست‌های کلی انتخابات، مانند تلاش برای دستیابی به عدالت انتخاباتی با اصلاح حوزه‌های رأی‌گیری، مشخص می‌گردد که هدف از انتخابات، شایسته‌گزینی توسط احاد ملت می‌باشد. بنابراین هدف، چالش‌های مستقر در مسیر باید مشخص گردیده و برنامه‌ریزی برای رفع آن‌ها تنظیم گردد. مهم‌ترین چالش مدنظر در سیاست‌های ابلاغی، رعایت عدالت در رقابت باهدف انتخاب اصلح همراه با رشد اجتماعی افراد است. بنابراین صرف تقنین و بهبود سازوکارهای موجود راهگشای مشکلات انتخاباتی نخواهد بود. در این امر، استفاده از ظرفیت‌های مجاز مانند ظرفیت موجود در اصل بیست و پنج ق.ا، علاوه بر تأیید بخش سوم بند دهم سیاست‌های ابلاغی انتخابات، سازوکار نظارت پیشینی مقام صالح را توسعه می‌بخشد.

البته چنین سازوکاری در ماده ۴۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی وجود دارد، لکن بنابر تجربه انتخاباتی دهه‌های گذشته، مدت زمان پنج روز بسیار ناکافی و غالباً غیردقیق می‌باشد. پس برای برون‌رفت از چالش احراز صلاحیت، نیازمند سازوکار توسعه محور ارزیابی نامزدها، با توسل به ظرفیت‌های اطلاعاتی دستگاه‌های زیربسط می‌باشیم.

در بسیاری از موارد دیده شده است که برای تأیید صلاحیت سازمانی افراد، بسیار دقیق‌تر از بررسی صلاحیت نامزدهای انتخاباتی، به ویژه انتخابات شوراهای و مجلس شورای اسلامی عمل می‌شود. حتی با توجه به جایگاه سمت نمایندگی و دستاوردهای شخص نماینده و تأثیر تصمیم وی بر سیاست خرد منطقه‌ای و کلان مملکتی، انتظار می‌رود، قوانین راجع به بررسی صلاحیت داوطلبان با توجه به سیاست‌های کلی انتخابات، بازبینی و اصلاح گردند. البته ارائه پیشنهاد در حوصله چنین یادداشتی نمی‌باشد.

در بند سیزدهم سیاست‌های مذکور، مبحث نظارت پسینی بر انتخابات ملاحظه می‌گردد، در وهله اول، تصور می‌شود که این بند، مغایرتی با اصل ۸۶ ق.ا دارد، اما اقدامات لازم برای زوال یا کشف فقدان شرایط نمایندگی در منتخبان، صرفاً در برخورد قضایی محدود نمی‌گردد، بلکه این بند در سیاست‌های کلی انتخابات، اولاً استعداد لازم را به نهاد شورای نگهبان در انتخابات‌های مختلف می‌دهد، در ثانی این فرصت را برای مجلس شورای اسلامی فراهم می‌کند تا نهادی را ضمن حراست از آراء مردم تأسیس نماید تا بر عملکرد نمایندگان نظارت استطلاعی داشته باشد. این نوع از نظارت



محمد جواد محمد پور

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری  
m.j\_mohammadpour@yahoo.com

## یادداشت ۱۲

# نقدی بر جای خالی نقش فعال احزاب سیاسی در سیاست‌های کلی انتخابات

برای فعالیت احزاب تأکید شده و در بند دیگری به یکی از این محدودیت‌ها تصریح شده است.

نقش احزاب سیاسی در حوزه انتخابات نقشی ضعیف و کم‌رنگ است؛ در حالیکه حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی خویش (اصل ۵۶ قانون اساسی<sup>۳</sup>) مستلزم مشارکت مردم در حیات سیاسی است (اصل ۶ قانون اساسی<sup>۴</sup>)؛ لذا همه صاحبان قدرت نیازمند پشتیبانی توده مردم‌اند و از طرفی استفاده سیاسی از توده‌ی بی‌شکل و بدون سازمان مشکل

گفته شده که احزاب سیاسی هم‌زمان با آیین‌های انتخاباتی و پارلمانی شکل گرفته و توسعه یافته‌اند (دورز، ۱۳۸۶: ۱۵۴)؛ به دیگر سخن می‌توان یکی از عناصر تشکیل دهنده آیین‌های انتخاباتی را وجود احزاب سیاسی دانست؛ تا جایی که یکی از پژوهشگران نوشته است «دموکراسی بدون حزب مانند قایق بی پارو است» (عالم، ۱۳۹۰: ۳۵۰).

یکی از کارکردهای اصلی احزاب سیاسی در امر انتخابات ظهور می‌یابد؛ و در صورت عدم شناسایی نقش فعال برای احزاب سیاسی در این حوزه نه تنها نظام سیاسی و حقوقی از مزایای آن بی‌بهره می‌ماند بلکه ممکن است در کارکرد صحیح نظام انتخاباتی نیز خلل ایجاد شود. در سیاست‌های کلی انتخابات نقشی جدی و فعال برای احزاب سیاسی مشاهده نمی‌شود.

در بندهای هجده‌گانه سیاست‌های کلی انتخابات صرفاً دو بار از احزاب سیاسی نام برده شده است؛ در بند ششم<sup>۱</sup>، احزاب سیاسی از دریافت حمایت مالی و غیرمالی از بیگانگان منع شده‌اند، در بند نهم<sup>۲</sup> نیز به لزوم تعیین چارچوب و قواعد لازم برای فعالیت احزاب سیاسی تأکید شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در سیاست‌های کلی انتخابات نقش فعالی برای احزاب سیاسی در نظر گرفته نشده است؛ بلکه صرفاً در یک بند به ضرورت ایجاد محدوده و چارچوب



فعال برای احزاب سیاسی در سیاست‌های کلی انتخابات به‌وضوح درک شده و قابل نقد است. شایسته بود که در یک‌بند یا بیشتر، در سیاست‌های کلی انتخابات، به شناسایی وظایفی ایجابی و فعال برای احزاب سیاسی در فرایندهای انتخاباتی پرداخته می‌شد؛ و صرفاً به یک نقش منفعل و صرف حضور حزب سیاسی در عرصه سیاست اکتفا نمی‌شد.

### پی‌نوشت

۱- بند ششم سیاست‌های کلی انتخابات مقرر می‌دارد: «ممنوعیت استفاده از حمایت و امکانات بیگانگان اعم از مالی و تبلیغاتی توسط نامزدها و احزاب و برخورد به موقع دستگاه‌های ذی‌ربط».

۲- بند نهم سیاست‌های کلی انتخابات مقرر می‌دارد: «تعیین چارچوب‌ها و قواعد لازم برای فعالیت قانونکمد و مسؤولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی در عرصه انتخابات مبتنی بر اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران به نحوی که رقابت‌های انتخاباتی منجر به افزایش مشارکت آگاهانه، اعتماد، ثبات و اقتدار نظام شود».

۳- اصل ۵۶ قانون اساسی: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم‌او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد و ملت این حق خداداد را از طرفی که در اصول بعد می‌آید اعمال می‌کند».

۴- اصل ۶ قانون اساسی: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد».

۵- باید متذکر شد که در قانون اساسی تصریحی مبنی بر اینکه احراز صلاحیت نامزدهای انتخاباتی بر عهده شورای نگهبان است وجود ندارد.

است، باید به این توده سازمان و شکل داد، حزب سیاسی نمونه گروه‌بندی و تشکل توده‌ها است (ابوالحمد، ۱۳۵۲: ۱۵۴).

حزب سیاسی از زوایای مختلفی توسط اندیشمندان تعریف شده است؛ به گفته پالومیرا و واینر حزب سیاسی باید واجد چهار ویژگی ساختاری باشد، اول دارای سازمان مرکزی و رهبری پایدار، دوم دارای سازمان‌های محلی پایدار با ارتباط مستمر با مرکز، سوم مصمم بودن رهبران مرکزی و محلی برای به دست‌گیری قدرت سیاسی و درنهایت برخورداری از پشتیبانی توده مردم (ابوالحمد، ۱۳۵۲: ۱۵۱). اندیشمندان کارویژه‌های متعددی را برای احزاب سیاسی برشمرده‌اند؛ یکی از مهم‌ترین این کارویژه‌ها نقش و جایگاه ویژه احزاب سیاسی در گزینش نامزدهای انتخاباتی و ایجاد رقابت‌های انتخاباتی است (عالم، ۱۳۹۰: ۲۴۹).

شناسایی نقش فعال برای احزاب سیاسی می‌تواند مزیت‌های متعددی دربرداشته باشد. ازجمله اینکه با شناسایی نقش احزاب سیاسی در گزینش نامزدهای انتخاباتی، بار سنگین تأیید یا رد صلاحیت‌ها از دوش نهاد شورای نگهبان<sup>۵</sup> برداشته می‌شود؛ به تبع آن همچنین در صورت نتیجه‌گیری ضعیف نامزدهای انتخاباتی پس از انتخابات و در دوره تصدی سمت، این نتایج به عملکرد شورای نگهبان در احراز صلاحیت‌ها منتسب نخواهد شد. در صورت شناسایی نقش فعال احزاب سیاسی در عملیات اجرایی انتخابات، همچنین شناسایی فرایندهای انتخابات درون‌حزبی، هزینه‌های اجرایی برگزاری انتخابات سراسری کاهش می‌یابد. مزیت‌های دیگری نیز برای به رسمیت شناختن نقش فعال احزاب سیاسی در انتخابات قابل شناسایی است که بررسی و احصا آن نیازمند پژوهشی دقیق و جدی است.

لذا بنا به توضیحات پیش‌گفته، جای خالی شناسایی نقشی





## محمد رضا زاده نجف

دانشجوی مقطع دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات  
Zadenajaf.mohamm@ut.ac.ir

### یادداشت ۱۳

## نقد و تحلیل حقوقی بندهای سیاست‌های کلی انتخابات

### ۱- مقدمه

شد. یکی از پیچیدگی‌ها و مشکلات که در صورت وسیع شدن حوزه‌های انتخاباتی پیش خواهد آمد آن است که نیاز به تبلیغات گسترده‌تر و هزینه‌های گزاف خواهد داشت که در این صورت نیز صاحبان ثروت و سرمایه به این چرخه راه خواهند پیدا کرد. آیا افراد کوچک می‌توانند در این انتخابات شانس برای پیروزی داشته باشند؟ این موضوع خود باعث خواهد شد تا عده‌ای از نخبگان و افراد شایسته از رقابت کنار روند و بحث قدرت زایی ثروت و ثروت زایی قدرت به وجود خواهد آمد. با گسترده شدن انتخابات در واقع فساد و تقلب پیشینی رخ خواهد داد. در نهایت می‌توان گفت در صورت گسترده شدن حوزه‌های انتخاباتی مغایرت با بند یک اصل ۱۱۰ ق.ا.ج.ا.ا، به وجود می‌آید.

### ۳- محور دوم

در محور دوم سیاست‌ها اشاره به دومرحله‌ای بودن در صورت عدم کسب نصاب قانونی در مرحله اول شده است. در ماده هشت قانون انتخابات مجلس شورای آمده است: در انتخابات مجلس شورای اسلامی در مرحله اول انتخابات باید حداقل بیست درصد از کل آراء را کسب کند و انتخاب در مرحله دوم و میان دوره‌ها با اکثریت نسبی است. اگر این نصاب اکثریت مطلق آراء (نصف+۱) باشد بهتر است و اگر افراد اکثریت مطلق آراء را کسب نکرده باشند به مرحله دوم می‌روند. دومرحله‌ای شدن خود کمک شایانی به واقعی‌تر شدن انتخابات و آگاهانه‌تر شدن آن می‌کند. می‌توان حتی درصدی مشخص با ضمانت اجرای مناسب را در هر حوزه برای نامزدها در نظر گرفت و در صورت عدم کسب آن درصد، فرد شامل آن ضمانت اجرا شود. من باب مثال اگر فرد داوطلب نمایندگی کمتر از پنج درصد رای بیاورد باید مبلغی را به عنوان جریمه پرداخت کند این مبلغ نیز باید به میزانی باشد که مؤثر واقع گردد و از حضور فرد مشمول در دوره‌های بعدی جلوگیری کند. این خود باعث خواهد شد تا وقت و

وفق بند یک اصل (۱۱۰) ق.ا.ج.ا.ا، سیاست‌های کلی نظام توسط رهبری تعیین می‌گردد و از لحاظ سلسله‌مراتب بین قانون اساسی و قانون عادی قرار می‌گیرد؛ که من جمله صلاحیت‌ها و وظایف اجباری رهبری است که در قانون اساسی گنجانده شده و حاکی از جایگاه کلان رهبری در هدایت نظام است. سیاست‌های فوق لازم‌الاجرا بوده از این حیث قانون‌گذاری، مجلس هم باید در چارچوب این سیاست‌ها باشد. نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها توسط رهبری به مجمع واگذار گردیده است که هیئت عالی نظارت که در دل خود مجمع تشخیص نظام ایجاد گردیده وظیفه‌اش پایش قوانین است که از چارچوب سیاست‌های کلی نظام خارج نشوند. یکی از ابعاد سیاست‌های کلی نظام انتخابات است؛ که در این یادداشت حقوقی پنج محور اول مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

### ۲- محور اول

اولین محور بحث تعیین حوزه‌های انتخاباتی است. حوزه‌های انتخاباتی می‌تواند بی‌عدالتی انتخاباتی را به وجود آورد. حوزه‌های انتخاباتی باید به گونه‌ای باشد که عدالت انتخاباتی و شناخت مردم از نامزدها را فراهم کند. باید میان جمعیت و کرسی‌های انتخاباتی تناسب وجود داشته باشد و مبنای جمعیت در آن لحاظ گردد و اینکه حوزه‌ها به طوری باشد که حداکثر شناخت مردم از نامزدها فراهم گردد؛ این موضوع باید در قوانین عادی تجلی یابد. حوزه‌های انتخاباتی اگر محدود باشند و در سطح گسترده نباشد کمک شایانی به شناخت بیشتر مردم از نامزدها خواهد کرد. شناخت در مناطق محدود واقعی‌تر خواهد بود و از انتخاب بدون شناخت دقیق جلوگیری خواهد کرد؛ که این موضوع در نتیجه باعث ترسیم واقعی اراده‌ی ملت خواهد

سرمایه ملت از میان نرود.

#### ۴- محور سوم

محور سوم اشاره به بهره‌مندی داوطلبان از تقسیم برابر متناسب با امکانات از صداوسیما، فضای مجازی، دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور در تبلیغات انتخاباتی دارد. تعریف و تبیین واژه‌های این بند حائز اهمیت فراوان است که برای روشن شدن آن‌ها به تعریف آن‌ها پرداخته خواهد شد. بهره‌مندی در این بند یعنی عدم ممنوعیت لذا داوطلبان می‌توانند از این موارد استفاده نمایند. من باب مثال در تقسیم برابر نیز می‌توان گفت که نباید به یک فرد پنج ساعت در صداوسیما و فردی دیگر دو ساعت اختصاص داده شود. فضای مجازی به معنای محیطی مجازی و غیرملموس که در فضای شبکه‌های بین‌المللی که از طریق اینترنت به هم وصل می‌شوند وجود دارد. (فتحی، یونس و شاهمرادی، خیراله، ۱۳۹۵). واژه‌ی رسانه‌ها نیز خود دارای ابهام است از این حیث که آیا شامل مطبوعات نیز می‌گردد یا خیر؟ که به نظر می‌رسد رسانه اعم از مطبوعات است. امکانات عمومی و دولتی به‌غیراز موارد صداوسیما و فضای مجازی و رسانه وفق ماده سه مورد چهارم قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شامل موارد ذیل است: سالن‌های اجتماعات، جایگاه‌های نصب تبلیغات، امکانات و رسانه‌های صوتی و تصویری در فضای مجازی است. در قانون فوق‌الذکر تبلیغات انتخاباتی این‌گونه تعریف شده است: مجموعه اقدامات نامزدهای انتخاباتی و یا نمایندگان آن‌ها و سایر افراد اعم از گفتاری، نوشتاری و رفتاری - به‌منظور تأثیرگذاری بر رای دهندگان گفته می‌شود که باهدف رساندن پیام، خط‌مشی و برنامه نامزدها یا احزاب و گروه‌های سیاسی به مردم می‌باشد تا از این طریق آن‌ها را به رای دادن به نامزدهای مورد نظر یا جریان و گروه خاص ترغیب نمایند.

#### ۵- محور چهارم

در محور چهارم اشاره به شفاف‌سازی منابع مالی، منابع مالی مجاز و غیرمجاز و اعلام به مراجع ذیصلاح و اعمال نظارت دقیق شده است. تعیین حدود و منبع، منابع مالی امری بسیار حائز اهمیت است؛ از این حیث که می‌تواند در مقابل منابع مالی نامشروع و نفوذ بیگانگان گرفته شود. در صورت عدم توجه به این مهم نظام سیاسی در معرض دخل و تصرف نفوذی‌ها قرار می‌گیرد. قوانین بالادستی مانند قانون اساسی و سیاست‌های کلی معمولاً رئیس‌مطالب را بیان کرده و از بیان جزئیات پرهیز می‌شود از این حیث بیان جزئیات امور و نحوه اجرای آن در قوانین عادی و مقررات بیان می‌گردد. از این حیث قانون شفافیت و نظارت بر تأمین مالی فعالیت‌های انتخاباتی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در اجرای اصل ۱۳۳ ق.ا.ج.ا، مورد تصویب قرار گرفته است. من جمله سازوکارهای مناسب در نظر گرفته شده در این قانون عبارت‌اند از: ۱- تعریف عبارات و اصطلاحاتی مانند تبلیغات، فعالیت‌های انتخاباتی، هزینه‌های انتخاباتی، تأمین مالی انتخابات و سامانه مالی انتخابات فی‌الواقع تعاریف و مشخص کردن ابعاد موضوع نقشی مهم را در هر قانون و مقرره‌ای ایفا می‌نماید. یکی از موارد حائز اهمیت که در ماده یک و تعاریف بدان اشاره گردیده است سامانه

مالی انتخابات است این سامانه ثبت اطلاعات مالی توسط نامزدها، احزاب و گروه‌های سیاسی الزامی دانسته است؛ ۲- ایجاد چارچوب قانون مشخص در دریافت و پرداخت، حداکثر و نحوه‌ی پرداخت منابع مالی، ۳- ممنوعیت تأمین منابع مالی از سوی اشخاص دارای تابعیت غیر ایرانی، ۴- ایجاد حساب بانکی مشخص برای نظارت بر منابع مالی تأمین‌کننده جهت هزینه‌های انتخاباتی ۵- تعیین نماینده مالی ۶- ارسال گزارش‌های مالی به مراجع ذی‌ربط ۷- در نظر گرفتن ضمانت اجرای مناسب در تخلف از موارد مصوب در قانون. به نظر می‌رسد قانون فوق در همسویی با بند چهارم سیاست‌های کلی نظام قرار داشته و تا حد زیادی پاسخگوی نیازهای مربوطه است.

#### ۶- محور پنجم

در محور فوق ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی آورده شده است. دو واژه تخریب، تهدید به نوعی واضح و مبرهن هستند؛ لذا به سراغ تطمیع می‌رویم. تطمیع را می‌توان خرید افراد برای اخذ رای به نفع خود معنا کرد. من جمله مصداق برای فریب اینکه فرد داوطلب در تبلیغات خود را به‌عنوان دکتر، مهندس، روحانی و ... معرفی می‌کند در صورتی که در واقعیت این‌طور نیست. من جمله وعده‌های خارج از اختیارات قانونی که بسیار متداول و رایج است میان داوطلبان وعده‌های مالی است که برای اخذ رای به مردم داده می‌شود برای مثال: اگر رای بیاورم هرماه ۲۰۰ هزار تومان به مردم می‌دهم؛ این وعده‌ها خود تخلف است آیا دادن پول جزو اختیارات قانونی نماینده مجلس است؟ در اصل ۷۵ ق.ا.ج.ا، آمده است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی اجازه مطرح کردن طرح‌هایی که موجب کاهش درآمد یا افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود بدون تعیین منبع مشخص نمی‌دهد. برفرض مثال که منبع نیز توسط نماینده‌ای مشخص گردد آیا فرد مطمئن است که طرح پیشنهادی در مجلس مورد تصویب قرار می‌گیرد؟ در رابطه با اقدامات مغایر امنیت ملی و موارد ذکر شده در بندهای پیشین باید گفت قانون‌گذار موارد را به تفصیل بیان کند و ضمانت اجرای مناسب در جهت تضمین آن را نیز در نظر بگیرد و در مقام اجرا سازوکارهای درخور توجه برای این مهم ایجاد گردد.





مصطفی نصارسلمانی

mostafanassarsalmani@gmail.com

## یادداشت ۱۴

## موانع اجرایی سیاست‌های کلی انتخابات

انتخابات یکی از شاکله‌های اصلی نظام هر کشوری است. حتی امروزه در جوامع بین‌الملل انتخابات و میزان مشارکت در آن به‌عنوان یک معیار مقبولیت قرار دارد. که در کشور ایران هم این مهم از این قاعده خارج نیست اما به نظر می‌رسد نحوه پرداختن، سیاست‌های کلان ترسیم‌شده و البته مهم‌تر از آن نظارت و اجرای صحیح سیاست‌های کلان نقش کلیدی دارد. در راستای سیاست‌های کلی انتخاباتی کشور در سال ۱۳۹۵ مطابق با بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی رهبر معظم انقلاب در ۱۴ آبان به ترسیم آن پرداختند. لازمه‌ی اجرای هر سیاست‌گذاری وجود یکسری بسترها که متناسب با آن باشد. البته بسترهای انتخاباتی کشور ما از نظام‌مندی بسیار مطلوبی برخوردار می‌باشد اما به هر جهت در حال حاضر برخی از بندهای سیاست‌های کلی انتخابات با موانعی درگیر است؛ که ناشی از نبود بستر در آن حوزه یا ناشی از عدم اجرای صحیح قانون می‌باشد که در ادامه به تفصیل به این موانع خواهیم پرداخت.

در بند اول سیاست‌های کلی انتخاباتی مقام معظم رهبری به بحث تعیین حوزه‌های انتخابی با محوریت عدالت پرداخته‌اند. در همین راستا به یکی از موانع که موجب شده این مهم به خوبی اجرا نشود می‌پردازیم.

## تعیین حوزه‌های انتخابیه مجلس شورای اسلامی

یکی از موانع تحقق عدالت که محور بند اول سیاست‌های کلی انتخابات می‌باشد این است که در توزیع حوزه‌های انتخاباتی نبود یک قانون مدون که بتوان بر اساس آن نسبت به تعیین حوزه‌های انتخابی پرداخت. البته در خصوص پایه و مبنایی که بر اساس آن قانون تدوین شود با اختلاف نظرهایی مواجه است. به دلیل اینکه برخی قائل بر این هستند که مبنای جمعیتی می‌تواند ملاک خوبی باشد برخی دیگر تساوی کرسی‌های هر استان را دارای

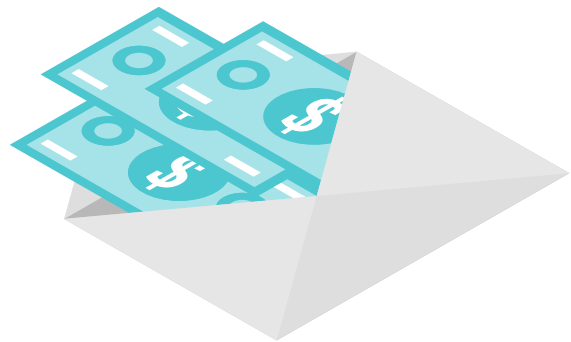
کارایی بیشتری می‌دانند. این در حالی است که در وهله اول خارج از این اختلافات مشکل نبود قانون مدونی است. البته در بحث تعیین حوزه‌های انتخابیه همان‌طوری که مقام معظم رهبری از کلیدواژه جمعیت استفاده کردند به نظر می‌رسد مولفه جمعیت می‌تواند مبنای خوبی برای تشکیل یک قانون مناسب باشد. چراکه فلسفه تعیین حوزه‌های انتخابی برای رسیدگی به مشکلات آن منطقه است؛ نه اینکه کرسی‌های یک استان نسبت به استان دیگر مساوی باشند امکان دارد یک استان از یک استان دیگر جمعیت بیشتری داشته باشد و به تبع آن مشکلات بیشتری اصلاً مبنای اینکه ما یک حوزه انتخابی مستقلی می‌خواهیم قرار بدهیم این است؛ که نماینده کافی برای رسیدگی به مشکلات کلان آن منطقه وجود داشته باشد. در این خصوص می‌توان گفت که یکی از دلایل عدم پیشرفت متناسب با ظرفیت‌های موجود در برخی مناطق کشور ازدیاد جمعیت در یک منطقه و تنها وجود یک نماینده در آن منطقه که حتی مجال سرکشی به آن مناطق را به دلیل مشغله‌های زیاد ندارد. البته در این زمینه به نظر می‌رسد ایجاد یک سیستم شفاف که مردم و نخبگان بتوانند به راحتی به آن مراجعه کنند و دلایل عدم مستقل شدن آن حوزه انتخابی را ببینند می‌تواند در جهت امیدبخشی به مردم و شفافیت هر چی بیشتر و عدالت کمک شایانی بکند. البته این سیستم باید ویژگی بروز بودن را داشته باشد؛ در غیر این صورت اثر سو خواهد داشت.

چند بند مهم و سرنوشت‌ساز انتخابات بحث شفافیت‌های منابع مالی، ممنوعیت استفاده از منابع بیگانگان و ممنوعیت وعده‌های انتخاباتی خارج از اختیارات می‌باشد؛ که برای آن مانعی جدی و چالشی وجود دارد؛ که حل آن می‌تواند میدان انتخابات را برای همه افراد یکسان کند. در ادامه به این مانع که عدم وجود بستر الزام‌آور تبلیغاتی است می‌پردازیم.



## شفافیت مالی، منابع مالی بیگانگان و وعده خارج از اختیارات

امروز در کشور ما در تبلیغات انتخاباتی یک نوع آزادی بیش اندازه وجود دارد. یک کاندید برای انتخابات از همه تبلیغاتی می‌تواند استفاده کند؛ البته آزادی که عنوان شد در چارچوب خاصی وجود دارد. اما چرا نباید در کشور بر اساس قانون مسیر تبلیغات را مشخص کنیم. باین وجود امروز با توجه به سیر تبلیغاتی در انتخابات؛ شفاف‌سازی در این بستر بسیار سخت است. چراکه یک کاندید برای اینکه بتواند از تبلیغات بیشتری برخوردار باشد. نیازمند حمایت‌های مالی سنگین می‌باشد. امروز حتی اگر یک فرد دغدغه‌مند و شایسته بخواند وارد میدان انتخابات شود می‌تواند وارد شود؛ اما اگر از حمایت مالی خوبی برخوردار نباشد نمی‌تواند به خوبی خود را و اهداف و برنامه‌های خود را مطرح کند.



اصلاً اگر بخواهیم واقع‌نگر باشیم می‌بینیم که در بحث انتخابات بحث راجع به برنامه‌های یک کاندید نیست بلکه بحث میزان مطرح شدن است؛ که حمایت مالی در اینجا نقش کلیدی دارد. حال این می‌تواند نقطه ضعفی برای ما باشد چراکه دشمنان می‌توانند از این حربه استفاده کرده و نسبت به حمایت مالی قوی از یک کاندید در انتخابات استفاده کرده و یکسری افراد منفعل که نمی‌توانند به درستی تصمیم‌گیری کنند را راهی کرسی‌های مسئولیتی کشور کند. ما اگر بتوانیم این بحث تبلیغات را در کشور در یک سیر مناسب قرار بدهیم که تماماً بر همه کارهای کاندیدها نظارت داشته باشیم منتج خواهد شد که ما دیگر با وعده‌های انتخاباتی که فراقانونی و خارج از اختیارات یک نماینده باشد مواجه نخواهیم شد. شما ببینید بخش اعظمی از تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری در بستر رسانه ملی می‌باشد و کاندیدها در وعده انتخاباتی با دقت بیشتری عمل خواهند کرد؛ چراکه می‌دانند اگر وعده‌ی انتخاباتی دهند که خارج از اختیارات قانونی آن‌ها باشد واکنش کارشناسان و حتی مقام‌های نظارتی را در پی خواهد داشت. اما در انتخابات مجلس و حتی شوراهای هم‌چنین فضایی حاکم نیست و ما در بجهت انتخابات می‌بینیم؛ که برخی از این کاندیدها وعده‌هایی فراقانونی و اختیاراتی می‌دهند؛ البته در نظر مردم برای تعیین کاندید منتخب هم بی‌تأثیر نیست. این وعده‌ها نه تنها نقض قانون بلکه باعث ناامیدی مردم به جهت اینکه در آینده قابل تحقق نخواهد بود. لذا می‌طلبید اقدامی مؤثر در این حوزه انجام شود تا با ایجاد بستری از سوی قانون‌گذار که در این بستر دیگر از فضایی آزاد خبری نیست حتی می‌توان کاندیدها را به چند برنامه محدود

کرد و برای اجرای خارج از این‌ها ضمانت اجرایی قرارداد. با این محدودیت‌های تبلیغاتی برای کاندیدها تبلیغات می‌توان راه ورود منابع مالی بیگانگان را و حتی راه حمایت‌های مالی داخلی که آن هم دارای آثار بسیار مخربی است گرفته شود؛ حمایت مالی داخلی به دلیل اینکه همراه با انتظاراتی است و برای برآورده کردن آن‌ها امکان دارد نماینده انتخابی بخواهد اقداماتی خارج از وظایف خود کند.

یکی از موانع که در آخرین بند سیاست‌های کلان انتخاباتی بیان شده است اجرای انتخابات توسط وزارت کشور است که در ادامه به موانع آن خواهیم پرداخت.

### اجرای انتخابات توسط وزارت کشور

این بند ناظر بر اجرای انتخابات است. وزارت کشور به عنوان مجری انتخابات خواهد بود. اینجا مانعی که به نظر می‌رسد در برخی مواقع چالش‌هایی ایجاد می‌کند همین مجری بودن وزارت کشور است؛ به دلیل اینکه وزارت کشور به عنوان یک وزارتخانه که از سوی دولت مستقر مسئولیتش انتخاب شده است؛ چگونه می‌تواند اصل بی‌طرفی را به خوبی رعایت کند البته امروز در قوانین کشور از نهاد‌های مختلف و انقلابی ناظر بر بحث انتخابات هستند که در دوره‌های مختلف نشان داده‌اند که فراجناحی عمل خواهند کرد و جانب حق و صیانت‌کننده رای مردم هستند اما به هر جهت ما باید بستری را انتخاب کنیم که راه هیچ‌جانب‌داری وجود نداشته باشد در انتخابات اختیارات و وظایف وزارت کشور به عنوان اجراکننده انتخابات را نمی‌توان نادیده گرفت و به نظر می‌رسد؛ اگر در این خصوص سازکاری طراحی شود؛ که بحث اجرای انتخابات بر عهده وزارت کشور نباشد و صرفاً بحث نظارت بر عهده آن باشد بستر جانب‌داری از مجری انتخابات گرفته خواهد شد. امروز با توجه به ساختارهای نظارتی قوی که از سوی نهاد مختلف وجود دارد اگر آن موضوع مجری انتخابات به یک نهاد بی‌طرف که درآمدن دولت بعدی هیچ سود و منفعتی نداشته باشد داده شود انتخابات در کشور ما به الگویی بی‌مانند تبدیل خواهد شد. و البته ما مفتخریم در کشوری زندگی می‌کنیم که تمام مسئولین کشور با رای مستقیم و غیرمستقیم مردم در بستر انتخاباتی سالم انتخاب خواهند شد. امید است که موانع پیش روی اجرای این سیاست‌های کلان انتخاباتی برداشته شود چراکه انتخابات شریانی حیاتی مقبولیت یک نظام است.

## مهدی مظفری اناری

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید باهنر کرمان  
Mahdi.mozafari@flt.uk.ac.ir



### یادداشت ۱۵

## تکالیف و وظایف دستگاه‌ها در تحقق بندهای ۳ و ۸ سیاست‌های کلی انتخابات

تحول و تعالی در عرصه سیاست‌های عمومی کشور است، تبلیغات و آگاهی‌بخشی انتخاب‌کنندگان از برنامه‌ها، دستاوردها و اهداف نامزدهای انتخاباتی یکی از دغدغه‌های مهم در این حوزه خاص محسوب می‌شود. هریک از افراد جامعه در هر سطح از تحصیلات علمی، نیازمند دریافت اطلاعاتی موثق و قابل‌اعتماد از نامزدهای انتخاباتی جهت انتخابی بهتر و کارآمدتر است. اما متأسفانه رویه کنونی استفاده حداکثری از تبلیغات سنتی چون بنر، پوستر و تبلیغات کاغذی است که علاوه بر صرف هزینه‌های سنگین بر افراد و گروه‌های سیاسی و تبعات مسلم آن در تخریب سیمای شهرها و روستاها، اهداف مدنظر را نیز به درستی به سرانجام نمی‌رساند و بعضاً مورد توجه مخاطبان قرار نمی‌گیرد. این است که وظایف دستگاه‌هایی چون صداوسیما، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت کشور در این عرصه خطیر خود می‌نماید. در حقیقت می‌بایست سازوکاری متقن تدارک دیده شود تا داوطلبان انتخابات در کلیه انتخابات کشور اعم از مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و شوراهای اسلامی شهر و روستا از ظرفیت برابر و متساوی امکانات عمومی کشور در حوزه صداوسیما و فضای مجازی بهره‌مند شده و بدین وسیله گامی بلند در جهت نیل به تحقق آرمان‌های انتخابات و سیاست‌های کلی انتخاباتی برداشته شود. استفاده از ظرفیت برابر رسانه ملی و استانی و فضای مجازی مزایای مهم و قابل توجهی دارد؛ اولاً مردم به دنبال کسب اخبار و اطلاعات از مجاری موثق و قابل‌اطمینان هستند و از آنجایی که دولت در این عرصه نسبت به اشخاص حقیقی از قابلیت‌اطمینان والایی برخوردار است، می‌توان به سخنان نامزدها و اظهارات مستند به ایشان از درگاه‌های دولتی بیشتر امیدوار بود. ثانیاً گام برداشتن به سمت تبلیغات الکترونیکی و فضاهای سمعی و

سیاست‌های کلی انتخابات، چارچوب‌هایی عام الشمول و فراگیر در حوزه انتخابات به شمار می‌روند که مقام معظم رهبری با نگاهی همه‌جانبه و راهگشا، در ۱۳۹۵/۷/۲۴ ابلاغ فرموده‌اند. این سیاست‌ها همچون قانون اساسی و نظریات تفسیری و مشورتی شورای نگهبان لازم‌الاتباع بوده و ضرورت اتخاذ تدابیر لازم جهت عملیاتی و اجرایی نمودن آن بیش‌ازپیش در جامعه احساس می‌شود. در حقیقت همان‌گونه که اهتمام قوای سه‌گانه و دستگاه‌های دولتی (دولت در معنای عام) بر اجرایی نمودن قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی احساس می‌شود، این اهمیت می‌بایست به طریق اولی در سیاست‌های کلی انتخابات نیز مدنظر قرار گیرد. کلیه بندهای این ابلاغیه از اهمیت والایی برخوردارند اما به عقیده نگارنده بندهای سوم و هشتم که ارتباط معناداری با فرهنگ و ارتباطات عمومی جامعه دارد، واجد اهمیت و اولویتی ویژه هستند و لزوم بررسی تکالیف و وظایف دستگاه‌ها در این دو بند نیازمند بررسی و تحقیق است.

در بند سوم این سیاست‌ها «بهره‌مندی داوطلبان در تبلیغات انتخاباتی با تقسیم برابر متناسب با امکانات در هر انتخابات حسب مورد از صداوسیما و فضای مجازی و دیگر رسانه‌ها و امکانات دولتی و عمومی کشور» مورد اشاره قرار گرفته است. امروزه در عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات، اعضای جامعه عمدتاً از طریق فضاهای سمعی و بصری اطلاعات و دانش و آگاهی لازم در امورات مختلف خود را تحصیل می‌کنند؛ به تعبیر بهتر رسانه‌های دیداری و شنیداری به‌عنوان مرجع قابل‌اتکایی برای آگاهی مردم از تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر شئون جامعه کاربرد دارند. در انتخابات که یکی از ارکان اصلی نظام مردم‌سالاری دینی به شمار می‌رود و در حقیقت عنصر سازنده و تأثیرگذار در



می‌رود. از طرف دیگر این مشارکت لازم است با رقابتی سالم، امنیتی تضمین شده و سلامت آرای مردمی همراه باشد. تحقق این همه ارکان پیش‌گفته می‌تواند از رهگذر فرهنگ‌سازی و گفتمان‌سازی فرهنگ انتخابات در نظام جمهوری اسلامی صورت گیرد. امروزه آگاهی‌چندانی از اهمیت و نقش انتخابات در تحولات سیاسی و جنبه‌های مختلف شئون زندگی وجود نداشته و مردم و به خصوص جوانان چندان به این نقش خطیر توجه نمی‌کنند. علاوه بر جنبه‌های دیدنی رای که حق الناس بوده و نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت از باب علمی نیز اهمیت استفاده صحیح از حق رای و شناخت کارکرد طریقیّت مدار آن در وصول به اهداف متعالی نظام مقدس جمهوری اسلامی و آرمان‌های مشترک ملت، راهگشا و قابل توجه است. این وظیفه خطیر نیز بر عهده دستگاه‌های متولی فرهنگ و آموزش عالی و آموزش و پرورش است. فرهنگ انتخاباتی می‌تواند نامی درست و به جا برای این امر باشد.

وزارت آموزش و پرورش تا چه اندازه در این راستا به تولید محتوا و آموزش فرهنگ صحیح استفاده از حق رای در بین جوانان و نوجوانان دانش‌آموز پرداخته است؟ در کنار آن وزارت علوم و دانشگاه‌ها نیز چندان توجهی به این امر مهم ننموده و صرفاً برگزاری چندین نشست تبلیغاتی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با حضور نامزدها، تنها فعالیت انتخاباتی این مراکز به شمار می‌رود. اما اگر بخواهیم در عین مشارکتی حداکثری، رقابتی صحیح و توأم با احترام و عاری از هرگونه جرم و تخلف را شاهد باشیم، می‌طلبید تا دستگاه‌هایی چون وزارت آموزش و پرورش، وزارتخانه‌های علوم تحقیقات و فناوری و فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری و استفاده از رهنمودهای شورای نگهبان و تجارب ارزنده و نکات قابل توجه انتخاباتی، به تولید محتوایی فاخر در این عرصه پرداخته و با ترویج فرهنگ سالم انتخاباتی، هم از وقوع جرائم انتخاباتی پیشگیری نمایند و هم انتخاباتی سالم، شایسته و سرنوشت‌ساز را به ارمغان آورند. البته در حوزه تولید محتوای آموزشی برای مدارس و دانشگاه‌ها لازم است از صاحب‌نظران و مؤلفان کتب حقوق اساسی و همچنین سازمان پژوهش و نوآوری کتب درسی نیز بهره گرفته و با نگاهی همه‌جانبه و کارآمد اقدام به تولید و سرفصل‌های درسی با محوریت انتخابات، اهداف، جایگاه و فرهنگ صحیح انتخاباتی نمایند. امید است دستگاه‌های متولی در کشور در راستای تحقق سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری همت نموده و با تشریک ساعی و همگام با قانون اساسی و قوانین و مقررات جاری کشور مشکلات و نواقص احصا و راهکارهای

بصری در فضای الکترونیک این مزیت را دارد که هم از حجم انبوه تولید محتواهای کاغذی در این عرصه کاسته شده و منظر و نمای شهرها مصون می‌ماند و هم در منابع و امکانات نیز صرفه‌جویی و در عین حال شفافیت حاصل می‌گردد. ثالثاً تبلیغات امروزه گام اول در رقابت میان نامزدها بر سر کرسی‌های انتخاباتی است. هر قدر تبلیغات و جلب اعتماد عمومی بیشتر باشد، اقبال مردم با کاندیدای مورد نظر بیشتر خواهد بود. اما گاهی اوقات افرادی برجسته و توانمند که واجد شایستگی‌های لازم جهت تصدی کرسی‌های انتخاباتی هستند، به جهت فقدان منابع و امکانات مالی، نمی‌توانند به نحو شایسته‌ای برنامه‌ها، اهداف و تبلیغات خود را به معرض عموم جامعه گذاشته و از این حیث در فضای نابرابر با رقیب قرار می‌گیرند. بهره‌مندی از فضاهای عمومی رسانه‌ای این امکان را فراهم می‌کند که تبعیض در تبلیغات کاهش یافته و نامزدها در عین رقابتی سالم و بهره‌مندی از ظرفیت‌های تبلیغاتی موثوق، از هرگونه جرم و تخلف نیز به دور باشند. این مهم اولاً بر عهده سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران و دفاتر استانی آن در جای‌جای کشور است؛ صداوسیما با گسترش ظرفیت‌های ارتباطی و پوشش حداکثری رسانه ملی در شهرها و روستاها و از طرف دیگر اتخاذ تدابیر لازم جهت هماهنگی با نامزدها و احصاء موضوعات قابل طرح در تبلیغات رسانه‌ای و جلسات توجیهی با آن‌ها می‌تواند بخشی از برنامه‌های تبلیغاتی نامزدها را پوشش دهد؛ امری که به خوبی در انتخابات اخیر ریاست جمهوری ۱۴۰۰ صورت گرفت و با استقبال گسترده مردم از رسانه ملی روبرو شد. در کنار صداوسیما، وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات و وزارت کشور نیز مسئولیتی همگام دارند. وزارت ارتباطات لازم است در جهت پوشش گسترده اینترنت در جای‌جای کشور و در راستای هماهنگی با وزارت کشور و شورای نگهبان، بستری امن جهت پوشش تبلیغات سراسری نامزدها فراهم آورد و این بستری را به طور رایگان در اختیار مردم قرار دهد. در حقیقت اختصاص بودجه‌ای متناسب (با رعایت اصل ۷۵ قانون اساسی) به این امر و ایجاد فضایی امن و قابل کنترل در نرم‌افزارها و پیام‌رسان‌های ملی کشور با اینترنت رایگان می‌تواند این ظرفیت را به وجود آورد تا علاوه بر استفاده حداکثری مردم از پیام‌رسان‌های داخلی، در هزینه و وقت نیز صرفه‌جویی گردیده و تبلیغات مکفی به مخاطبان ارائه گردد.

بند هشتم سیاست‌ها نیز بندی مهم و قابل توجه به شمار می‌آید. «ارتقاء سطح شناخت و آگاهی و آموزش‌های عمومی و ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن در فرهنگ عمومی و تعیین قواعد و ضوابط رقابت سیاسی سالم به منظور افزایش مشارکت و حضور آگاهانه و بانشاط مردم و کمک به انتخاب اصلاح» به عنوان هشتمین سیاست کلی انتخابات مورد توجه مقام معظم رهبری بوده است. امروزه فرهنگ‌سازی انتخابات و توجیه و تبیین فرهنگ انتخاباتی ضرورتی انکارناپذیر دارد که تاکنون کمتر به آن پرداخته شده است. مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب بسیار به گفتمان‌سازی در عرصه انقلاب اسلامی و دستاوردها و فرصت‌های به دست آمده تأکید نموده‌اند. گفتمان‌سازی و ترویج اهمیت و ضرورت انتخابات در پیشرفت اهداف والای نظام جمهوری اسلامی و سرنوشت مردم امری است که بیش از پیش در فضای عمومی کشور احساس می‌شود. در حقیقت مشارکت حداکثری رکنی تأثیرگذار برای انتخاباتی سالم و موفق به شمار



میثم پشایی

عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان

## یادداشت ۱۶

## بررسی و تحلیل سیاست‌های کلی انتخابات

تعداد کرسی‌های محدوده‌ی جغرافیایی خاص می‌باشد، می‌توان گفت حوزه‌های انتخابیه یک واحد سرزمینی است که در آن رأی‌گیری تعیین می‌کند چطور کرسی‌های پارلمان میان احزاب و کاندیدها توزیع گردد. (نوروزیان، ۱۳۹۳). در حقیقت سیاست‌های کلی انتخابات به دنبال ایجاد تناسب و عدالت در تعیین حوزه‌های انتخابیه است زیرا ایجاد حوزه‌های نابرابر به لحاظ جمعیتی وسیله‌ای منفی و انحرافی جهت افزایش توان و تأثیر برخی از رأی‌دهندگان در انتخابات است، مثلاً اگر در یک دولت، یک حوزه انتخاباتی دارای ۱۰۰ نفر رأی‌دهنده، حق انتخاب یک نماینده را داشته باشد در حالیکه در حوزه‌ای دارای ۱۰۰۰ نفر جمعیت نیز دارای یک نماینده باشند آراء نابرابر خواهد بود زیرا وزن سیاسی رأی‌دهندگان حوزه نخست ۱۰ برابر بیشتر از حوزه دوم است. (عباسی، ۱۳۸۹) البته حوزه‌ها نه از حیث تعداد و نه از حیث جمعیت امری ثابت نمی‌باشد زیرا جمعیت کشورها در حال تغییر است بنابراین اگر شمار نمایندگان و توزیع آنان در رابطه با دگرگونی‌های جمعیت تغییر نکند، طبعاً نوعی بی‌عدالتی و نابرابری در حقوق انتخاباتی شهروندان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود، به‌طور کلی تقسیم کشور به حوزه‌های انتخاباتی موجب می‌شود که میان رأی‌دهنده و انتخاب شونده، نزدیکی بیشتری احساس شود و با حوزه‌بندی بهتر می‌توان به ارزشیابی و تخمین نسبتاً دقیق جامعه رأی‌دهنده در هر حوزه دست یافت (قاضی، ۱۳۸۸) در اصل ۶۴ قانون اساسی درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی کرسی‌ها و حوزه‌های انتخابیه مورد تأکید قرار گرفته است اما درباره سایر انتخابات باید به قوانین عادی رجوع کرد.

اضافه می‌شود که در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا، حوزه‌های انتخاباتی، چند نمایندگی و شیوه انتخاب، جمع‌گزیی است؛ بدین معنا که جمعیت ساکن در روستا یا شهر در برگ رأی خود اسم چند نفر را می‌نویسند اما در

سیاست‌گذاری در امر کشورداری عبارت است از تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی است که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعیتی ملت تأمین می‌شود. همچنین سیاست‌گذاری از امور مدیریت سیاسی به شمار می‌رود که متکی به اصول مهم برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و نظارت و کنترل است از سوی دیگر دولت در جریان اجرا ناگزیر از تدوین سیاست‌های عملی متنوع و متناوب با زمان و مکان است بعلاوه اینکه تعیین و اجرای سیاست متکی به سلسله تلاش‌هایی است که تنها با مشارکت و مساعی هماهنگ ارکان زمامداری و اجرا در مجموعه حاکمیت امکان‌پذیر خواهد بود و بنابراین نمی‌توان آن را بر عهده یک فرد یا مقام هرچند عالی تصور نمود. (هاشمی، ۱۳۸۹). تعیین سیاست‌های کلی اختصاص به کشور ندارد بلکه این امر در کشورهای دیگر و در سایر نظام‌های قانونی مرسوم بوده و هست. برداشت‌های مختلفی از قانون اساسی، ناپایداری پارلمان، دولت و قوانین عادی و تأثیرپذیری آن‌ها از سلاقی متفاوت سیاسی عواملی هستند که کشورها را به سوی تعیین سیاست‌های کلی سوق می‌دهد. (موسی زاده، ۱۳۸۷) در حقیقت سیاست‌های کلی انتخابات از جمله اسناد بالادستی است که با توجه به مقتضیات جامعه توسط بالاترین مقام کشور پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و ابلاغ می‌گردد و از نظر سلسله‌مراتب، مادون قانون اساسی و فراتر از قانون عادی تلقی می‌گردد.

## مؤلفه‌ها و شاخصه‌های مهم سیاست‌های کلی انتخابات:

**۱- حوزه‌های انتخاباتی بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر:** حوزه‌های انتخابی نقش تعیین‌کننده‌ای در سازمان‌دهی و تعداد کرسی‌های مجلس دارد که امروزه در قوانین انتخاباتی بخشی از مواد معمولاً به حوزه‌بندی انتخابات اختصاص دارد؛ حوزه انتخابیه از سویی قلمرو سرزمینی انتخابات را مشخص می‌کند و از سویی تعیین‌کننده

تخلف و موارد الزامی به رعایت در فعالیت‌های تبلیغاتی را معین کرده است. باین‌حال تبلیغات انتخابات وضعیت نابسامانی دارد و قانون انتخابات، در این زمینه دارای نواقص فراوانی است که لازم است مورد تجدیدنظر واقع شود. همچنین قانون‌گذار فعالیت‌های تبلیغاتی را تعیین نکرده بلکه با نگاه سلبی، نیاید‌های تبلیغات انتخابات را برشمرده است. (احمدی، ۱۳۸۹)

**۳- هزینه‌های انتخاباتی:** مطابق با بند ۴ سیاست‌های کلی انتخابات باید حدود و نوع هزینه‌های انتخاباتی و منابع مجاز و غیرمجاز تعیین شوند و هزینه‌ها باید شفاف‌سازی شده و مراجع نظارتی با تخلفات مالی برخورد نماید. اهمیت بحث هزینه‌های انتخاباتی به این دلیل است که هر کاندیدایی بتواند هزینه بیشتری را برای امور انتخابات داشته باشد امکان اقبال عمومی به وی نیز بیشتر می‌شود چراکه گاهی این هزینه‌ها باعث تبلیغات بیشتر شده و در نتیجه شهرت بیشتری پیدا می‌کند، در مقابل نامزدهایی که هزینه کمتری صرف انتخابات نمایند بر روی شهرت وی به صورت معکوس اثر می‌گذارد و قادر نخواهد بود برنامه‌های خود را به نحو احسن در اختیار افکار عمومی قرار دهد بنابراین طبیعی است کسی که هزینه بیشتری برای معرفی خود و برنامه‌هایش داشته باشد هرچند صلاحیت کمتری نسبت به بقیه داشته باشد امکان پیروزی وی بیشتر است. در بحث هزینه‌های انتخاباتی، امکان خرید آرای اقلشار محروم جامعه وجود دارد که قدر مسلم می‌تواند از مصادیق جرائم انتخاباتی باشد اما متأسفانه در بیشتر موارد دیده نمی‌شود یا حتی اراده‌ی جدی برای مقابله با این پدیده وجود نداشته باشد. با این تفاسیر باید گفت بند ۴ سیاست‌های کلی انتخابات متوجه این آسیب‌شناسی شده که عملاً نامزدهایی بوده‌اند که به‌طور مشروع یا نامشروع با هزینه‌های زیاد علیرغم کارایی و صلاحیت لازم توانسته‌اند برنده کارزار انتخابات شوند. به همین دلیل بر ضرورت شفاف‌سازی هزینه‌ها و مشروع یا نامشروع بودن آن‌ها تأکید نموده است که در صورت خروج هزینه‌ها از مقدار متعارف و غیرمجاز بودن آن‌ها بایستی با نامزد یا نامزدهای متخلف برخورد قانونی صورت گیرد.

قوانین و مقررات مربوط به هزینه‌های انتخاباتی در برخی از کشورها از اهمیت زیادی برخوردار است مثلاً در آلمان، بخش بسیار مهم و قابل توجهی از قوانین را مسائل مربوط به نحوه هزینه کردن پول در مبارزات انتخاباتی و نحوه بازپرداخت آن‌ها از طرفی مانند یارانه‌های دولتی تشکیل می‌دهد و در برخی کشورها مثل انگلیس، قوانین انتخابات

انتخابات ریاست جمهوری و برای نماینده اقلیت‌های مذهبی در مجلس شورای اسلامی، کل کشور یک حوزه انتخابیه تلقی می‌شود. (احمدی، ۱۳۸۹) بنابراین همان‌طور که در بند ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات آمده است تعیین حوزه‌ها بر مبنای جمعیت و مقتضیات اجتناب‌ناپذیر برای رسیدن به عدالت انتخاباتی است. البته باید تصریح کرد که تعیین حوزه‌ها به انتخابات مجلس شورای اسلامی و شوراهای روستا و شهر اختصاص دارد زیرا انتخابات ریاست جمهوری دارای یک حوزه کشوری است همچنین انتخابات مجلس خبرگان رهبری دارای حوزه‌های استانی مشخص می‌باشد.

## ۲- بهره‌مندی داوطلبان از امکانات برای تبلیغات:

این شاخصه متضمن معرفی و شناساندن نامزدهای انتخاباتی از طریق امکانات تبلیغاتی مانند صداوسیما، فضای مجازی و امکانات دولتی و عمومی می‌باشد. پرواضح هست که یکی از دلایل موفقیت نامزدها، چگونگی شناسایی خود از طریق تبلیغات می‌باشد؛ در واقع نامزدها و هواداران آن‌ها سعی می‌کنند به بهترین وجه ممکن کاندیدای خود و برنامه‌های آن‌ها را در معرض دید عموم قرار دهد و آن‌کسی موفق است که بهتر بتواند جامعه را اقناع‌سازی کند. در واقع زمانی که نامزدهای انتخابات اقدام به ثبت‌نام نمودند و صلاحیت آنان از سوی مرجع ناظر مورد تأیید قرار گرفت اقدام به تبلیغ و مبارزه در انتخابات می‌نمایند که

این مبارزات نه تنها مستلزم بهره‌گیری از ابزارهای سنتی مانند آگهی‌ها، اطلاعیه‌ها، نشست‌های عمومی، رفتن به در منازل بلکه شامل مواردی مانند رادیو، تلویزیون، اینترنت، پیامک و... می‌باشد. (عباسی، ۱۳۸۹) گفتنی است در ماده ۵۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، انجام هرگونه فعالیت تبلیغاتی از صداوسیما، میز خطابه نماز جمعه و وسایل دولتی و... ممنوع می‌باشد. البته در قانون انتخابات ریاست جمهوری برای تبلیغات نامزدهای تأیید صلاحیت شده این ممنوعیت وجود ندارد زیرا طبق مواد ۶۲ تا ۶۵ نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری می‌توانند به‌طور یکسان از امکانات دولتی مانند رادیو و تلویزیون تحت نظر کمیسیون بررسی تبلیغات انتخابات استفاده نمایند هرچند به استناد ماده ۶۸ قانون اخیرالذکر، تبلیغات له یا علیه نامزدهای

ریاست جمهوری از سوی تریبون نماز جمعه یا وسایل دولتی و عمومی ممنوع می‌باشد که این ممنوعیت برای تبلیغات نامزدهای مجلس خبرگان رهبری هم وجود دارد) مستفاد از ماده ۲۵ آئین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان (مستند به مواد ۱۹ تا ۲۲ آئین‌نامه مذکور) نامزدهای مجلس خبرگان حق استفاده از امکانات صداوسیما را به‌طور مساوی در مراکز استان‌ها دارند. قوانین انتخاباتی در فصل مربوط به تبلیغات، مدت فعالیت تبلیغات انتخاباتی، موارد



انتخابات پیشگیری از جرائم و تخلفات و برخورد قاطع در صورت بروز، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود، این بحث در بند ۱۷ سیاست‌های کلی آمده است و حاوی دو جنبه است؛ از یک طرف باید از وقوع جرائم و تخلفات پیشگیری کرد و از طرف دیگر در صورت وقوع باید به صورت فوری و خارج از نوبت فوق‌العاده به آن‌ها رسیدگی کرد. به همین خاطر است که در تبصره ۷ ماده ۹ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور مکلف به نوین‌سازی شیوه‌های اخذ رأی و شمارش آراء و همین‌طور استانداردسازی صندوق‌های رأی پس از تأیید شورای نگهبان است. همچنین ماده ۱۶ قانون اخیرالذکر مأموران نیروی انتظامی را موظف به ایجاد نظم و حفاظت از صندوق‌ها کرده و حق دخالت در امور اجرایی و نظارت در انتخابات را از آن‌ها سلب نموده است. علاوه بر مواد مذکور، مواد ۶۶، ۲۲، ۱۹، ۲۵، ۵۵، نیز در راستای سلامت انتخابات مجلس شورای اسلامی تعبیه شده است. در قانون انتخابات ریاست مواد ۳۴، ۳۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۸، ۲۹ برای سلامت انتخابات وضع شده است، مثلاً ماده ۳۴ تصریح می‌دارد: تشکیلات قضایی هر شهرستان یا بخش به منظور پیشگیری از وقوع جرم ضمن هماهنگی با ناظرین شورای نگهبان و هیأت اجرایی اقدامات لازم را در محدوده‌ی مقررات معمول می‌دارد.

علاوه بر موارد مذکور، مواد ۷۴ تا ۷۷، ۸۱، ۶۹، ۶۸، آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری برای مقوله سلامت انتخاباتی خلق شده است. بنابراین سلامت انتخابات از مهم‌ترین بحث‌های سیاست‌های کلی انتخابات می‌باشد.

**فعالیت قانونی و مسئولانه احزاب و تشکل‌های سیاسی و اشخاص حقیقی:** بند ۲۹ از سیاست‌ها دقیقاً دال بر اصل حاکمیت قانون است زیرا تأکید می‌کند: " تعیین چارچوب‌ها و قواعد لازم برای فعالیت قانونمند و مسئولانه... در واقع اجرای اصل حاکمیت قانون در انتخابات سالم و آزاد این است که همه طرفین انتخابات از آغاز تا پایان در چارچوب قانون حرکت کنند و در همه فرآیندهای انتخاباتی از سلیقه‌های شخصی و رفتارهای متناقض با قانون پرهیز نمایند. (نوروزیان، ۱۳۹۳). کلی بودن، مشروعیت، عطف به ماسبق نشدن، اجرای قانون به‌وسیله دستگاه قضایی صالح، اعلام عمومی و بدون ابهام، ثبات و تداوم و قابلیت اجرایی قانون از شاخصه‌های حاکمیت قانون می‌باشند. (پروین، ۱۳۹۳) همیشه باید معیار و چارچوبی برای فعالیت احزاب، تشکل‌ها و نامزدها وجود داشته باشد وگرنه رقابت اصیل و سالم انتخاباتی وجود نخواهد داشت و ثبات و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران هم متزلزل خواهد شد. در ادامه بند ۹ سیاست‌های کلی ذکر شده که رقابت‌های انتخاباتی باید منجر به افزایش مشارکت آگاهانه و اقتدار نظام شود؛ بنابراین مشارکت با حدنصاب زیاد و توأم با هیجان‌ات شاید برای پرشور شدن انتخابات خوب باشد ولی ممکن است این نوع مشارکت منجر به انتخاب داوطلب یا داوطلبان صالح را مورد توجه قرار داده است زیرا این نوع مشارکت در عین این‌که مشارکت آگاهانه مورد توجه قرار داده است زیرا این نوع مشارکت در عین این‌که به تقویت نظام سیاسی منجر می‌شود طبعاً از درون آن افراد صالح، متعهد و متخصص نیز انتخاب خواهند شد.

**بهره‌مندی از فناوری‌های نوین:** در بند ۱۲ سیاست‌های کلی انتخابات، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای شفافیت

را باید قوانین مربوط به نحوه هزینه کردن پول در مبارزات انتخاباتی دانست، همچنین در فرانسه دو کمیسیون شفافیت مالی فعالیت‌های سیاسی و کمیسیون ملی حساب‌های مرتبط با رقابت انتخاباتی و سیاسی وظیفه رسیدگی و نظارت بر هزینه‌های تبلیغات را بر عهده دارد در حالی‌که قوانین انتخاباتی در ایران به سبب مشخص نکردن تکلیف هزینه‌های انتخابات و استفاده از شیوه‌های غیرمعارف نظیر برگزاری برخی اجتماعات و میهمانی‌ها و کارناوال‌ها و توزیع نامناسب و نصب پوسترها، تراکتها و عکس، نوعی آشفتگی را در فعالیت‌های تبلیغاتی ایجاد نموده است. قوانین فاقد سازوکار مناسب برای نظارت و کنترل هزینه‌های انتخابات و شفاف‌سازی این هزینه‌ها است. بنابراین هزینه‌های انتخاباتی نیازمند قانون جامع و نیازمند سازوکاری مناسب برای کنترل و نظارت می‌باشد. (احمدی، ۱۳۸۹)

**۴- ممنوعیت وعده‌های خارج از اختیارات قانونی:** این موضوع در بند ۵ سیاست‌های کلی تحت عنوان "ممنوعیت هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر با امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی" ذکر شده است. در تفسیر این بند از سیاست‌ها می‌توان گفت که مستفاد از مواد ۶۶ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ۳۳ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ۷۵ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری جرائم انتخاباتی مشخص شده که تخریب، تهدید و تطمیع به‌عنوان جرائم انتخاباتی مورد تأکید قرار گرفته است و از این نظر مشکل قانونی وجود ندارد هرچند در زمینه‌های اجرای قانون مشکل داریم. نکته قابل‌ذکر این است که وعده‌های خارج از اختیارات قانونی صریحاً جرم‌انگاری نشده است البته شاید این ادعا مطرح شود که وعده‌های غیرقانونی جزو موارد تطمیع است که مطابق قانون اساسی و قوانین و مقررات عادی وظایف نمایندگان مجلس منحصر به دو وظیفه‌ی قانون‌گذاری و نظارت بر آن است اما متأسفانه دیده می‌شود نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی در موسم انتخابات شعارها و وعده‌هایی می‌دهند که خارج از صلاحیت قانونی آنان است مانند انجام امور اجرایی در صورتیکه در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است مگر اینکه قانون تجویز کند و این اصل با قاعده فقهی عدم ولایت تشابه معنوی و مبنایی دارد (طباطبائی مؤتمی، ۱۳۸۷ و گرجی از ندریانی، ۱۳۹۴) البته یک‌زمانی وعده‌های انتخاباتی داخل در صلاحیت نامزدها می‌باشد مانند کنترل تورم، ایجاد اشتغال و سایر امور اجرایی اما گاهی اجرای این وعده‌ها طبیعی به نظر نمی‌رسد و ممکن است مدت‌زمان بیشتری برای اجرای آن‌ها لازم باشد، اینجا هم می‌توان گفت که وعده‌های قانونی به دلیل عدم اجرای به‌موقع، نامزد یا نامزدهای ادعاکننده را در معرض خلف وعده قرار می‌دهد.

**۵- سلامت انتخاباتی:** سلامت انتخابات مجموعه‌ای از یکسری عناصر، استانداردهای مبتنی بر شاخصه‌های نظام مردم‌سالار، اقدامات و مکانیزم‌هایی برای حمایت از اصول ماهوی انتخابات آزاد می‌باشد و زمانی می‌توان گفت انتخابات سالم است که ویژگی‌های خاصی مانند اصل صحت و دقت، اصل امنیت، اصل قطعیت، اصل معتبر بودن و اصل اعتماد عمومی را داشته باشد. (نوروزیان، ۱۳۹۳) برای سلامت در

هشدار به مسئولین ذی‌ربط بود تا احیاناً آرای مردم نادیده گرفته نشود؛ زیرا در حکومت دینی نظارت علاوه بر جنبه‌ی بیرونی، جنبه‌ی درونی دارد که مقام معظم رهبری با حق‌الناس دانستن رأی مردم، مسئولان را به رعایت به تقویت درونی تشویق نموده‌اند.

رکن دیگر رعایت بی‌طرفی مسئولان انتخابات می‌باشد با این توضیح که اگر مسئولان بی‌طرف نباشند حقوق و آزادی‌های مردم تضییع شده و در نتیجه انتخابات بی‌اثر و صرفاً یک امر نمایشی و صوری می‌شود. بنابراین در یک نظام دایره‌دار مردم‌سالاری دینی، قوای عمومی باید در انتخابات و مبارزات انتخاباتی کاملاً بی‌طرف باشند ولی در عمل ممکن است دولت از راه‌های متعدد و کم‌وبیش پنهانی به کمک نامزدهای هم‌فکر خود بپردازد، ادارات، کارمندان و امکانات مادی و معنوی آن‌ها نیز ممکن است از این بی‌طرفی سرپیچی کنند (عباسی، ۱۳۸۹) اما آن‌طور که در سیاست‌های کلی آمده است اگر بی‌طرفی رعایت نگردد باید با متخلفان برخورد مؤثر قانونی شود.

یکی از تضمین‌های مناسب برای رعایت اصل بی‌طرفی بند ۱۶ سیاست‌های کلی انتخابات است که متعاقب آن نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه و... از ورود به انتخابات منع شده‌اند. اما نکته‌ای که نباید از اذهان دور داشت این است که باید میان حق رأی نظامیان به عنوان مشارکت و دخالت آن‌ها در امر اجرای انتخابات تمییز قائل شد و ممنوعیت آنان را به دخالت در انتخابات تفسیر کرد.

آن‌چنان که حقوق‌دانان گفته‌اند علت منع نظامیان به این دلیل است که به سبب سلسله‌مراتب شدید در سازمان‌های نظامی و انتظامی، ممکن است جواز شرکت در انتخابات، سوءاستفاده‌هایی را به دنبال داشته و افسران ارشد، نظامیان را به جانبداری از نامزدها یا احزاب مورد حمایت آن‌ها وادار نمایند، دلیل دیگر اینکه وارد شدن سیاست در تشکیلات ارتش و سازمان‌های انتظامی تالیهای فاسدی مانند گروه‌بندی‌ها، عدم اطاعت‌ها و از میان رفتن یکپارچگی و انضباط را موجب گردد (قاضی، ۱۳۸۸) اما همان‌گونه که گفته شد نباید نظامیان را از شرکت در انتخابات و دادن رأی محروم کرد بلکه این محرومیت باید در عدم‌مداخله آن‌ها تفسیر شود. لازم به ذکر است هر مأمور دولتی اعم از مأموران دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی و سایر مأموران دولت نباید به‌جز حق رأی، در انتخابات دخالت نمایند زیرا دخالت آنان موجب خدشه‌دار شدن آراء مردم و اساساً از بین رفتن آزادی‌های مردم می‌شود و

انتخابات از صورت آزادانه و عادلانه تبدیل به انتخابات فرمایشی می‌شود و از آنجاکه در چنین انتخاباتی اراده عمومی بی‌تأثیر است بنابراین بهتر است آنرا تحمیلی بدانیم. برخی از نویسندگان با بررسی نظام انتخاباتی آمریکا به این نتیجه رسیدند که حضور مقامات انتخاباتی در ستادهای انتخاباتی از جمله نقاط ضعف موجود در نظام انتخاباتی آمریکا است و توضیح داده‌اند که این امر برخلاف سایر نظام‌های انتخاباتی است که شائبه مداخلات در انتخابات را افزایش داده است (گلشن پژوه، ۱۳۸۸)

**نظارت شورای نگهبان:** شورای نگهبان نهادی است که به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی تشکیل شده است و بر اساس اصل ۱۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات

سرعت و سلامت انتخابات لحاظ شده است. به‌خوبی از این بند استنباط می‌شود که فرآیند انتخابات باید متأثر از فناوری‌های روز باشد زیرا سیستم قدیمی باعث افزایش هزینه‌ها شده و حتی ممکن است شفافیت لازم را نداشته باشد و موجب تخدیش صحت انتخابات شود. شایان ذکر است در برخی از قوانین انتخاباتی به این بحث اشاره شده است؛ مثلاً ماده ۶۵ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی قرائت و شمارش آراء را به دو شیوه دستی و به‌کارگیری دستگاه‌های شمارشگر رایانه‌ای پیش‌بینی کرده است که البته شمارش آراء به صورت رایانه‌ای منوط به توافق وزارت کشور و هیأت مرکزی نظارت شده است. در ماده ۹ قانون انتخابات ریاست جمهوری نیز شمارش آراء با دستگاه شمارشگر امکان‌سنجی شده است اما مطابق با ماده ۲۸ مرحله پنجم آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات ریاست جمهوری همچنان قرائت و شمارش آراء به صورت دستی انجام می‌گیرد و همین وضعیت نیز درباره انتخابات مجلس خبرگان با توجه به بند ۵ ماده ۶۳ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان صادق است. تأکید می‌گردد که اصل شفافیت در انتخابات سه کارکرد دارد: الف: فراهم آوردن جنبه‌های مختلف انتخابات برای بازیگران این عرصه تا مورد بازبینی، ارزیابی و شکایت قرار گیرد. ب: اجازه به مردم تا کلیه مراحل انتخابات را مشاهده کنند. ج: در اختیار قرار دادن فرصت برای اطلاع منتقدین، مخالفین و ناظران تا از شیوه‌ی تصمیم‌گیری و مطابقت عملکردها با قوانین مطلع شوند. بنابراین استفاده از فناوری‌های نوین ابزار مناسبی برای تأمین اصل شفافیت، سرعت و سلامت انتخابات است.

**پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و رعایت بی‌طرفی:** در بند ۱۵ برای پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حمایت از حق انتخاب آزادانه، سه اقدام مهم لحاظ گردیده است؛ یک: حق‌الناس دانستن رأی مردم. دو: رعایت کامل بی‌طرفی. سه: برخورد با متخلفان. آنچه استنباط می‌شود این است که مخاطب این بند مجریان و ناظران انتخاباتی است، همان‌طور که مقام معظم رهبری در یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ فرمودند که آرای انتخاباتی حق‌الناس است و نباید خدشه‌دار شود که این جدی‌ترین



مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی را بر عهده دارد که این نظارت با توجه به نظریه تفسیری شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۷۰/۳/۱ استصوابی است و شامل تمام مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و رد صلاحیت کاندیداها می‌شود.

در تعریف نظارت استصوابی، می‌توان گفت نظارتی است که در آن اموری که مجری می‌خواهد انجام دهد باید به تأیید و تصویب ناظر برسد و بدون آن، مجری نمی‌تواند اقدامی انجام دهد و در صورت انجام، فاقد اعتبار است (آدمی ابرقویی و عطوف، ۱۳۹۲). این نظارت استصوابی در مواد ۳ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، ماده ۸ قانون انتخابات ریاست جمهوری، تبصره ۱ ماده ۹ قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری و ماده ۱ آیین‌نامه نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری مصوب ۱۳۸۵/۱/۳۰ شورای نگهبان تجلی یافته است. در بند ۱۱ سیاست‌های کلی انتخابات به صورت تلویحی مقوله نظارت عام و استصوابی شورای نگهبان با توجه به عبارت "... از جمله تأیید نهایی صلاحیت داوطلبان، رسیدگی به شکایات و تأیید یا ابطال انتخابات به منظور تأمین سلامت انتخابات، جلب مشارکت حداکثری و تأمین حقوق داوطلبان و رأی‌دهندگان..." مورد پذیرش قرار گرفته است.

اما همانطور که در زیرمجموعه‌های این بند آمده است برای این امر بایستی سازوکارهای شفاف و فراهم کردن حضور داوطلبان یا نمایندگان آن‌ها در تمام مراحل (۱-۱۱) و در خصوص دلایل ابطال انتخابات و یا رد صلاحیت در صورت درخواست آنان پاسخگویی مکتوب ارائه نماید (۲-۱۲) قابل ذکر است در سیاست‌های کلی همانند قانون اساسی و قوانین انتخاباتی برای شورای نگهبان شأن نظارتی قوی و عام در نظر گرفته شده است و این تأکید مجدد در سیاست‌های کلی بنا به تأثیرگذاری این نهاد مهم در عرصه انتخابات می‌باشد، پس اعضای محترم شورای نگهبان باید نهایت دقت را به خرج دهند تا جایگاه این نهاد مهم تخدیش نشود، برای این امر اعضای شورا باید در ایام انتخابات از موضع‌گیری‌های جانب‌دارانه خودداری کنند زیرا در غیر این صورت نمی‌توان به مشارکت حداکثری مردم امید داشت ضمن اینکه حقوق داوطلبان و شرکت کنندگان نقض می‌گردد. طبق مواد ۱۶ آیین‌نامه اجرایی قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ۵۷ قانون انتخابات ریاست جمهوری و ۲۷ آیین‌نامه قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی، شورای نگهبان به ترتیب ظرف ۵،۳۰ الی ۱۰ و ۱۰ روز می‌تواند صلاحیت، داوطلبان را بررسی نماید همچنین رسیدگی مجدد به صلاحیت رد صلاحیت شدگان انتخابات مجلس شورای اسلامی با توجه به تبصره ۳ ماده ۳۵ آیین‌نامه انتخابات مذکور حداکثر ۷ روز می‌باشد. با توجه به این توضیحات باید تصریح کرد که مهلت رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی به دلیل گستردگی حوزه‌ها و تعداد زیاد داوطلبان مناسب به نظر نمی‌رسد و شورای نگهبان فرصت کافی برای رسیدگی عادلانه همراه با استدلال‌های منطقی را در برخی موارد ندارد.

بنابراین اصلاح قوانین و مقررات در این زمینه موجه و ضروری می‌باشد. اما در رسیدگی به صلاحیت داوطلبان انتخابات مجلس خبرگان مهلت ۳۰ روزه منطقی است و جای انتقاد و اعتراض به دلیل تعداد کم حوزه‌های انتخابیه و

نامزدهای انتخابات به نظر نمی‌رسد، در زمینه انتخابات ریاست جمهوری نیز مهلت حداکثر ۱۰ روزه کافی نمی‌باشد زیرا داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری نیز زیاد هستند. با این تفاسیر اصلاح قوانین و مقررات انتخابات مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری برای افزایش مهلت رسیدگی به صلاحیت داوطلبان نیاز است یا اگر مهلت رسیدگی اصلاح نشود می‌توان با افزودن ماده واحده‌ای بر قوانین مذکور برای داوطلبان وثیقه‌های گذاشت تا اگر داوطلبان حدنصاب رأی را کسب نکردند وثیقه مذکور به نفع دولت و در خزانه ثبت و ضبط گردد، مطمئناً با تعیین وثیقه تعداد داوطلبان به شدت پایین می‌آید و آنگاه شورای نگهبان قادر خواهد بود در ظرف مهلت‌های مقرر صلاحیت کاندیداها را بررسی نماید.

برای نظارت استصوابی شورای نگهبان رعایت دو نکته لازم است: یک: باید ملاک و معیار شورای نگهبان در اعمال نظارت، قانون و مقررات جاری باشد.

دو: در امر تعیین صلاحیت، اصل بر صالح بودن اشخاص نیست، بلکه هرچند اصل بر حق کاندیدا شدن است اما صلاحیت نهایی باید توسط ناظر احراز شود (شعبانی، ۱۳۹۵) مشکل دیگری که درباره رسیدگی شورای نگهبان وارد کرده‌اند مربوط به استدلال‌های شورای نگهبان در رد صلاحیت نامزدها است، در سالیان اخیر خیلی از داوطلبان به رد صلاحیت خود اعتراض کرده و نظارت استصوابی شورای نگهبان را زیر سؤال برده‌اند؛ در جواب این گروه باید گفت که نظارت استصوابی، یک امر قانونی است و نباید به بهانه رد صلاحیت، نهاد شورای نگهبان را زیر سؤال برد چون این کار مصداقی از عدم تبعیت از قانون و نوعی خودسری است، از طرف دیگر باید اعضای شورای نگهبان در رسیدگی به صلاحیت نامزدهای انتخاباتی دقت تام و کاملی داشته باشند و با توجه به موازین قانونی اقدام به تأیید یا رد صلاحیت آنان نمایند نه اینکه با توجه به سلیقه شخصی اقدام به این امر نمایند چون در این صورت جایگاه شورای نگهبان با خطر مواجه می‌شود. بنابراین مهم‌ترین نکته‌ای که باید از سوی اعضای شورای نگهبان رعایت شود، رعایت بی‌طرفی آنان در امر انتخابات و عمل به مرقانون است.





## یادداشت ۱۷

## تکوین سیاست‌های کلی انتخابات بر بنیان حق بر آگاهی

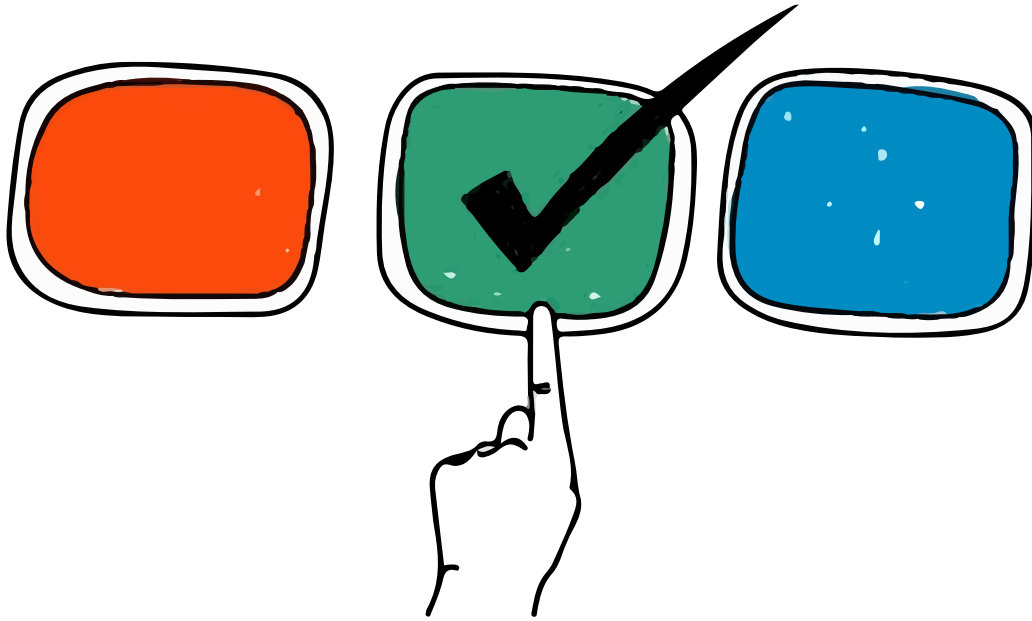
جمهوری اسلامی ایران نیز قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات کمک شایانی به این امر کرده است. طبق ماده ۲ قانون مزبور، هر شخص ایرانی حق دسترسی به اطلاعات عمومی را دارد. بر این اساس و بر بنیان ماده ۵ همان قانون و تبصره ذیل آن، مؤسسات عمومی مکلف شده‌اند که اطلاعاتی که متضمن حق و تکلیف برای مردم است از طریق انتشار و اعلان عمومی و رسانه‌های همگانی در حداقل زمان و بدون تبعیض در اختیار مردم قرار دهند.

آگاهی بخشی سیاسی و اجتماعی و حقوقی به مردم در طول دوره انتخابات از طریق نشان دادن سابقه حزبی و خط فکری داوطلبین، باعث ایجاد تمایز میان وعده دهندگان توخالی و کارآزمودگان عرصه سیاست خواهد شد و به انتخاب فرد شایسته خواهد انجامید. بر این بنیان، شناخت جریان‌های سیاسی و منش تفکری احزاب سیاسی کمک بسیار زیادی

بند ۸ و ۹ سیاست‌های کلی انتخابات تأکید بر مشارکت حداکثری مردم دارند. یکی از اهدافی که سیاست‌های کلی انتخابات در پی دارند، حضور همگانی مردم در پای صندوق آرا است لیکن مشارکت همگانی و حضور حداکثری مقید به آگاهی و کسب اطلاعات کافی در جهت انتخاب شایسته شده است. از این روی، شایسته است که آحاد مردم با در اختیار داشتن اطلاعات کافی و آگاهی از شرایط جامعه و خصوصیات داوطلبین نمایندگی نسبت به رأی دادن اقدام نمایند. از دیگر سوی، وظیفه ارکان حکومتی است که اطلاعات کافی و آگاهی شایسته را به مردم انتقال نمایند.

حق دسترسی به اطلاعات و حق بر آگاهی از اطلاعاتی که دولت در اختیار دارد در بسیاری از کشورها مورد توجه و پذیرش قرار گرفته چنان‌که برخی از کشورها این حق بنیادین و اساسی را در قوانین اساسی خود لحاظ کرده‌اند. در منظومه حقوقی





افزایش یابد میزان مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی نیز ارتقا خواهد یافت اما باید این نکته را نیز مدنظر قرارداد آنچه در سیاست‌های کلی انتخابات مدنظر قرار گرفته است حضور آگاهانه مردم است که در نتیجه، انتخاب شایسته و اصلاح را رقم خواهد. در این حالت فرد انتخاب شده آئینه‌ای از خواسته‌ها و تمنیات انتخاب‌کنندگان آگاه و دغدغه مند منافع ملی و مصالح نظام خواهد بود. بنابراین هم بر مردم واجب است که نسبت به افزایش دانش و اطلاعات خود نسبت به داوطلبین نمایندگی و جریان فکری ایشان اقدام نمایند و هم بر دستگاه‌های حکومتی واجب است که اطلاعات لازم را در اختیار انتخاب‌کنندگان قرار دهند.

در انتخاب داوطلبین انتخابات توسط مردم خواهد داشت. در واقع با شفاف کردن عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند انتخابات می‌توان کارآمدی آن‌ها را در اذهان عمومی بیشتر نمایان کرد که این امر به نوبه خود جلوی بسیاری از پیش‌دآوری‌ها و انحرافات انتخاباتی را خواهد گرفت. معنای شفافیت نیز در بند ۱۸ سیاست‌های کلی نظام اداری مورد تصریح قرار گرفته که طبق آن بند، معادل با آگاهی بخشی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری و با تأکید بر دسترسی آسان و ضابطه‌مند مردم به اطلاعات صحیح تعریف شده است. عدم وجود اطلاعات کافی، ریسک‌پذیری، تصمیم‌گیری آبی و رفتارهای هیجانی را افزایش می‌دهد. این عوامل موجب می‌شود که افراد از سبک‌های تصمیم‌گیری ناکارآمد استفاده کنند و این موضوع در امر انتخابات باعث ایجاد اثرات مخرب بلندمدتی در زمامداری کشور می‌شود. چه بسا که انتخاب از روی ناآگاهی و انتخاب هیجانی غیر کارکردی، منجر به اشتباهاتی شود که هیچ‌وقت قابل جبران نباشد. از همین روی، رسانه‌های عمومی، همچون صداوسیما به عنوان دستگاهی که می‌تواند کارکردی مهمی در این راستا داشته باشد نقش پررنگی خواهند داشت. می‌توان دغدغه نمایندگان مجلس شورای اسلامی که در ماده ۱۴ پیش‌نویس طرح اصلاح موادی از قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی باهدف استانی شدن انتخابات متبلور شده است را نیز در راستای نقش اطلاعات رسانی و آگاهی بخشی به مردم در امر انتخاباتی قلمداد کرد.

بر اساس این ماده، سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران مکلف است به منظور ترویج هنجارهای انتخاباتی و نهادینه کردن آن‌ها در فرهنگ عمومی علاوه بر تبیین جایگاه مجلس شورای اسلامی و وظایف نمایندگان قواعد و ضوابط حاکم بر فرآیند انتخابات، تبلیغات توسط نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آن‌ها و همچنین جرائم و تخلفات انتخاباتی را به نحو مناسب اطلاع‌رسانی کند. بنابراین هر چه میزان مشارکت مردم و حضور آن‌ها در فرآیند انتخابات



محمد باقر مرادی

کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم

## یادداشت ۱۸

### تحلیل بندهای سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری

انتخابات باعث مقبولیت و مشروعیت نمایندگان و نظام می‌شوند.

مقام معظم رهبری در ابلاغ سیاست‌های کلی بنا بر مصلحت‌اندیشی و توجه به خواست و نیازهای جامعه و وجود نارسائی‌هایی در قوانین انتخاباتی و در جهت رفع نواقص و ابهامات ختم‌شده سیاسی جامعه را معلوم و مشخص نمودند.

- در نگاهی جامع وضع سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری اقدامی حکیمانه و هوشمندانه بود که این اقدام بسیار ارزشمند و به نحوی اولاً ایجاد ثبات و تعادل در جامعه سیاسی ایران به وجود آورده و دوم اینکه از خودسری‌ها و خودخواهی‌ها و تصمیمات ناپخته از جانب برخی اشخاص و جریان‌ها جلوگیری به عمل آورد.

- وضع سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری باعث می‌شود تا مطالبات واقع مردم از انتخابات و متولیان و نتایج و ره‌آوردی که انتخابات در وضع جامعه سیاسی به وجود می‌آورد اخذ گردیده ارزش‌های مورد نظر ملت در قالب سیاست‌های کلی به تمامی سطوح حکومت و بدنه سیاسی آن انتقال پیدا کند و به مرحله اجرا دربیاید.

- شاه‌بیت سیاست‌های کلی ابلاغی عدالت انتخاباتی است. عدالت انتخاباتی فلسفه انتخابات است. فلسفه انتخابات آزادی، برابری و بی‌طرفی است.

حقوق انتخاباتی و قاعده آن بایستی به نحوی باشد که انتخاب شونده و انتخاب‌کننده هر دو در آرامش و آزادی کامل وظایف خود را ایفا کنند.

- حقوق انتخاباتی برای برقراری برابری است چون که در صورت حالتی جز این دیگر عدالت انتخاباتی مورد نظر مقام معظم رهبری که همان خواسته ملت است معنایی نداشته و

سیاست‌گذاری در امر کشورداری عبارت است از: « تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین می‌شود. سیاست‌گذاری از امور مدیریت سیاسی است که متکی به اصول مهم برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و نظارت و کنترل است. از سوی دیگر دولت در جریان اجرا ناگزیر از تدوین سیاست‌های عملی متنوع و متناوب با زمان و مکان است، به علاوه اینکه تعیین و اجرای سیاست متکی به سلسله تلاش‌هایی است که تنها با مشارکت و مساعی هماهنگ ارکان زمامداری و اجرا در مجموعه حاکمیت امکان‌پذیر خواهد بود و بنابراین نمی‌توان آن را به عهده یک فرد یا مقام هرچند عالی تصور نمود.

سیاست‌های کلی انتخابات از جمله اسناد بالادستی است که با توجه به مقتضیات جامعه توسط مقام کشور پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین و ابلاغ می‌گردد و از نظر سلسله‌مراتب، مادون قانون اساسی و فراتر از قانون عادی تلقی می‌گردد.

مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۹۵/۷/۲۴ پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام در راستای بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی انتخابات را ابلاغ فرمودند.

- انتخابات به معنای فنون‌گزینش و همچنین ابزاری که به وسیله آن اراده خود را در جهت تعیین نمایندگان خود و متصدیان اعمال اقتدار نظام، مداخله داده و در سرنوشت خود با این اقدام سهیم شده و با مشارکت خود در عرصه انتخابات باعث مقبولیت و مشروعیت نمایندگان و نظام می‌شوند.

- انتخابات به معنای فنون‌گزینشی و همچنین ابزاری که به وسیله آن اراده خود را در جهت تعیین نمایندگان خود و متصدیان اعمال اقتدار نظام، مداخله داده و در سرنوشت خود با این اقدام سهیم شده و مشارکت خود در عرصه

ره‌آوردی جز بی‌اعتمادی به وجود نمی‌آورد. متولیان انتخابات باید به‌گونه‌ای رفتار کنند که به فرموده مقام معظم رهبری در نهایت بی‌طرفی و به‌دوراز هرگونه جانب‌داری و تعصبات اراده ملت را از صندوق‌ها خارج و نمود واقعی یک نظام مردم‌سالار را نشان بدهند.

عدالت‌کشی‌های سیستمی و نابرابری‌های ساختاری با مبانی دینی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه سازگاری نداشته و ندارد. ولی گاهی از روی غفلت و شاید احساسات و تعصبات به‌دوراز منطق سیاسی ناخواسته در عرصه انتخابات به وجود آید که این ضد ارزش و باعث برهم خوردن توازن و برابری و به وجود آورنده حس بی‌اعتمادی در جامعه خواهد شد. بدین خاطر است که مقام معظم رهبری در این خصوص تأکید داشته و آن را مهم دانسته‌اند و بیان فرموده‌اند.

- بهره‌مندی داوطلبان از امکانات برای تبلیغات یکی از بندهای سیاست‌های کلی ابلاغی است که این امر مهم لازمه آن معرفی نامزدهای انتخاباتی از طریق امکانات تبلیغاتی حکومت از جمله: صداوسیما و امکانات دولتی و عمومی و... می‌باشد. این امر طبق قانون برای نامزدهای ریاست جمهوری بر اساس مواد ۶۲ تا ۶۵ قانون به‌طور یکسان طبق قاعده و موازین پیش‌بینی شده می‌باشد و این مؤید عدالت انتخاباتی در یک نظام مردم‌سالار است. راه حل، تعبیه سازوکارهای انتخاباتی و فراهم کردن بستری سالم برای حضور در عرصه انتخابات، وضع قواعد و قوانین شفاف و قابل فهم است.

قاعده قانون‌گذاری در انتخابات باید دقیق و شفاف باشد تا مجریان، متولیان و ناظران انتخابات بتوانند به‌دوراز جانب‌داری در کمال بی‌طرفی و فضایی سالم صرفاً تصویرگر مطالبات مردم باشند. قاعده حقوقی دولت بنیاد است اما نباید ملت ستیز باشد. باید در جهت منافع و مطالبات مردم باشد. حقوق انتخاباتی که بر اساس نظریه شهروندان وضع شود و در چارچوب قانون باشد، قطعاً مورد اقبال عمومی قرار خواهد گرفت و اثربخش و نتیجه خواهد داد.

- بر اساس مبانی دین، مؤمنان تکالیفی دارند که عرصه انتخابات و از نظر علمای دین انتخابات و حضور در آن نیز یک تکلیف دینی مضاف بر یک قرارداد اجتماعی است که هر شخص علاوه بر خود در قبال دیگران در قالب همزیستی و وظیفه دارد در سرنوشت خود و دیگران نیز حتی تأثیرگذار باشد.

- مقام معظم رهبری در بند ۱۰ سیاست‌های ابلاغی اشاره به شایستگی نامزدها و توجه مردم به انتخاب شایسته را دارند. چراکه حکومت شایستگان نیکو و ارزشمند است. در امر شایسته‌گزینی به نظر می‌رسد که انتخاب شایسته را به خود مردم بسپرد که هر که را شایسته‌تر است انتخاب نمایند. البته این شایسته بر اساس قانون و مطابق با معیارهای قانونی و دینی باشد. متولیان انتخابات در چارچوب قانون چنانچه مردم شخصی را انتخاب کردند و با معیارها مطابقت داشت نگاه خود را از بالا به پائین عوض نموده و از پائین یعنی از دید مردم ارزیابی کنند، باید دست‌مردن در انتخاب شایستگان باز باشد چراکه شایستگان مطابق و مورد نظر حکومت ترجیحاً نمی‌توانند پاسخگوی مطالبات مردم باشند چراکه مردم در انتخاب شایسته کمتر دخیل بوده‌اند.

- فلسفه سیاست‌های کلی نظام ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه‌های مختلف و اینجا در مسئله انتخابات باعث تحکیم پایه‌های قانون‌مداری و اعتماد بیشتر مردم به زمامداران و مشروعیت بیشتر حکومت خواهد شد.

- مهم‌ترین تحولی که سیاست‌های کلی انتخابات به ارمغان آورد در انتخابات و ریاست جمهوری اسلامی بود که ابهام در بحث رجل سیاسی وجود داشت و با ابلاغ سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری این موضوع بنا بر فرموده و ابلاغ مقام معظم رهبری در بند ۵-۱۰ که به شورای محترم نگهبان دستور دادند تا تعریف کامل و شفاف از معیارها و شرایطی که برای تشخیص نامزد انتخابات ریاست جمهوری تحت عنوان رجل سیاسی، مهی و مدیر و مدبر بودن لازم است ارائه دهد. البته این بدان معنا نیست که بانوان نمی‌توانند نامزد انتخابات ریاست جمهوری باشند. مهم تعریفی شفاف از کلمه رجل سیاسی است؛ البته در اینجا نقش و ایفای وظیفه احزاب پررنگ‌تر به نظر می‌رسد تا از میان آنان که معیار رجل سیاسی را دارا هستند که یک نفر را معرفی می‌کنند. تعریف شفاف از رجل یاسی باعث می‌شود تا از هجوم افراد برای نامزد شدن کاسته شود و این خود باعث می‌شود تا در تأیید صلاحیت‌ها فرصت بیشتری برای شورای محترم نگهبان به وجود آید تا با دقت کافی به پرونده نامزدها رسیدگی کنند.

نباید انتظار داشت تا با حجم زیاد نامزدهایی که ثبت‌نام می‌کنند و پرونده‌های زیادی که شورای نگهبان رسیدگی می‌کند اشتباهی صورت نگیرد چون که فرصت کم و تعداد نامزدها زیاد است و رسیدگی به پرونده‌ها گاهی اشتباهی هم شاید صورت پذیرد که این نقص قابل توجیه است و این جانب که سیاست‌های ابلاغی و دستور مقام معظم رهبری به شورای محترم نگهبان در تعریف و بیان دقیق کلمه رجل سیاسی می‌تواند باعث به وجود آمدن تحولی عظیم شود تا هم هرکسی بانگیزه‌های واهی نتواند در انتخابات ریاست جمهوری ثبت‌نام کند و هم شورای محترم نگهبان در رسیدگی‌ها جانب عدالت و دقت و حساسیت کامل را به جای آورده تا حتی از کسی ضایع نشود و جایگاه شورای نگهبان با ذهنیت اشتباهی که به‌واسطه حجم پرونده‌ها ایجاد می‌شود. این جایگاه حفظ شود و اعتماد و صلابت شورای نگهبان در اذهان عمومی خدشه‌دار نشود.

یکی از عوامل انتخابات عادلانه، نقش احزاب در جریان انتخابات و حضور آن‌ها در عرصه حیاتی و فهم انتخابات است که نمی‌توان این نقش و حضور را در عرصه انتخابات آزاد نادیده گرفت. حضور احزاب و جریان‌های سیاسی در انتخابات باعث به وجود آمدن فضای باز سیاسی همراه با آزادی و برابری است.

احزاب با ایجاد فضای رقابتی سالم و به فرموده مقام معظم رهبری در سیاست‌های ابلاغی به‌دوراز هرگونه خدشه‌دار نمودن حیثیت و آبروی طرف مقابل با یک رقابت سالم و آن‌هم رقابت در ارائه برنامه‌ها و اهدافی که باعث رونق و شکوفایی کشور و ایجاد امید در دل مردم برای آینده‌ای بهتر برای ملت از طریق ارائه خدمت صادقانه با به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود در جامعه و امکانات در دسترس باعث حضوری گسترده و با شور و شعور سیاسی و مشارکتی با درصد بالا که خود مؤید مشروعیت و مقبولیت است را فراهم آورده و

فرمودند چراکه یکی از راههای ورود پول‌های به اصطلاح کثیف از طریق همین جریان تبلیغات انتخاباتی برای نامزدهای انتخابات است.

### نتیجه

تعیین سیاست‌های کلی اختصاص به کشور ما ندارد بلکه این امر در کشورهای دیگر و در سایر نظام‌های قانونی مرسوم بوده و هست. برداشت‌های مختلفی از قانون اساسی، ناپایداری پارلمان، دولت و قوانین عادی و تأثیرپذیری آن‌ها از سلاقی متفاوت سیاسی عواملی هستند که کشورها را به سوی تعیین سیاست‌های کلی سوق می‌دهد.

مقام معظم رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت و اندیشمندان بر اساس شرایط و مقتضیات زمانی و تحولات سیاسی جامعه بر اساس قانون سیاست‌های کلی انتخابات را که عملی بسیار حکیمانه و ارزشمند بود را ابلاغ فرمودند. ابلاغ سیاست‌های کلی که از جمله اسناد بالادستی است مادون قانون اساسی و فراتر از قوانین عادی تلقی می‌گردد شاه‌بیت سیاست‌های کلی عدالت انتخاباتی است. عدالت انتخاباتی که مقام معظم رهبری به آن اشاره فرمودند باعث ثبات، تحکیم و اعتماد به حکومت و فرمانداران سیاسی و مشروعیت و مقبولیت را از طرف صاحبان اصلی که مردم هستند از نظام را به دنبال خواهد داشت. شفافیت منابع مالی نامزدها در جهت جلوگیری از ورود و تزریق پول‌های کثیف که عرصه انتخابات راهی ساده و روان برای این پول‌ها و تزریق به اقتصاد در کشور است.

و از همه مهم‌تر سیاست‌های کلی باعث شد تا ابهام و تحریفی که دیگران از کلمه رجل سیاسی در انتخابات ریاست جمهوری داشتند با دستوری که مقام معظم رهبری به شورای محترم نگهبان جهت تحیف و تفسیری قانونی از رجل سیاسی را ارائه بدهند تا راه ورود برای اندیشمندان و نخبگان سیاسی و مدیریتی باز شود و هم رجل سیاسی که شورای محترم نگهبان در ۱۳ بند، آن را به درستی تعریف نمودند از ورود بسیار زیاد و گسترده نامزدهای اضافی که کار را برای اعضای محترم شورای نگهبان سخت می‌کند و حجم زیاد پرونده‌ها برای رسیدگی و تأیید صلاحیت که به وجود می‌آورد را بسته و این حجم گسترده باعث احیاناً خطایی در رسیدگی و شاید ضایع شدن حق نامزدی می‌شد را برطرف نموده و این خود عملاً عدالت انتخاباتی را معنایی بهتر و شایسته‌تر می‌بخشد. با آرزوی سلامتی و طوبی عمر فرزانه و همه خدمتگزاران نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران.

نامزد خود را که با معیارها و منطبق بر مبانی و اصول نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشد را به مردم معرفی نموده و جامعه را به سمت فردایی بهتر رهنمون خواهد ساخت.

- بند ۹ سیاست‌های کلی ابلاغی در حضور فعالانه و قانونمند احزاب و تشکل‌های سیاسی مبتنی بر اصول و مبانی مؤید اصل حاکمیت قانون و تحکیم و ثبوت پایه‌های قانون‌مداری است.

کلی بودن، مشروعیت، عطف به سابق نشدن، اجرای قانون به وسیله دستگاه قضایی صالح اعلام عمومی و بدون ابهام، ثبات و تداوم و قابلیت اجرایی قانون از شاخص‌های حاکمیت قانون است. لذا همیشه باید معیار و چهارچوبی قانونی برای فعالیت احزاب و تشکل‌ها و نامزدهای آن‌ها وجود داشته باشد وگرنه رقابت اصل و سالم انتخاباتی وجود نداشته و معنایی ندارد و ثبات و اقتدار نظام جمهوری اسلامی ایران نیز قابل تزلزل نخواهد بود و این جانب که مقام معظم رهبری نقش و حضور احزاب و تشکل‌های سیاسی را مهم دانسته‌اند و در سیاست‌های ابلاغی بدان اشاره فرموده‌اند.

مشارکت بالا با حضور احزاب و تشکل‌ها بر اساس معیارها و در چهارچوب قانون در قالب رقابتی سالم و انتخابی آزادانه و واقعی از مولفه‌های عدالت انتخاباتی و نشانه اقتدار نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است.

- ثبات قوانین انتخاباتی، یکی دیگر از بندهای سیاست‌های کلی انتخابات ابلاغی مقام معظم رهبری است. و اینکه فرمودند به جز ضرورت مورد بازنگری یا اصلاح قرار نگیرند. یعنی قوانین انتخاباتی با روی کار آمدن نمایندگان در دوره جدید مجلس شورای اسلامی نباید تغییر داده شوند، نمی‌شود گفت هر قانونی که به دلخواه و بر اساس منافع شخصی یا نماینده‌ای نبود باید تغییر یابد. مقام معظم رهبری در سیاست‌های ابلاغی آن را مورد توجه قرار دادند و در صورتی آن را قابل بازنگری دانستند که دوسوم نماینده به آن رأی بدهند و آن هم در صورت اضطرار باشد. این یک عمل مثبت، و بازدارنده از هرگونه دست‌درازی در قوانین و نوعی سازگاری برای قوانین انتخاباتی است.

- شفافیت منابع مالی در سیاست‌های کلی انتخابات از موارد مهم و قابل تأمل است، باید منابع مالی کاندیداها کاملاً مشخص باشد یعنی منبع پول، مال چه کسی بوده، برای چه چیز و کدام منظور و چرا هزینه می‌شود. افرادی که کاندیدا را حمایت مالی می‌کنند واقع این کاندیدا در صورت نماینده شدن و امرار کسی یا کسانی است که از جانب آن‌ها حمایت مالی شده است. و نماینده به کل وظایف نمایندگی خود را که قانون‌گذاری و پرداختن به مسائل و مشکلات جامعه و نظام است را کنار گذاشته و آن وظایف را فدای مصلحت شخص دیگران می‌کند.

شفافیت منابع مالی در انتخابات باعث عدالت انتخاباتی می‌شود چراکه نامزدهای اصلاح و شایسته‌ای هستند که می‌توانند گره‌گشا بوده و صادقانه خدمت کنند ولی با حمایت‌های مالی و هزینه‌های گزاف از جانب مافیای ثروت و قدرت، نماینده‌ای فاسد را برای منافع شخصی خود روانه مجلس می‌کنند. به همین خاطر رهبر معظم انقلاب بر شفافیت منابع مالی و شخصی شدن این پول‌ها اشاره



مسعود شکوهی

دانشجوی کارشناسی حقوق

## یادداشت ۱۹

## موانع و چالش‌های سیاست‌های کلی انتخابات

اصل بی‌طرفی را رعایت نکرده بلکه به صورت آشکارا به نقض این اصل می‌پردازند. حق انتخابات آزادانه و بدون تهدید و تطمیع و صیانت از آراء مردم وظیفه اصلی و شرعی مسئولین دست‌اند کار انتخابات می‌باشد که خود نیازمند نظارت و بازرسی بر برخی مجریان می‌باشد.

یکی دیگر از مهم‌ترین بندهای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری ممنوعیت ورود نیروهای مسلح، قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های تابعه آن‌ها، دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی، سازمان‌ها، نهادها و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در دسته‌بندی‌های سیاسی و جناحی انتخاباتی و جانبداری از داوطلبان می‌باشد. از مهم‌ترین مواردی که این بند اساسی را با چالش مواجه می‌کند، نسبت قومی و فامیلی نامزدها با برخی وزرا و مسئولین و دست‌اندرکاران دستگاه‌های اجرائی کشور می‌باشد که علی‌رغم تأکید رهبر انقلاب مبنی بر عدم ورود و دخالت برخی دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها اما شاهد عدم اجرای درست این بند هستیم. همچنین وجود برخی اختلافات جناحی بین بعضی قوای می‌تواند از دیگر موانع اجرای سیاست‌های کلی انتخابات دانست چراکه این اختلافات باعث موضع‌گیری امکانات یک قوه در مقابل قوه دیگر خواهد بود.

در پایان پیشنهاد می‌شود شورای محترم نگهبان که وظیفه مهم نظارت و نگهبانی بر انتخابات را بر عهده دارد، راهکارهای مؤثر در تبلیغ، ترویج و اجرای سیاست‌های کلی انتخابات را بکار گیرد و نیز با تشکیل شوراهای کمیته‌های ویژه بازرسی، کلیه اقدامات مجریان ریزودرشت در برگزاری انتخابات و همچنین نسبت و جناح نامزدهای انتخاباتی با مسئولین اثرگذار مملکتی را بررسی، نظارت و بازرسی نماید تا شاهد اجرای هرچه دقیق‌تر رهنمودهای مقام معظم رهبری در سیاست‌های کلی انتخابات باشیم.

سیاست‌های کلی انتخابات در راستای بند نخست اصل (۱۱۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در قالب ۱۸ بند در تاریخ ۱۳۹۵/۷/۲۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ شد که دربرگیرنده بایدها و نبایدهای نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی ایران است.

۱۸ بند سیاست‌های کلی انتخابات را می‌توان مسیری مطمئن برای برگزاری انتخاباتی شفاف، عدالت‌محور و مردم‌سالار دانست، نقشه راهی که انتخابات را بدون برخورد با سنگ‌ریزها و چاله‌های موجود به مقصد مطلوب می‌رساند. این سند راهبردی که اهمیت بسزایی در سالم‌سازی انتخابات ایفا می‌کند اکنون پس از گذشت ۵ سال با برخی موانع و چالش‌ها مواجه بود و می‌توان گفت نتیجه مطلوب را و رضایت بخشی را کسب نکرده.

بنده ۵ سیاست‌های کلی انتخابات هرگونه تخریب، تهدید، تطمیع، فریب و وعده‌های خارج از اختیارات قانونی و هرگونه اقدام مغایر امنیت ملی نظیر تفرقه قومی و مذهبی در تبلیغات انتخاباتی را ممنوع کرده است اما با بررسی کلی برخی انتخابات اخیر و اظهارات نامزدهای داوطلب می‌توان عدم توجه به این بنده را مشاهده کرد، مناظره انتخاباتی که اکنون جای خود را به مناظره انتخاباتی داده است نیازمند رصد بیشتر دستگاه‌های نظارتی می‌باشد.

پاسداری از آزادی و سلامت انتخابات و حق انتخاب آزادانه افراد و صیانت از آراء مردم به‌عنوان حق الناس در قانون‌گذاری، نظارت و اجرا و نیز رعایت کامل بی‌طرفی از سوی مجریان و ناظران و برخورد مؤثر با خاطیان از دیگر سیاست‌های کلی انتخابات است که در بند ۱۵ این سند راهبردی بیان شده است. با عنایت به فرمایش مهم و حکیمانه مقام معظم رهبری که تعرض به رأی مردم را تعرض به حق الناس عنوان فرمودند اما متأسفانه شاهد عدم اجرای اساسی این بنده مهم هستیم تا جایی که در مواردی برخی مجریان و ناظران برگزاری انتخابات نه تنها



سجاد صادقی

## یادداشت ۲۰

### نقد و تحلیل حقوقی بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات

سیاست‌ها بنگرند. اما در این یادداشت به نقد و تحلیل و ایجاد فرصت‌های طلایی بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات مبتنی بر ارتقاء شایسته‌گزینی\_ همراه با زمینه‌سازی مناسب\_ در انتخاب داوطلبان تراز شایسته جمهوری اسلامی ایران و دارای ویژگی‌های متناسب با جایگاه مربوط از طریق راه‌حل‌های پیشنهادی که در ادامه این بند به آن اشاره شده است می‌باشد. اگر یک نظام شایسته‌سالار بتواند گزینش مدیران خود را بر اساس توانایی و کارآمدی و صلاحیت‌های علمی استوار سازد، قطعاً آسیب‌پذیری نظام سیاسی و نشاط اجتماعی به حداقل ممکن خواهد رسید. وقتی مقام ولایت فقیه خود را از هرگونه مداخله در حق انتخاب مردم معاف می‌دانند چه حجتی از نظر شرعی وجود دارد که افراد یا شخصیت‌های دیگر به مردم در این خصوص القاء شبهه کنند؛ خدشه‌دار کردن این حق مسلم انسانی که رهبری حکیم نظام اسلامی از آن به حق الناس تعبیر کرده است چه توجیهی خواهد داشت. نگاه به قدرت سیاسی از منظر ثروت‌اندوزی و جاه‌طلبی در نگاه شریعت ما مردود است اما متأسفانه در سال‌های اخیر افرادی مغرضانه از اعتماد و انتخاب مردم و فرصتی که توسط مردم از راه انتخابات به دست آورده‌اند سوءاستفاده کرده و ناامیدی را در جامعه

انتخابات نماد و مظهر اصلی مردم‌سالاری دینی شناخته می‌شود و مردم به واسطه آن در تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی خود سهیم و اقدام به تغییر اصحاب قدرت می‌نمایند، انتخابات به عنوان یکی از مصادیق مراجعه به آراء عمومی، بازتاب‌دهنده اتکای امور کشور به آراء عمومی است. بر طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران کارگزاران متعدد حکومت با انتخاب مستقیم مردم برگزیده می‌شوند. امام خمینی (ره) بنیان‌گذار انقلاب اسلامی همواره انتخابات را امری بسیار مهم در تعیین سرنوشت یک کشور می‌دانستند و بر حضور همگانی در این رویداد مهم تأکید و فراهم کردن شرایط انتخابات آزاد را به عنوان مهم‌ترین وظیفه دولت‌ها قلمداد می‌کردند. تعیین سیاست‌های کلی نظام در حوزه‌ها و موضوعات مختلف، به موجب اصل ۱۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در شمار صلاحیت‌های مهم مقام رهبری است. بر طبق بند اول اصل ۱۱۰ قانون اساسی، رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی نظام را تعیین و تصویب نموده و ابلاغ می‌کنند. تعیین سیاست‌های کلی نظام از سوی مقام رهبری در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، نمونه بارز تبلور نقش هدایت‌گری کلان نظام جمهوری اسلامی است. این سیاست‌ها در ذیل قانون اساسی قرار گرفته و برای همه نهاد‌های حکومتی لازم‌الاجراست. سیاست‌های کلی را می‌توان جزئی از منظومه قانون اساسی دانست، طوری که همه قوانین و مقررات دیگر باید در راستای این سیاست‌ها تنظیم و تصویب شوند و منطبق بر آن‌ها باشند. «سیاست‌های کلی انتخابات جهت ترسیم افق و نقشه راه متولیان امر در تاریخ ۲۴ مهر سال ۱۳۹۵ از سوی مقام رهبری خطاب به رؤسای سه قوه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شد». سیاست‌های ابلاغی از جهات مختلف و از نگاه اندیشمندان حوزه‌های متعدد، قابل بررسی و ارزیابی هستند؛ علوم سیاسی، علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، مدیریت و حتی اقتصاد، دانش‌هایی هستند که هر یک می‌توانند از نظرگاه خاص خویش به این



# انتخاب اصلح



کسانی که وارد میدان انتخابات میشوند، باید کسانی

انتخاب افراد در سمت‌های مختلف اشاره دارد. مسلماً زمان ۱۰ روزه برای بررسی احراز یا رد صلاحیت داوطلبان مجلس شورای اسلامی با توجه به فراوانی حوزه‌های انتخابیه کافی نیست؛ جزء ۳ بند ۱۰ به‌درستی به این مورد اشاره می‌نماید. البته زمان یک‌ماهه برای بررسی شرایط داوطلبان مجلس خبرگان رهبری به نظر می‌رسد با توجه به تعداد کمتر حوزه‌های استانی این انتخابات، زمان کافی و مناسبی باشد؛ اما در مورد بررسی شرایط داوطلبان ریاست‌جمهوری با توجه به جایگاه بسیار مهم این پست حساس و فراوانی داوطلبان، باید این مدت نیز مورد بازنگری قرار گیرد. پرواضح است که افراد متخصص و متعهد همیشه در مناصب مختلف یا سنگرهای علم و دانش که همان دانشگاه‌ها و حوزه‌ها هست مشغول به خدمت می‌باشند و در زمان ثبت‌نام شاغل هستند، جزء ۴ بند ۱۰ خواستار اتخاذ تدابیری جهت به حداقل رساندن این ممنوعیت‌ها شده است که باید توجه ویژه‌ای به این امر شود و مورد بازنگری قرار گیرد. با توجه به مطالبی که بیان شد سیاست‌های کلی انتخابات به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در امر انتخابات است و این سیاست‌ها به دنبال رفع نواقص و کمبودهای موجود در قوانین و مقررات انتخاباتی است که ضرورت تغییر قانون انتخابات یکی از شروط تحقق این سیاست‌ها هست. بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات ظرفیت‌ها و راه‌حل‌های مناسبی را پیش روی دست‌اندرکاران انتخابات مخصوصاً شورای نگهبان می‌گذارد که تخصص افراد و شایسته‌گزینی، اعتقاد به نظام اسلامی و ولایت فقیه، سلامت اخلاقی و اقتصادی از مهم‌ترین نکاتی بود که به آن اشاره شده است.

گسترش داده‌اند. یکی از مهم‌ترین دلایل این سوءاستفاده‌ها، به‌کارگیری افراد غیرمتخصص در سمت‌های گوناگون نمایندگی مجلس، شوراهای اسلامی شهر و روستا و حتی انتخاب مقامات اجرایی بوده است. طبق بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات، رهبری به‌صورت مستقیم به این موضوع اشاره فرموده‌اند و خواستار تعیین معیارها و شاخص‌های دقیق انتخاب اصلح افراد شده‌اند. در این سیاست‌ها بر نقش انکارناپذیر شورای نگهبان در انتخابات تأکید شده است و از سوی دیگر باید قانون انتخابات تغییر یابد تا شورای مذکور طبق وظایف قانونی خود بتواند مخصوصاً در انتخابات مجلس شورای اسلامی بحث شایسته‌سالاری و تخصص افراد را مورد توجه قرار داده و در هنگام تأیید ورد صلاحیت‌ها بتواند از این اهرم استفاده نماید. مجلس قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی به فرموده حضرت امام (ره) در رأس امور است و پرواضح است که این نهاد باید توسط افرادی متخصص و متعهد اداره گردد. کمیسیون‌های تخصصی مجلس که وظیفه‌ای مهم در تدوین قوانین و حتی رأی اعتماد به وزرای دولت دارد، باید توسط افرادی متخصص و باتجربه مدیریت شود. اجزاء ۱ تا ۵ بند ۱۰ سیاست‌های کلی انتخابات ظرفیت‌های بی‌ظنیری را جهت واقع‌شدن تخصص و شایسته‌گزینی افراد در انتخابات فراهم می‌آورد که یقیناً تغییر قانون انتخابات را می‌طلبد. جزء ۱ بند ۱۰ در کنار کارآمدی علمی و جسمی به تعهد به اسلام، نظام اسلامی و قانون اساسی و اعتقاد به ولایت فقیه و درنهایت سلامت اخلاقی و اقتصادی اشاره نموده که قطعاً چنانچه معیارهایی تعریف شود که بر طبق این معیارها افرادی تأیید صلاحیت شوند که جامع این شرایط باشند، شاهد تغییرات مثبتی در نظام قانون‌گذاری کشورمان خواهیم بود. جزء ۲ بند ۱۰ به‌درستی به تعیین معیارهایی متناسب با هر انتخابات تأکید کرده که این امر ظرفیت بی‌ظنیری مبتنی بر اهمیت





امید سلطانی

## یادداشت ۲۱

## نقد و بررسی بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات

سیاست‌های کلی انتخابات با توجه به کم‌وکاستی‌های موجود در حوزه انتخابات به درستی در کنار سایر سیاست‌های کلی نظام در سال ۱۳۹۵ در ۱۸ بند به تصویب رسید. اما اکنون پس از گذشت پنج سال با تدقین دربندهای تصویب‌شده می‌توان گفت تمامی بندهای این سیاست‌ها به درستی اعمال نشده و یا نمی‌شود که هرکدام دلایل خاص خود را با توجه به شرایط و امکانات موجود دارد. در ذیل به اختصار بند ۳ سیاست‌های کلی نظام را با نگاهی منتقدانه مورد بررسی و تطبیق قرار می‌دهم:

## -عدالت در تبلیغات

با توجه به گسترش فضای مجازی و ظهور پیام‌رسان‌های جدید یکی پس از دیگری، آنچه بیش از پیش به چشم می‌آید افول تبلیغات سنتی و جایگزین شدن تبلیغات بر بستر فضای مجازی می‌باشد، هرچند که قانون‌گذار در بند ۳ سیاست‌های کلی انتخابات سعی در برقراری عدالت و مساوات در تبلیغات کاندیداها را مدنظر قرار داده است، و این مورد در تبلیغات کاندیداها بر بسترهای قابل کنترل همانند روزنامه‌ها، صداوسیما و تبلیغات محیط شهری تا حدودی قابل کنترل است اما در مورد تبلیغات کاندیداها بر بستر فضای مجازی عملاً قابل اجرا نمی‌باشد و از سویی تأثیرگذاری ملموس فضای مجازی باعث شده است هر کاندیدایی که فضای مجازی را تحت کنترل خود درآورد در نهایت از سایر رقبای خود پیشی بگیرد. این مورد باعث می‌شود برخی کاندیداها که صلاحیت مطلوبی ندارند با سیطره بر فضای مجازی و ایضاً تبلیغات زود هنگام باعث پیروزی در انتخابات و نتیجتاً عدم ورود افراد شاخص و صلاحیت‌دار به دستگاه‌های اجرایی شود.

اما راهکار پیشنهادی چیست؟ بی‌شک با توجه به عدم کنترل مستقیم فضای مجازی مسدود کردن پیام‌رسان‌های تأثیرگذار در زندگی روزمره افراد جامعه، نمی‌تواند راهکاری مناسب برای

این امر باشد. به عقیده نگارنده پاسخ به این سؤال را باید در مفاد یکی دیگر از سیاست‌های نظام جستجو کرد، قانون‌گذار قبل از تصویب سیاست‌های کلی در حوزه انتخابات، در سال ۱۳۷۷ سیاست‌های کلی نظام در بخش شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای تصویب کرده است. در بند اول قانون مع‌الذکر «ایجاد، ساماندهی و تقویت نظام ملی اطلاع‌رسانی رایانه‌ای و اعمال تدابیر و نظارت‌های لازم به منظور صیانت از امنیت سیاسی، فرهنگی، اقتصادی اجتماعی و جلوگیری از جنبه‌ها و پیامدهای منفی شبکه‌های اطلاع‌رسانی» از جمله سیاست‌های کلان در این حوزه یاد شده است. که هم‌اکنون با توجه به وضعیت فضای مجازی متأسفانه چنین مشاهده می‌شود که مفاد این سیاست‌ها نیز به معنای واقعی اجرا نشده است. فلذا به عقیده اینجانب بهبود وضعیت نامطلوب نظارتی در حوزه فضای مجازی مستلزم همکاری نهادهای مختلف و مشاوره با نخبگان این حوزه می‌باشد تا از تصمیمات احساسی که ناخواسته فضای آحاد جامعه را متزلزل کند جلوگیری شود.

در جمع‌بندی مطالب فوق نکته قابل ذکر عدم ضمانت اجرای مفید در برخورد با تخلفات کاندیداها در بستر فضای مجازی هست. که امید هست با ایجاد سازوکارهای مناسب تا بهبود وضعیت نظارتی، حداقل مفاد قانونی مطلوبی در برخورد با تخلفات احتمالی کاندیداها پیش‌بینی شود.

### مشروح مذاکرات و مبانی نظرات شورای نگهبان

- ۱- مشروح مذاکرات شورای نگهبان؛ چاپ هر سال به صورت جداگانه [سال ۱۳۵۹ ویراست اول؛ سال ۱۳۶۰؛ سال ۱۳۹۲ (نیم سال اول)؛ سال ۱۳۹۲ (نیم سال اول)؛ سال ۱۳۹۳ (نیم سال اول)؛ سال ۱۳۹۵ (نیم سال اول)؛ سال ۱۳۹۶ (نیم سال اول)]
- ۲- مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد مصوبات مجلس شورای اسلامی؛ چاپ هر دوره به صورت جداگانه [دوره ۱ تا ۱۰]
- ۳- مجموعه نظریات فقهی شورای نگهبان در پاسخ به استعلامات دیوان عدالت اداری؛ چاپ هر مجموعه به صورت جداگانه [مجموعه سال‌های (۱۳۶۱-۱۳۸۳) - (۱۳۸۳-۱۳۹۲) - (۱۳۹۳-۱۳۹۶)]
- ۴- مجموعه نظرات شورای نگهبان در مورد اساسنامه‌های مصوب دولت (۱۳۹۵-۱۳۹۶)
- ۵- نظرات شرعی فقهای شورای نگهبان بر اساس اصل ۴ قانون اساسی (۱۳۹۵-۱۳۹۷)
- ۶- اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان [جلد اول، اصول ۱-۵۵؛ جلد دوم، اصول ۵۶-۷۵؛ جلد سوم، اصول ۷۶-۱۱۲؛ جلد چهارم، اصول ۱۱۳-۱۷۷]
- ۷- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به همراه نظرات تفسیری، مشورتی و... [۱۳۹۵-۱۳۹۶] [اداری قطع پالتویی و جیبی]
- ۸- مبانی فقهی آراء فقهای شورای نگهبان؛ فروردین تا مرداد ۱۳۶۱ (جلد ۲)
- ۹- مبانی آراء و نظرات شورای نگهبان؛ مستنبت از مشروح مذاکرات سال ۱۳۸۷
- ۱۰- مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص مصوبات و استفساریه‌ها؛ چاپ هر سال به صورت جداگانه [سال ۱۳۹۰؛ سال ۱۳۹۱؛ سال ۱۳۹۲؛ سال ۱۳۹۳؛ سال ۱۳۹۴]
- ۱۱- مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۱۲- مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون برنامه پنجم توسعه و قوانین بودجه (۱۳۸۹-۱۳۹۴)
- ۱۳- مبانی نظرات شورای نگهبان در خصوص قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

### قوانین

- ۱۴- مجموعه قوانین و مقررات شورای نگهبان؛ ویراست ۲
- ۱۵- مجموعه قوانین و مقررات انتخابات؛ ویراست ۵
- ۱۶- قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در پرتو نظرات شورای نگهبان
- ۱۷- قانون حمایت خانواده و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست در پرتو نظرات شورای نگهبان
- ۱۸- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در پرتو نظرات شورای نگهبان
- ۱۹- قانون آیین دادرسی کیفری در پرتو نظرات شورای نگهبان
- ۲۰- قانون مجازات اسلامی همراه با کتاب پنجم در پرتو نظرات شورای نگهبان

### طرح‌ها و کتاب‌های پژوهشی

- ۲۱- تفکیک تقنین و اجراء؛ تحلیل مرزهای صلاحیت تقنینی در روابط قوای مقننه و مجریه

۲۲- مردم و حکومت اسلامی

۲۳- تحلیل وقایع روز از دیدگاه حقوق عمومی

۲۴- دادرسی اساسی تطبیقی؛ مطالعه مبانی، ساختارها و صلاحیت‌های نهاد دادرسی اساسی

۲۵- جایگاه و صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

۲۶- موافقتنامه‌های بین‌المللی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

۲۷- تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر اصول قانون اساسی زیرنظر آیت‌الله عباس کعبی [ج. ۱. اصول (۷-۱)؛ ج. ۲. اصول (۸-۱۸)]

۲۸- حقوق اساسی کشورهای اسلامی

۲۹- نظام حقوقی حاکم بر انتخابات [ج. ۱. نظام‌های انتخاباتی]

۳۰- شورای نگهبان؛ نظارت بر انتخابات؛ تبیین و تحلیل صلاحیت شورای نگهبان در نظارت بر انتخابات

۳۱- کتابشناسی شورای نگهبان

۳۲- کتابشناسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳۳- شرح قانون اساسی زیر نظر دکتر عباسعلی کدخدایی؛ چاپ هر فصل قانون اساسی به صورت مجزا [فصل اول: اصول کلی (اصول ۹، ۵، ۱۱)؛ فصل سوم: حقوق ملت (اصول ۲۴ و ۲۶)؛ فصل ششم: قوه مقننه - فصل ششم: شورای نگهبان؛ فصل هفتم: شوراها (اصول ۱۰۱ و ۱۰۲)؛ فصل هشتم: رهبر؛ فصل نهم: قوه مجریه، ریاست جمهوری و وزراء (اصول ۱۱۳، ۱۳۳، ۱۱۷)؛ فصل چهاردهم: بازنگری در قانون اساسی اصل ۱۷۷]

۳۴- آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی (جلد ۲)

۳۵- آشنایی با مفاهیم قانون اساسی؛ تحلیل برخی کلیدواژگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳۶- قانون‌گذاری و اجرا؛ مجموعه نشست‌های تخصصی تحلیل روابط قوای مقننه و مجریه

۳۷- محشای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (جلد ۲)

۳۸- سلسله نشست‌هایی با موضوع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دستاوردها، ظرفیت‌ها و چشم‌اندازها

۳۹- آشنایی با جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان

۴۰- آشنایی با جایگاه و صلاحیت‌های شورای نگهبان ویژه دانشجویان حقوق

۴۱- شورای نگهبان در اندیشه قانونگذار اساسی از مشروطه تا جمهوری اسلامی ایران

۴۲- فصلنامه دانش حقوق عمومی؛ شماره ۱-۳۳

#### ■ خرید آثار ■

[www.nashr-rc.ir](http://www.nashr-rc.ir)

#### ■ اطلاع از آخرین اخبار و فعالیت‌های ■

پژوهشکده شورای نگهبان

[www.shora-rc.ir](http://www.shora-rc.ir)

@shora\_rc



# در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اصول اول و دوم قانون اساسی، مبنا و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران، بیان گردیده است. در این اینفوگرافیک که توسط پژوهشکده شورای نگهبان تهیه شده است، مبنا و پایه‌های نظام جمهوری اسلامی ایران مرور می‌گردد.



## مبنای نظام؛ اصل اول قانون اساسی

همه‌پرسی دهم و یازدهم  
فروردین ماه ۱۳۵۸

اعتقاد دیرینه ملت ایران به  
حکومت حق و عدل قرآن

رأی مثبت اکثریت  
۹۸٫۲٪ کلیه کسانی  
که حق رأی داشتند

پیروزی انقلاب  
اسلامی به رهبری  
امام خمینی (ره)

## اصل دوم قانون اساسی

## پایه‌های نظام

کرامت و ارزش  
والای انسان و آزادی  
توأم با مسئولیت  
او در برابر خدا

خدای یکتا و  
اختصاص حاکمیت  
و تشریح به او و لزوم  
تسلیم در برابر امر او؛

امامت و رهبری مستمر و  
نقش اساسی آن در تداوم  
انقلاب اسلام؛

معاد و نقش سازنده آن در  
سیر تکاملی انسان به  
سوی خدا؛

عدل خدا در خلقت  
و تشریح؛

وحی الهی و نقش بنیادی  
آن در بیان قوانین؛

## غایت

## راه‌های تحقق

تأمین قسط و عدل و استقلال سیاسی و  
اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و  
همبستگی ملی

اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین (س)؛  
استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها؛  
نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری؛

# اپلیکیشن تلفن همراه جمهوری

مجموعه قوانین و مقررات انتخابات

دریافت از بازار



# اپلیکیشن تلفن همراه اساس نامه

مجموعه قوانین اساسی و مقررات شورای نگهبان

دریافت از بازار

